

نبرد خلق

شماره ۳۲۳
دوره چهارم سال بیست و هشتم
اول خرداد ۱۳۹۱

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



یادداشت سیاسی

ولایت فقیه در کدام سو در حال پوست اندازی است؟

مهدی سامع

«به نظر می رسد که ولایت خامنه ای در حال یک پوست اندازی جدید است. سوال اساسی پس از رویدادهای سیاسی چند ماه گذشته به ویژه با اعلام نتایج انتخابات فرمایشی و مشخص شدن ترکیب دوره نهم مجلس ارتجاع، این است که آیا سلطنت مطلقه خامنه ای در حال منقبض شدن بیشتر یا در پروسه منبسط شدن است

صفحه ۲

سازماندهی جنبشهای عصر جدید

پس از جنگ سرد (۲۱)

- "انتخابات" و "توسعه گرایی"،

دو محور بحث در چپ جهانی

- جنبش "نه" به نو - لیبرالیسم

- پاسخ زحمتکشان یونان به

"ترویکا": وقتی ما حرف می

زنیم، شما خفه شوید!

- رفراندوم علیه سارکوزی، مدافع

سرسخت نو - لیبرالیسم

لیلا جدیدی

صفحه ۶

چالشهای معلمان در اردیبهشت ۱۳۹۱

فرنگیس بایقره

صفحه ۱۱

رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

صفحه ۲۰

بیانیه سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران به مناسبت

اول ماه مه، روز همبستگی

جهانی کارگران

صفحه ۱۳

خصوصی سازی نفت و طرح

هدفمندی یارانه، دو روی سکه

نو - لیبرالی اقتصاد

جعفر پویه

صفحه ۳

مجاهد خلق منصور رادپور در زندان

گوهردشت به شهادت رسید

صفحه ۲۴

سیاستی که زندگی پرستاران را

تباه می کنند

شهره صابری

صفحه ۱۹

در آستانه اول ماه مه

دبیر خانه سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران منتشر می کند.

جنبش کارگری

در سالی که گذشت

صفحه ۱۴

برخی از مهمترین حرکتها

اعتراضی کارگران و مزدبگیران در

اردیبهشت ۱۳۹۱

صفحه ۱۸

مواد غذایی به عنوان یک کالا

قسمت پایانی

فرد مگدوف / مانتلی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان

صفحه ۸

خصوصی سازی متکی بر رانت و

تحکیم استبداد (۳)

شهره صابری

صفحه ۱۱

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی

ولایت فقیه در کدام سو در حال پوست اندازی است؟

مهدی سامع

می کرد. در ظاهر امر چنین رقابتی وجود داشت. اما نه جبهه متحد چندان «متحد» بود و نه جبهه پایداری چندان «پایدار».

کیهان شریعتمداری که معمولا نیت ولی فقیه را به شکل زُخت بیان می کند در روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت در عنوان اصلی خود نوشت: «جبهه سازیها کارساز نبود، مردم به لیست خود رای دادند».

علی آستانه در شماره روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت روزنامه اعتماد نوشت: «اگر روزی مداحان، حاشیه سخنرانی و وعظ علما را پر می کردند، اینک این مداحان هستند که برای قبول یک روحانی در لیست مورد تاییدشان شرط می گذارند. در ۲۵ نفری که در مرحله دوم انتخابات در تهران به مجلس راه یافتند، ۱۷ نفرشان از هیات منتخب حاج منصور ارضی است. و این شگفت نیست که حاج منصور که صدای ارک و سردسته عزاداران محرم است، آن چنان نفوذی پیدا می کند که کفه ترازو را سنگ او بالا و پایین می برد... به همین علت است که سیاستمداران اصولگرا هر کدام در پی دلگشایی و قربت به مداحی معروف هستند که در روزی که منتخب تهران به ۱۰ و ۲۰ درصد از آرای مردم نیاز دارد، سنگ حاج منصور و مثل اوبی، لیستش را زیر و زبر کند. جابه جایی گروههای مرجع اتفاق افتاده است و می افتد؛ اینک صنف لباس فروشان خود سازی جدا از مولفه می زند و سنبه اش را برای لیست حاج منصور می زند.»

اکنون می توان بهتر به ماهیت «جوانان با روحیه» پی برد. این نوچه های حاج منصور ارضی هستند که در نقش جوانان با روحیه، افرادی همچون اسدالله بادامچیان و محمد نبی حبیبی که دو چهره قدیمی متعلق به باند مولفه هستند را از راهیابی به خانه همیشگی مولفه باز می دارند. منظور حسین شریعتمداری از «مردم» که به لیست خودشان رای دادند همین دار و دسته های همچون حاج منصور ارضی است که می توانند ۱۶۹ تن را برای اولین بار وارد مجلس کنند و ۱۹۶ تن از نمایندگان دوره هشتم را که برای دوره نهم کاندیدا بودند را از راهیابی به مجلس بازدارند و در نتیجه بیش از دوسوم کرسیهای مجلس نهم را از آن «مردم» کنند.

این «مردم» فقط شامل باندهایی همچون حاج منصور ارضی نمی شود. بقیه در صفحه ۳

از این نظریه حفاظت کنیم نه این که در مقام نقد و انتقاد و تضعیف باشیم... ما باید به عنوان شاخه هایی از شاخه های ولایت، این درخت تنومند را حفظ کنیم نه این که منتظر باشیم اگر در گوشه ای اشتباهی صورت گرفت شاخه را ببریم.» این گفته رئیس مجلس خبرگان به طور آشکار بر خلاف قانون اساسی است. مهدوی کنی به جای «نظارت»، «حراست» را قرار می دهد و البته این را خود خامنه ای هم قبلاً در دیدار با اعضای مجلس خبرگان به شکلی نه چندان صریح مطرح کرده بود. از حرفهای هاشمی رفسنجانی و مهدوی کنی می توان یکی از مشخصات پوست اندازی جدید را تعیین کرد. حراست از ولی فقیه به جای نظارت بر عملکرد او. برای عملی شدن این وظیفه لازم بود که رفسنجانی از ریاست مجلس خبرگان کنار گذاشته شود و خامنه ای چنین کرد و با برگماری مهدوی کنی به عنوان مُخل، راه را برای یک مجلس «حراستی» هموار کرد. بر اساس چنین وظیفه ای است که خامنه ای «هیات عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوا» را در مقابل «مجمع تشخیص مصلحت نظام» خراطی کرد. به گمان من ترکیب مجلس نهم هم در خدمت همین وظیفه است.

در تحلیل رویدادهای قبل از برگزاری انتخابات مجلس و نتایج آن عده ای کشاکش اصلی را بین باند احمدی نژاد با باند خامنه ای ارزیابی کردند. به گمان من این ارزیابی غیر واقعی بود. یاغی شدن احمدی نژاد و خانه نشینی ۱۱ روزه او البته در تقابل با نیت خامنه ای بود. اما کشاکش اصلی احمدی نژاد و زیاده خواهی او در اساس با خامنه ای نبود. احمدی نژاد به شکل تیغی کمر به حذف باندهایی گرفته بود که به نظر خامنه ای هنوز زمان این کار فرا نرسیده بود. پس از آن خانه نشینی هم ولی فقیه به تکرار از احمدی نژاد حمایت کرد. خامنه ای از این که نمایندگان مجلس در مقابل وزرای احمدی نژاد شعار دو-دو دادند اظهار تفر و از این که مجلس نشینان از گماشته اش سوال کردند ابراز ناراضی کرد. این را هم باید در نظر داشت که احمدی نژاد و بخشی از اطرافیان او به شمول رحیم مشایی در قد و قواره ای نیستند که بتوانند در مقابل ولی فقیه عرض اندام کنند.

ارزیابی دیگر به کشاکش اصلی درون اصول گرایان می پرداخت و رقابت بین «جبهه متحد» با «جبهه پایداری» را مساله اصلی در این انتخابات ارزیابی

می دهد که مساله به سود دولت احمدی نژاد حل و فصل شود. وقتی محمود احمدی نژاد پس از تصویب طرح «نظارت بر عملکرد نمایندگان» که با اصرار خامنه ای در مجلس تصویب شده بود، این مصوبه مورد تأیید شورای نگهبان را «غیرقانونی» اعلام کرد، ولی فقیه احمدی نژاد را مجبور کرد تا این مصوبه را به دستگاههای اجرایی ابلاغ کند.

این درهم ریختگی را می توان به درستی نشانه ای از فروپاشی اتوریته ولی فقیه دانست. اما به گمان من این تمام مساله نیست. سید علی خامنه ای خود شاهد این فروپاشی است، اما در مقابل این پدیده غیرفعال نبوده و تن به قضا و قدر نمی دهد. تجربه نشان داده که خامنه ای در مقابل بحرانها و چالشهایی که ولایتش را تهدید می کند، به سرعت و البته بر مدار فرار به جلو برنامه ریزی می کند. او پس از قیامهای سال ۱۳۸۸ و با آگاهی به تضادهای عمیق درون هرم قدرت، برای یک پوست اندازی جدید برنامه ریزی کرده است. نتایج انتخابات فرمایشی اخیر یک پرده از سناریوی خامنه ای را به نمایش گذاشت. قبل از این که به موضوع ترکیب مجلس جدید بپردازم به دو اظهار نظر مهم اشاره می کنم.

علی اکبر هاشمی رفسنجانی می گوید: «مشکل از آنجا ناشی می شود که ساختار و وظایف مطرح در قانون اساسی تحت الشعاع سلايق شخصی و منافع باندی و گروهی قرار می گیرد که در صورت غلبه این نوع تفکر، ساختار و قانون اساسی بی نقص هم پاسخگو نخواهد بود و توسط منافع طلبان به بیراهه خواهد رفت.»

به نظر می رسد که باندها و گروههایی که هاشمی رفسنجانی به آن اشاره می کند همان جوانان با روحیه ای هستند که خامنه ای به آنان در مقابل برخی افراد خسته و بی حوصله می نازد. احمدی نژاد یکی از همین «جوانان با روحیه» بود که با مهندسی ولی فقیه افراد خسته و بی حوصله همچون رفسنجانی را به گوشه میدان راند.

اما این جوانان با روحیه در کدام مسیر باید حرکت کنند و راهنمای عمل آنان چیست؟ به این سوال محمدرضا مهدوی کنی در همایش «نظریه بیداری اسلامی» پاسخ می دهد. او می گوید: «نظارت بر رهبری به مفهوم حراست از ایشان است و باید رهبری را حفظ کنیم... ما در مقام این هستیم که

به نظر می رسد که ولایت خامنه ای در حال یک پوست اندازی جدید است. سوال اساسی پس از رویدادهای سیاسی چند ماه گذشته به ویژه با اعلام نتایج انتخابات فرمایشی و مشخص شدن ترکیب دوره نهم مجلس ارتجاع، این است که آیا سلطنت مُطلقه خامنه ای در حال مُنْقِض شدن بیشتر یا در پروسه مُنْبَسَط شدن است؟ آیا آیت الله خامنه ای می تواند در مقابل فشارهای خارجی پیرامون پروژه اتمی کوتاه بیاید و با نرمش در مقابل قدرتهای بزرگ جهانی، فشار در داخل را افزایش داده و به ترمیم اتوریته درهم شکسته اش مبادرت ورزد؟

از حرفهای ولی فقیه هیچ نشانه ای برای کوتاه آمدن در هیچ عرصه ای نمی توان دید. خبرگزاری مهر در روز جمعه ۲۹ اردیبهشت، سخنان خامنه ای در جمع شماری از اعضای سپاه پاسداران را منتشر کرد. خامنه ای در جمع سپاهیان که استخوانبندی اصلی ولایتش را تشکیل می دهند گفت: «حرکت درست مسئولان موجب تسری آن در جامعه می شود. این حرکت با خستگی و بی حوصلگی برخی افراد دچار تزلزل و انحراف نمی شود... و شما دیدید کسانی که در جریان حرکت، بار مسئولیت را بر زمین نهادند فوراً جوانهای با روحیه، آن را بر داشتند.» این برخی از افراد خسته و بی حوصله چه کسانی هستند و این جوانهای با روحیه از کجا می آیند؟ خامنه ای البته به طور شفاف به این موضوعات نمی پردازد، اما اقدامات او راهنمای مناسبی برای پیدا کردن آدرسهایی است که او در سخنانش به طور شفاف آنها را مطرح نمی کند.

هفت سال پیش که خامنه ای پروسه اصول گرایی و یا ریل گذاری جدید در ولایتش را با برگماری احمدی نژاد در مسند ریاست جمهوری آغاز کرد هرگز فکر نمی کرد که روزی اصول گرایان این گونه بر هم بتازند و به قول یکی از نمایندگان مجلس «بی رحمانه خرمن اخلاق را به آتش بی اخلاقی» بسوزانند. تضادهای بین باندهای مختلف اصول گرایان که همگی خود را گوش به فرمان رهبر و ذوب شده در ولایت می دانند، تضاد بین مجلس با دولت، تضاد بین هیات عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوا با دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام و... به شکلی تشدید شده که ولی فقیه مجبور است هر گره ای را خود باز کند. وقتی اکثریت نمایندگان مجلس با اجرای مرحله دوم حذف یارانه ها مخالفت می کنند، خامنه ای دستور

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

خصوصی سازی نفت و طرح هدفمندی یارانه، دو روی

سکه نو - لیبرالی اقتصاد

جعفر پویه

برای تکمیل لیست «مردم» باید عناصر خاص سپاه پاسداران و بسیج، افراد امنیتی وابسته به بیت ولی فقیه، باندهای سپاه حزب الهی، مداحان، فال گیران و معرکه گیران، اراذل و اوباش و نو کیسه گان جدید الورد که با پول نفت طی دوران احمدی نژاد به نان و نوایی در مقیاس میلیارد دلار رسیده اند را اضافه کرد. همه عناصر تشکیل دهنده این لیست رانت خوار و در بوروکراسی حکومتی به شکلی شراکت دارند. جبهه متحد، جبهه پایداری، جمعیت رهپویان، جبهه ایستادگی و ... نمی توانند اینان را نمایندگی کنند. اینان آمده اند که از ولی فقیه حراست کنند. اینان آمده اند که از گماشته رهبر سوال نکنند. اینان هیچ سابقه ای که بر اساس آن بتوان برای ولی فقیه، حتی در جزئی ترین موارد، نسخه پیچی کنند ندارند. اینان آمده اند تا با خواص بی بصیرت و با ساکنین فتنه و انحراف تعیین تکلیف کنند. اینان را با اندکی تسامح می توان نمایندگان بورژوازی بوروکراتیک و رانت خوار دانست که به نیابت از طرف خامنه ای، می خواهند بورژوازی تجاری سنتی و بقایای بورژوازی صنعتی که پس از پایان جنگ هشت ساله و با سیاستهای اقتصادی رفسنجانی فرقه شده بودند را از شراکت در قدرت و ثروت حذف کنند. اینان می خواهند به گونه ای به درخواستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول پاسخ دهند و به گونه ای به اردوی نئولیبرالیسم جهانی بپیوندند که ضمن غارت و چپاول اقتصادی، سدی ستبر در مقابل عوارض سیاسی این پیوستگی ایجاد کنند. این ادامه همان حرکتی است که احمدی نژاد انجام داده و می دهد. اکنون اینان می دانند و لابد حاج منصور ارضی به آنان آموخته است که باید جای دوست و دشمن را به طور دقیق و البته در زمانی که رهبر تعیین می کند، مشخص کنند. این ادامه همان سیاست ریل گذاری جدید در ولایت خامنه ای است که اکنون با پوست اندازی، حاکمیت را انحصاری تر می کند و این احتمال وجود دارد که این نمایندگان منتخب لیست «مردم» قانون اساسی را در جهت نیازهای سلطنت مطلقه خامنه ای تغییر دهند. خامنه ای با چنین شکل و شمایلی وارد مذاکره پیرامون پروژه اتمی می شود. بعید است خامنه ای نداند که نوشیدن جام زهر در موضوع اتمی همه نتایجی که او رسییده است را پنبه خواهد کرد. او برای ورود به باشگاه اتمی و برای گسترش ولایتش در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا برنامه ریزی کرده و برای همین قیامهای ضد دیکتاتوری در این کشورها را «بیداری اسلامی» نامیده است. خامنه ای بیهوده از رژیم بشار اسد با تمام توان حمایت مادی و معنوی نمی کند. او می داند که خنای استبداد مذهبی و رژیم ولایت فقیه در ایران دیگر رنگی ندارد. بنابراین بعید است که در جریان مذاکرات اتمی سیاست تعامل در پیش گیرد. اما اگر به علت مجموعه ای از شرایط مجبور به نوشیدن جام زهر شود به ناچار سیاست ریل گذاری جدید و پوست اندازی جدیدش که به انتفاض هرچه بیشتر حاکمیت منجر شده، تماماً بر سر او و ولایتش خراب خواهد شد. من همواره آرزو کرده ام که جناب رهبر معظم چنین جام زهری بنوشد و این اقدام را به سود مردم ایران می دانم. اما این گفته زنده یاد شاهرخ مسکوب را هم نباید فراموش کرد که «این رویاهای زیبای دور، سرانجام خاکستر نشین واقعیهایی تلخ می شود».

واگذاری ثروت ملی مردم ایران به نور چشمیهایی که عنوان "بخش خصوصی" بر آنها گذاشته شده، برداشته است. هرچند تصمیم مزبور اکنون با توجه به وضعیت اقتصادی و سیاسی رژیم و روبرو شدن با تحریمهای بین المللی توجیه دندان گیری نیز یافته است، اما این پروسه سالهاست که آغاز شده و اکنون در جایی قرار داد که شاهد آن هستیم.

بسیاری از سردمداران رژیم و دزدان و دغلکارانی که دست در کیسه مردم ایران دارند و به چپاول آن مشغولند، ادعا می کنند که این کار برای دور زدن تحریمها و پیدا کردن راهکاری جهت صادرات و واردات به علت دست بسته بودن دولت و نهادهای مالی و تجاری رژیم است. اما واقعیت این است که این لفاظیها، یاهه هایی بیش نیست و دولت و مجلسی که مهر پادویی، نو - لیبرالیسم را بر پیشانی داربی، نمی توانند اجرای برنامه های درهای باز اقتصادی و تاراج و خصوصی سازی بخشهای پرمفعت و درآمد زای عمومی را حاشا کنند.

چپاول از طریق خصوصی سازی، یک پرونده قطور فرا جناحی

نگاهی به سابقه این ماجرا و گذشته خصوصی سازی در سالهای گذشته مشخص می کند که نه تنها دولت احمدی نژاد بلکه، دولتهای رفسنجانی و خاتمی نیز بخشهایی از این برنامه را اجرایی کرده و گامهای اولیه را آنها برداشته اند تا کار به اینجا رسید که می رود نفت یعنی، ثروت ملی مردم ایران توسط بخش خصوصی تصاحب شده و در همدستی با شرکای بین المللی، به چپاول و غارت برود.

در دستور قرار دادن اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم و حرکت به سوی کوچک کردن دولت، اقدام اولیه در راستا و جهتگیری به سوی است که سرمایه های ملی را به نور چشمیها واگذار کنند. دستور خامنه ای به روسای سه قوه رژیم به اضافه رییس مجمع تشخیص مصلحت تحت عنوان "سند راهبردی" مبنی بر اجرایی کردن اصل یاد شده، آشکار ترین نشانه این امر است. سال ۱۳۸۴ خامنه ای دستور شتاب بخشیدن به روند واگذاریها را می دهد، در حالی که بسیاری از اقشار جامعه به ویژه

کارگران شاغل در کارخانجات و موسسات واگذار شده به شدت به این عمل اعتراض کردند. آنها با برگزاری تظاهرات، تجمع، تحصن و راهپیمایی صدای خود را علیه این روند به غایت ضد مردمی بلند کردند، اما گوش شنوا در رژیمی که تصمیم گرفته تا بسیاری از داراییهای عمومی را به ثمن بخش بیخشد، وجود نداشت. برخورد نو - کیسه هایی که از صدقه ارتباطات ویژه صاحب جاه و مال شده بودند با کارگران و کارکنان موسسات تصاحب شده، چیزی بیش از یک برده داری ابلهانه نبود. منهای آن، بسیاری از این تازه از راه رسیده ها با تعطیلی کارخانجات و موسسات صاحب شده، زمینهای آنان را تغییر کاربری داده و با برافراشتن برج و بند ساخت و سازهایی که در زد و بند یا شهرداریها و یا نهادهای مربوطه انجام می دادند، ارقام نجومی بسیاری به جیب زدند. از صدقه سر همین واگذاری و خصوصی سازی است که صنعت نساجی کشور که یکی از صنایع نامدار منطقه بود، به کلی تعطیل شد و از صفحه روزگار محو گردید.

از صنایع و کارخانجاتی همچون لوله سازی اهواز تا ذوب آهن اصفهان، همگی به کسانی واگذار شد که معلوم نگردید ارقام نجومی خرید را از کجا به دست آورده اند. منهای این، حضور شرکتهای خصوصی وابسته به سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات و بسیج که یکشنبه سر برآورده و در این مناسبات دست بالا را پیدا کردند، نظریهای بسیاری را به خود جلب کرد.

هرچند وزارت اطلاعات و سپاه از زمان رفسنجانی و توسط او به روابط اقتصادی و مالی وارد شده بودند. اما آنها قدم به قدم جلو آمده و با دست اندازی بر موسسات تجاری و اقتصادی بسیاری، آنها را در چنگال خود گرفتند. عدم رعایت ضوابط قانونی درباره آنان، دور زدن مزایده و مناقصه ها، بخشش بدون سر و صدا و تهدید و ارعاب رقبا، ویژگی این دست اندازیهاست. واگذاری مخابرات کشور در یک مزایده صورتی به شرکتی وابسته به سپاه پاسداران سر و صدای بسیاری بلند کرد، اما بدون اینکه این هیاهو به جایی برسد، سپاه، مخابرات را تصاحب کرد و اجازه هیچگونه اعتراضی هم به کسی نداد. گرد و

خصوصی سازی

نفت و طرح

هدفمندی یارانه،

دو روی سکه

نو - لیبرالی اقتصاد

بقیه از صفحه ۳

خاک بعضی از مجلس نشینان رژیم آخوندی نیز برای بیشتر چرب شدن سیبل شان بود تا اینکه دلشوره اموال غارت شده یا ربای تهدید شده سپاه را داشته باشند. طبق آمارهای منتشر شده، تنها واحد تعاون سپاه از شرکت "ارتباطات سیار" مخابرات در دو سال گذشته هفت برابر قیمت خرید آن درآمد کسب کرده است.

اما حضور فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران به عنوان وزیر نفت در دولت احمدی نژاد، اتفاق جدیدی بود که راه را برای این اختصاصی سازی و نه خصوصی سازی بیشتر باز کرد.

واگذاری بسیاری از قراردادهای این وزارتخانه به شرکتهای وابسته به سپاه بدون تشریفات حقوقی، مشخص کرد که نو - لیبرالهای دورخیز کرده برای تصاحب نهادهای اقتصادی و چنگ اندازی بر اقتصاد کشور، بدون هیچ ترس و واهمه ای هرآنچه دلشان بخواهد، خواهند کرد و هیچ پروایی هم از مدعیان و یا معترضان ندارند.

اگر دولت رفسنجانی و خانمی بخش مالی با راه اندازی صندوقهای قرض الحسنه، هم پولهای کثیف را سفید می کرد و هم مالهای باد آورده را قانونی می ساخت. اما در سالهای تصدی گری احمدی نژاد، این پادوی رهبر و ولی فقیه رژیم بر دولت، سرمایه های مالی اقدام به تاسیس بانکهای مختلفی کردند. بند و بست و اختلاسهای میلیاردی، زد و بندهای پشت پرده و حباب سازی در بازار، خرید و فروش اوراق قرضه دولتی و شبه دولتیها و سودهای باد آورده کلان، ویژگی این دوره است. احمدی نژاد با حمایت

امنیتی - نظامیهای که نظر مثبت رهبر و ولی فقیه را نیز همراه داشتند، چنان یکشبه راه صد ساله رفتند که صدای بخشی از حکومتیهای که سرشان بی کلاه مانده را نیز در آورد. از پرده بیرون افتادن اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی و برگزاری دادگاه و فراری شدن بخشی از باند تبهکار به خارج کشور، نه دعوی حقوقی قوه قضاییه رژیم علیه عده ای دزد و شیاد است، بلکه درگیری داخلی بین باندهای قدرت رژیم است که بر سر چنگ اندازی و چپاول با هم به رقابت مشغولند.

نظارت (شراکت) رفسنجانی مطلوب نیست اما از همه بدتر در اوضاع بهم ریخته غارت و چپاول، برنامه کلی و خط اصلی رژیم است که همچنان امتداد دارد. مجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست هاشمی رفسنجانی از سوی رهبر و ولی فقیه رژیم ماموریت دارد تا بر پروسه خصوصی سازی و اجرای

"درست" اصل ۴۴ قانون اساسی را براساس فرمان او نظارت کند. نو - لیبرالهایی که هیچگونه نظارت و حساسی را بر نمی تابند، تمام تلاش خود را برای منکوب کردن رفسنجانی و خارج کردن او از پروسه نظارت به کار گرفتند. استفاده به موقع از بحران اجتماعی و به کارگیری آن بر ضد رفسنجانی و فشار دایمی برای ساکت کردن او، موفقیت این مدعیان دروغین است. خاضع ای که در این مناقشه دو سره بار می کند، استفاده خود را از منکوب کردن رفسنجانی به عنوان یکی از مدعیان موقعیت و مسند خود می برد. نهاد مالی عظیم دانشگاه آزاد که رفسنجانی از بنیانگذاران و رییس هیات امنایش است را از چنگ او در می آورند، همچنین تیغ نظارت مجمع را نیز کند می کنند تا مدعی ای برای درستی و یا نادرستی اجرای اصل ۴۴ و یا برنامه دراز مدتی که "رهبر" نظارت اش را به او واگذار کرده، نداشته باشند. اینکه غلامحسین الهام، سخنگوی بی پروای باند احمدی نژاد، اعضا مجمع تشخیص مصلحت نظام را عده ای "بیکار" می نامد که توسط رهبر سرشان گرم شده، گویای وضعیت کنونی این نهاد در گذشته قدرتمند رژیم است.

اگر پورمحمدی، رییس بازرسی کل کشور مدعی بعضی از این غارتهای بی حساب و کتاب می شود، اگر رهبر و ولی فقیه رژیم دستور می دهد تا بعضی از متهمها از پیگرد در امان بمانند، اگر رییس قوه قضاییه، صادق لاریجانی مدعی دولت و بعضی از منصوبان احمدی نژاد با عنوان "اختلاسگر" و یا دیگر اتهامات مشابه می شود، دلیل آن را نه در اجرای برنامه نو - لیبرالی و یا کارکرد آن بلکه، در شیوه اجرا و تقسیم اموال غارت شده بین شرکایی که خود را سهامدار این میدان می بینند باید جستجو کرد.

واگذاری ثروت عمومی نفت به محافل ناشناس

در آستانه "دهه فجر" سال ۹۰، خبرگزاری حکومتی مهر گزارش می دهد: "کمسیون ویژه نظارت و پیگیری اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی با تشریح موانع و چالشهای پیش روی اجرای خصوصی سازی و واگذاری سهام شرکتهای مختلف نفتی، از واگذاری سهام ۳۹

شرکت نفتی در آینده ای نزدیک خبر داده است".

همزمان مصطفی امید قایمی، مدیر عامل فراپورس اعلام می کند: "همزمان با دهه مبارک فجر برای نخستین بار شرکت ملی نفت ایران شرکتهای زیر مجموعه خود را از طریق بازار بورس عرضه خواهد کرد".

به زبان ساده، مجلس آخوندها به ریاست علی لاریجانی تصویب می کند که وزارت نفت خصوصی سازی یا واگذاری بخشهایی از خود را آغاز کند. ورود وزارت نفت به بورس نه تقویت بنیه این نهاد مالی بلکه، آغازی بر چوب حراج زدن به داراییهای وزارتخانه ای است که مایملک مردم می باشد. معلوم نیست چه کسانی و به چه دلایلی تصمیم گرفته اند، شریان حیاتی کشور و ثروت ملی آنان را به تعدادی از نورچشمیها واگذار کنند. در این رابطه خبرگزاری مهر در همان گزارش می نویسد: "تاکنون وزارت نفت و مجلس برای واگذاری سهام ۷۱ شرکت نفت، گاز، پالایش و پخش نفتی و پتروشیمی به توافق رسیده اند که تاکنون سهام ۱۶ شرکت به بخش خصوصی و غیر دولتی واگذار شده است".

اما مشخص نمی شود این "بخش خصوصی" یا "غیر دولتی" چه کس و یا کسانی هستند. در حالی که گزارش مزبور در ادامه تصریح می کند که "مطابق با اهداف قانون بودجه سال ۱۳۸۹ باید سهام ۳۳ شرکت پتروشیمی به بخش خصوصی واگذار شود که ۳۲ شرکت پتروشیمیایی تاکنون در گروه یک واگذاری قرار گرفته اند" و ادامه می دهد: "پیگیریها نشان می دهد که تاکنون سهام ۱۳ شرکت پتروشیمی شامل شرکتهای پتروشیمی ایلام، بندر امام، جم، خراسان، پردیس، ارومیه، زاگرس، شیراز، مارون، مروارید، توسعه صنایع پایین دستی، سرمایه گذاری پتروشیمی و گسترش صنایع پایین دستی پتروشیمی به بخش خصوصی واگذار شده است".

با این حساب، خصوصی سازی در صنایع نفت و گاز مربوط به امروز نیست و مدتهاست رژیم مشغول واگذاری زیر مجموعه های آن است. بخشهایی از صنایع پتروشیمی و گاز واگذار شده و دستهایی نامرئی آنان را تصاحب کرده اند. نتیجه نهایی گزارش مهر در گزارش بالا حاکی از آن است که: "در مجموع، بررسی روند واگذاری سهام ۱۰ وزارتخانه در راستای اجرای اصل ۴۴ نشان می دهد که از سال ۸۴ تا پایان تیرماه سال جاری، بالغ بر ۸۵۱ هزار و ۹۳۵ میلیارد ریال سهام واگذار شده و وزارت نفت با ۴۶.۹ درصد از واگذاریها، بالاترین رقم را به خود اختصاص داده است".

یعنی، در یک بازه زمانی ۷ ساله حدود نیمی از کل واگذاریها به صنعت نفت تعلق دارد. حال با مقایسه با حجم ثروت عظیم جابجا شده در مخابرات و

شرکتهایی نظیر لوله سازی و ذوب آهن و ... می شود فهمید که در وزارت نفت چه اتفاقی افتاده و چه حجمی از ثروت واگذار گردیده است. در یک پروسه مستمر، شرکتهای صوری که توسط وزارت اطلاعات و سپاه وارد میدان شده اند و همچنین شرکتهای دولتی و شبه دولتی، بدون سر و صدا کار خود را کرده و قدم به قدم بخشهایی از ثروت عمومی را کنده و به مایملک خود ضمیمه می کنند.

متحدان و همدستان داخلی و خارجی

نظامی - امنیتی شدن اقتصاد کشور به ویژه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی نشان می دهد که ارگانهای نظامی اطلاعاتی رژیم نه تنها دانه درشتهایی در سیاست جاسازی کرده اند، بلکه هدف از این جاسازیها پیش بردن برنامه بزرگتری است که تملک بدون سر و صدای بخش اعظم نفت و گاز کشور از آن جمله است. اما این همه ماجرا نیست، زیرا این نظامی - امنیتیها به یقین در بین اقشار دیگر به ویژه سرمایه داران مالی همدستهای دارند که شاخته شده نیستند، اما عملکرد آنان نشان می دهد که از حباب سازیها و شوکهای اقتصادی دولت به خوبی بهره برداری می کنند و بیشترین سود را به جیب می زنند. اکبر ترکان، معاون سابق وزیر نفت در گفتگویی با "سکو نیوز"، "پایگاه خبری نفت و انرژی سپهر" با تعریف و تمجید از مزایای اصل ۴۴، از عملکرد دولت احمدی تصویب می کند و می گوید، نسبت به این تصمیم دولت خوشبین بوده و تسهیلات دولتی ایجاد شده را باعث ترغیب و فعال سازی بخش خصوصی می داند. ترکان همچنین "به تلاشهای مهندس علی نقی خاموشی، رییس سابق اتاق بازرگانی در جهت تصویب اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره کرده و با ابراز تاسف از عدم همکاری دولتهای گذشته در جهت اجرای این لایحه، تاکید کرده این تسهیلات باید از مدتها قبل برای فعال سازی بخش خصوصی در نظر گرفته می شده است.

با این حساب، علی نقی خاموشی که یکی از ده ثروتمند و میلیاردرهای ایران است، از افراد اصلی پیگیر در تصویب و اجرای اصل ۴۴ بوده است. بعید به نظر می رسد این میلیاردر رژیم آخوندها در راه رضای خدا و یا تقویت بنیه ولی فقیه دست به چنین کاری زده باشد؛ اصلی که این روزها ثمره اش به جیب خاموشی و همتایان می رود.

همچنین، این دار و دسته در سطح بین المللی با توسل به پادوهای خود اقدام

بقیه در صفحه ۵

سفر آمانو به ایران، کارکرد واقعی دیدارهای چهره به چهره منصور امان

فراسوی خبر... ۳۱ اردیبهشت

سفر مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی به ایران را می توان نشانه دیگری از شدت گرفتن تلاشهای بین المللی برای حل مسأله امتیاز بخران هسته ای جمهوری اسلامی دانست. اعلام رسمی دیدار آقای آمانو همزمان با انتشار خبر توافق سران گروه موسوم به "جی ۸" در نشست کمپ دیوید پیرامون گامهای بعدی در برخورد به بخران مزبور صورت گرفته است.

بر اساس آنچه که "یک نماینده دولت آمریکا" به خبرگزاری رویتر گفته است، رهبران هفت کشور صنعتی و روسیه به گونه یکصدا بر ضرورت دست زدن رژیم ایران به اقدامات مشخص برای قانع کردن جامعه بین المللی نسبت به اهداف صلح جویانه فعالیتهای اتمی خود تاکید کرده اند.

نکته توجه پذیر در این باره، همراهی چین و روسیه، دو شریک بازرگانی جمهوری اسلامی با این تصمیم است که به طور روشن در پی به حرکت درآوردن رهبران رژیم ملاحا در چارچوب یک پلان تقریب مسألهت جویانه می باشد. توافق "جی ۸" می تواند برای حاکمان ایران یک تنگنای تاکتیکی ایجاد کند و آزمون برای سنجش آمادگی آن برای حل و فصل نزاع در این چارچوب انگاشته شود.

سفر آقای آمانو نخستین تریبونی نیست که برای نشان دادن اقدامات مشخص در اختیار رژیم ولایت فقیه قرار می گیرد. نشست ناکام وین در هفته گذشته، تازه ترین آن است. بنابراین، تنها کارکرد واقعی دیدارهای چهره به چهره از استانبول تا وین و از تهران تا بغداد، حفظ تحریمها به مثابه آخرین راه حل مسألهت امتیاز و فراهم آوردن زمان و زمینه برای تاثیرگذاری آن خواهد بود.

خصوصی سازی نفت و طرح هدفمندی یارانه، دو روی سکه نو - لیبرالی اقتصاد

بقیه از صفحه ۴

به خرید افراد مشخص در رسانه های غربی می کنند. آنها از قدرت تبلیغاتی این افراد اجاره ای به خوبی سود می برند و با به راه انداختن گفتمانهایی که عملکرد آنان را تزیین و یا توجیه می کند، راه خود را باز می کنند. هرچند نو - لیبرالهای غرب، همدستان ایرانی خود را به هزار و یک شیوه حمایت می کنند؛ از پیگیری گفتمان مماشات گرفته تا زد و بندهای پشت پرده برای عبور از پیچهای قانونی، کمک در نهادهای مالی بین المللی و جلوگیری از انزوای کامل رژیم، همگی عملکرد دستهای خونینی است که چپاولگران ثروت ملی مردم ایران را حمایت و تایید می کند. راه انداختن لابیهای رنگ و وارنگ با توسل به ثروت حاصله از فروش نفت، یکی از راهکارهای نو - لیبرالهای رژیم است. از لابیهای که وظیفه تقسیم پول بین مقامات حقوقی و شخصیتهای حقیقی را دارند تا لابیهای مامور در نهادهای فرهنگی، حقوق بشری یا تشکلهای ضد جنگ، همه اجزای این پازل چند وجهی هستند که یکدیگر را تکمیل می کنند. به همت همین بند و بست بازها است که رژیم تصمیم می گیرد تا پا را فراتر گذاشته و فروش نفت را به بخش خصوصی واگذار کند. این یعنی سهیم کردن دلالتهای شناخته شده در غارت ثروت ملی مردم ایران! هرچند در توجیه این عمل، "دور زدن تحریم" به زبان آورده می شود، اما پر واضح است که این موقعیت فرصتی به وجود آورده تا نو - لیبرالهای ایرانی اقدامات خود را با سرعت بیشتری پیگیری کرده و شریان حیاتی کشور را به دست آورند.

مصوبه مجلس و نهاد خلع الساعه برای نقد کردن آن

با دلگرمی به این بازار پشت جبهه و حساب باز کردن روی لابی خارج کشوری برای جوش دادن معاملات ست که مجلس آخوندی به سردستگی علی لاریجانی روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت با مصوبه خود، بخش خصوصی را وارد حوزه واردات و فروش نفت خام و فرآورده های نفتی کرد. نه تنها مجلس اجازه صدور روزانه ۲۰ درصد از نفت خام را به بخش خصوصی داد، بلکه همچنین

بدون محدودیت اجازه می دهد که بخش خصوصی اقدام به واردات فرآورده های نفتی به هر اندازه نموده و در کشور توزیع کند. در این رابطه حسین خسروجردی، رییس "اتحادیه صادرکنندگان فرآوردهای نفت، گاز و پتروشیمی" در گفتگو با خبرگزاری "ایرنا" خبر از برداشتن اولین گام بخش خصوصی در صادرات نفت خام به بازارهای جهانی می دهد، درحالی که تشکل "اتحادیه صادرکنندگان فرآوردهای نفت، گاز و پتروشیمی" یکشنبه سر برآورده و مشخص نیست اعضای آن چه کسانی بوده و از چه موقعی اقدام به ورود به این حوزه کرده اند. نهادی که هیچ اطلاعاتی از آن در دست نیست، اما نماینده ای دارد که از کم و کیف ماجرا به خوبی آگاه است و به خبرگزاری دولتی "ایرنا" می گوید: "به دنبال توافقهایی انجام شده با وزارت نفت در مورد صادرات نفت خام از طریق بخش خصوصی، هم اکنون بعضی شرکتهای حواله صادرات دریافت کرده اند و در جهت انعقاد قرارداد با مشتریان جدید نفت ایران هستند."

رییس نهاد مشکوک صادرکنندگان نفت در ادامه می گوید: "هم اکنون هیچ معنی از طرف مدیریت امور بین الملل شرکت ملی نفت ایران برای صدور حواله صادرات نفت خام به بخش خصوصی نیست و زمینه لازم برای شرکتهای علاقه مند به صادرات نفت وجود دارد." معلوم نیست آقای خسروجردی سخنگوی امور بین الملل شرکت ملی نفت است یا نماینده صادرکنندگان، اما او می گوید: "ب اساس این توافق، فروش نفت خام از طریق بخش خصوصی، به صورت مال، محدودهت دارد و حداکثر بیست درصد نفت خام صادراتی کشور، می تواند از طریق بخش خصوصی، به روش، مال، انجام شود اما صادرات نفت خام به روش، مال، بعد، با پرداخت نمای، نفت خام به صورت ارزی، محدودیتی ندارد."

با این حساب، صادرکنندگان که اتحادیه ای هم در اختیار دارند، می توانند ۱۰۰ درصد نفت کشور را در صورت پرداخت وجه آن به ارز، صادر کنند و در این مورد هیچگونه ممانعتی وجود ندارد. پس مصوبه مجلس که مجوز تنها ۲۰ درصد تولید روزانه را داده، صورتی از ماجراست که همگانی می شود و پرداخت ریالی یک بخش ماجراست، و گرنه آقای خسروجردی که از جانب بخش خصوصی اتحادیه دار حرف می زند، تمام تولیدات کشور را در جیب خود می داند.

همچنین، خسروجردی، می گوید: "با این حال، اصلاً، بخش خصوصی، مال، است که نفت را به یالاشگاه های خارج از کشور، منتقل کرده و سپس از پالایش، فرآورده نفت را عرضه کند."

به زبان ساده تر، بخش خصوصی ای که آقای خسروجردی سخنگوی آن است، خود را پادوی مافیایی که بر درآمد نفتی چنبره زده نمی داند، بلکه توقع دارد تا شبکه توزیع فرآوردهای نفتی داخل کشور را نیز به دست آورد، یعنی، نفت

خام را به نام صادرات بیرون برده، آن را پالایش کند، فرآوردهای به دست آمده که با همت دولت احمدی نژاد و مجلس لاریجانی به قیمت بازارهای جهانی ارتقا پیدا کرده را وارد و در سرتاسر کشور توزیع نماید. اینگونه، کلیه شبکه تولید و توزیع نفت کشور که ثروت ملی مردم است، به دست افرادی می افتد که پشتیبانی جهانی را نیز همراه دارند و در داخل کشور، شرکایشان قدرت نظامی و امنیتی را به کار می بندند تا دهان هر منتقد یا معترضی را ببندند.

نتیجه

اگر طرح "هدفمندی یارانه ها"، سیاست درهای باز اقتصادی و قطع سوبسید کالاهای اساسی را پیگیری می کند، در جایی دیگر یعنی، صنعت نفت کشور، همین مار هزار سر مشغول برنامه ریزی است تا مابقی طرح صندوق بین المللی پول و بانک جهانی یعنی، خصوصی سازی تولید و توزیع نفت را پیش ببرد.

از سوی دیگر، با بهم ریختن معادلات سیاسی در داخل و از دست رفتن موقعیت احمدی نژاد، این پادوی بی شرم و مجری طرح نو - لیبرالی قطع سوبسید کالاهای اساسی، علی لاریجانی به شدت فعال شده است. یقه گیری او از احمدی نژاد به این علت است که در صورت خارج شدن او از گردونه قدرت و به خارج رانده شدن از گردونه سیاستهای کلان کشور، جهان نو - لیبرال نماینده خود را در قدرت بنسازد. علی لاریجانی خود را به هر آب و آتشی می زند تا تخت و پوستان دار و دسته احمدی نژاد را که در آمریکا خیمه زده و پنهانی گفتگو می کنند، برچیند و خود را جانشین او نماید. گزارشهای "کیهان" و دیگر منابع خبری رژیم از رفت و آمدهای مشابیه و نزدیکی او به آمریکا و تلاش آنان برای توافق بر سر برنامه هایی که بر بسیاری روشن نیست، بسیار واضح و گویاست.

اینکه نو - لیبرالهایی که تصمیم به برهم زدن اقتصاد کشور و نو - لیبرالی کردن آن دارند تا چه اندازه موفق خواهند شد، یک حرف است و حرف دیگر این است که نمایندگان اتیکت دار این سرمایه داران کمر به نابودی اقتصاد کشور بسته و تلاش بسیاری می کنند تا آن را تبدیل به بازار بنجله های تولیدی آنان کرده و نفت، این ثروت ملی مردم ایران را بین باندهای تقسیم کنند که یکپا در نهادهای نظامی - امنیتی دارند و یک پا در بازارهای جهانی به دنبال حامیانی هستند که آنان را از وضعیت پیچیده کنونی نجات دهند.

آنچه که در این بین محاسبه نشده، مردمی هستند که در زیر فشار دلالتها و دزدان و غارتگران وابسته به سرمایه داری نو - لیبرال جهانی کمر خم کرده اند و توان تحمل شان می رود که تمام شده و راه چاره را در برهم زدن این نظم به غایت غیر انسانی جستجو کنند.

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۲۱) - "انتخابات" و "توسعه گرایی"، دو محور بحث در چپ جهانی

جنبش "نه" به نو - لیبرالیسم

- پاسخ زحمتکشان یونان به "ترویکا": وقتی ما حرف می زنیم، شما خفه شوید!

- رفراندوم علیه سارکوزی، مدافع سرسخت نو - لیبرالیسم

لیلا جدیدی

داری - که بدون تردید نابود خواهد شد - پیروزی را از آن خود کند."

جنبش "نه" به نو - لیبرالیسم
نابرابری طبقاتی حاصل از تاخت و تاز جهانی نو - لیبرالیسم در سرمایه داری و پیدایش تاجریسم، سیاستهای تعدیل ساختاری و ریاضت اقتصادی با دستور عملهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که در دهه های اخیر در کشورهای پیرامونی سرمایه داری آفریقا، آسیا، خاورمیانه و آمریکای لاتین تحمیل شده، همچنان در حال عمق یافتن است. اکنون برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم، این سیاستها به کشورهای اروپایی نیز رخنه کرده و در دستور کار دولتها قرار گرفته است. مردم کشورهای اروپایی با اعتراضات خود که به اشکال گوناگون بروز داده اند، مخالفت خود را با سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی ابراز می کنند.

در هفته های اخیر و در حالی که روز جهانی کارگر در سراسر جهان برگزار می شد، مردم در بسیاری از مناطق جهان و به ویژه در اروپا، پیامهای روشن و چالش گرانه ای داشتند. انتخابات در فرانسه و یونان به عنوان نمونه گویای چنین امریست.

در فرانسه، راست، چپ و میانه بر سر یک موضوع توافق داشتند: آنها برنامه های ریاضت اقتصادی را نمی خواهند. شکست "سارکوزی" در انتخابات فرانسه که حامی پر و پا قرص این سیاست بود و پیروزی "فرانسوا اولاند"، واکنش صریح مردم به چنین سیاستی بود. با توجه به اینکه وی یازدهمین رهبر در اروپاست که از سال ۲۰۰۹ و در جریان بحران اقتصادی کنار گذاشته شد.

افزون بر فرانسه، در ماه گذشته انتخابات در یونان و پیروزی بزرگ "حزب چپ رادیکال" نیز همین پیام روشن را داشت. همچنین در دیگر نقاط جهان نیز تحولات چشمگیری را شاهد بودیم.

در هلند، دولت بر سر اختلاف نظر در طرح کاهش بودجه به دو دسته شقه شد و در اسپانیا و ایتالیا عمیق تر شدن رکود اقتصادی، آتش خشم اپوزیسیون را در کمپین علیه آلمان که نسخه کاهش هزینه های دولتی را می دهد، شعله ور گرداند.

بقیه در صفحه ۷

و طرح آن بدین معنی نیست که در هر کشور، مساله یکسان است."

دومین بحثی که به نظر "امانوئل والراستاین" چپ جهانی را به خود مشغول کرده، موضوعی است که وی آن را "توسعه گرایی" می خواند و به طور خلاصه، متقدم شمردن رشد اقتصادی برای تغییرات مدنی تعریف می کند؛ بحثی که اکنون در بسیاری از کشورهای جهان جریان دارد. او در این باره می گوید: "این بحث در آمریکای لاتین، بولیوی، اکوادور و ونزوئلا... بین دولتهای چپ و بومیان شدت دارد. همچنین برای نمونه در آمریکای شمالی و اروپا، موضوع مزبور مورد بحث فعالان محیط زیست، سبزها و اتحادیه ها است که اولویت را در حفظ و یا گسترش اشتغال می بیند."

وی می گوید: "به باور "توسعه گرا" ها - چه از گروهها و سازمانهای چپ باشند و چه از اتحادیه ها - بدون رشد اقتصادی، ملی و یا بین کشوری، هیچ راهی برای اصلاح عدم توازن اقتصادی جهان امروز وجود ندارد. این گروه، مخالفان خود را متهم می سازد که در کمترین حالت، به صورت عینی و احتمالا ذهنی، منافع نیروهای راست را تامین می کند.

مخالفان گزینه "توسعه گرایی" می گویند که تمرکز بر تقدم رشد اقتصادی به دو جهت نادرست است: نخست آن که این سیاستی است که به راحتی بدترین ویژگیهای سیستم سرمایه داری را تداوم می بخشد. دوم آن که سیاستی است که سبب آسیبهای جبران ناپذیر زیست محیطی و اجتماعی می شود. بحثها در حوزه بسیار داغ تر از بحثهای پرشور پیرامون مشارکت در انتخابات است. این تحلیلگر سیستم جهانی تنها راه برای حل و فصل اختلافها بین مدافعان "توسعه" و مخالفان را سازش و توافقات موردی پیشنهاد می کند.

در خانمه، پروفیسور "والراستاین" بحث خود را این گونه جمع بندی کرده است: "این که آیا چپ جهانی می تواند بر این اختلافات و پراکندگی در مدت زمان ۵ یا ۱۰ سال آینده چیره شود، روشن نیست، اما اگر نتواند، من تصور نمی کنم چپ جهانی قادر باشد در نبرد پیش رو در بیست یا چهل سال آینده بر سر تعیین سیستم جایگزین نظم سرمایه

داند. این بخش را می توان چپ میانه دانست.

۳- نظریه ای که این باور را تبلیغ می کند که باید بین بد و بدتر یکی را انتخاب کرد. باید به کسی رای داد که به چپ نزدیک تر باشد.

وی می گوید: "بحث انتخابات بین چپ جهانی در شکلهای یاد شده همچنان در جریان است، با این حال شواهدی وجود ندارد که آنها به توافقی چه در تاکتیک و چه در استراتژی دست یابند. این دستکم برای من روشن است که اگر این سه گروه به توافقی در مورد انتخابات نرسند، شانس زیادی برای تسلط بر اوضاع کنونی در کوتاه یا بلند مدت ندارند."

نویسنده در جمع بندی این سه دیدگاه بر این باور است که شرکت در انتخابات برای دستیابی به اهداف کوتاه مدت تاکتیک مناسبی است. با این حال او توضیح می دهد که این تاکتیک در ایجاد تغییرات پایه ای، تحقق اهداف استراتژیک چپ و کسب قدرت ناتوان است و "بارها تجربه شده ولی موفقیتی از آن حاصل نگردیده". از این رو می توان گفت که وی تاکتیکهای کوتاه مدت را از شیوه های استراتژیک نبرد تفکیک می کند و این گونه راه چهارمی برای نزدیک شدن چپ جهانی به یکدیگر پیش رو می گذارد.

وی می گوید: "شرکت در انتخابات هدر دادن وقت نیست. واقعیت این است که بخش بزرگی از مردم یا همان ۹۹ درصد، در زندگی روزانه در رنج هستند و همین مشکلات روزانه است که برای آنها اهمیت دارد. آنها می خواهند زندگی کنند و می خواهند به خود و خانواده و دوستان خود کمک کنند تا بر سختیها و مشکلات روزانه غلبه کنند. اگر ما می بینیم که دولتها پتانسیل ایجاد تغییرات ریشه ای را ندارند، اما در کوتاه مدت می توانند با سیاستهای مشخصی، نگرانی روزانه مردم را رفع کنند، آن گاه چپ جهانی باید هر چه در توان دارد انجام دهد که رنج روزانه مردم تخفیف یابد. از این رو، دخالت و شرکت در انتخابات لازم می شود. انتخاب بین بد و بدتر، حمایت از کسانی است که برنامه های آنها به این سمت و به چپ گرایش دارد. البته اتخاذ این تاکتیک به شرایط مشخص هر کشور بستگی دارد

"انتخابات" و "توسعه گرایی"، دو محور بحث حاضر در چپ جهانی

انقلابها و خیزشهای سال گذشته همچون "بهار عربی"، جنبش بر آشفنگان" و "جنبش وال استریت" فرصتی بزرگ و تاریخی برای نیروهای چپ پدید آورده است. اگر چه مبارزه علیه پولاریزه شدن ثروت، فساد دولتی و حکومتهای غیر دموکراتیک و خودکامه کاملاً موفقیت آمیز نبوده، با این حال چپ و نیروهای پیشرو توانسته اند گفتمان جهانی را به سمت مساله نو - لیبرالیسم و موضوعاتی از قبیل نابرابری و بی عدالتی جهت دهند. اما اکنون که چپ جهانی چنین فرصت استثنایی را به دست آورده، باید تصمیم بگیرد که چگونه در این دوران سرنوشت ساز می تواند نبض رویدادها را در دست گیرد و چگونه باید برای پیشبرد اهدافی که سالها ست بندی آن مبارزه می کند، سازماندهی کند.

"امانوئل والراستاین"، استاد دانشگاه و یکی از تحلیل گران سرشناس سیستم جهانی و علوم اجتماعی در این باره دیدگاه قابل توجهی دارد. وی می گوید: "برای این که چپ جهانی بتواند جهان را تغییر دهد، به میزانی از اتحاد سیاسی نیازمند است. بدون شک اختلافهای عمیقی پیرامون اهداف کوتاه مدت و همچنین استراتژیک وجود دارد. البته بر این اختلافات هم به هیچوجه سربوش گذاشته نشده و همواره افاق بحثهای چپها در جهان گرم باقی مانده است. با این حال، چپ جهانی نتوانسته چاره ای برای جلوگیری از جدایی و پراکندگی ناشی از این بحثها پیدا کند." "والراستاین" مهمترین موضوعات مورد اختلاف چپها را در دو محور دسته بندی می کند: "انتخابات" و "توسعه گرایی". وی دیدگاههای موجود و مورد اختلاف پیرامون محور اول یعنی، انتخابات را در سه نظریه خلاصه کرده است:

۱- نظریه ای که حاملان آن به طور کلی نسبت به انتخابات بدبین هستند. این عده معتقدند که شرکت در انتخابات نه تنها موثر نیست، بلکه به سیستم موجود مشروعیت می بخشد.

۲- نظریه ای که در بخشی از چپ جهانی رواج دارد و معتقد است، شرکت در انتخابات بسیار مهم است و می توان از درون، سیستم را تغییر داد و اصلاح

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۲۱)

بقیه از صفحه ۶

در چک، دهها هزار نفر در پراگ علیه دولت این کشور راهپیمایی کرده و پایان اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی را خواستار شدند.

در انگلیس، "کنگره اتحادیه های کارگری" با بر گزارشی با عنوان "بله، زمان آن رسیده که به شما بگویم "نگفتم؟!"; به افشاکاری در باره ناکارایی سیاستهای ریاضتی دولت ائتلافی پرداخته است. این گزارش با واکنشهای گسترده و گوناگونی روبرو شده است.

در ایرلند، دو اتحادیه بزرگ کارگری از اعضای خود خواسته اند که علیه پیمان معاهده مالی اروپا رای دهند.

پاسخ زحمتکشان یونان به "ترویکا": وقتی ما حرف می زنیم، شما خفه شوید!

درون این طبقه است. در انتخابات گذشته، آرای این حزب فقط ۵ درصد بود، ولی در این انتخابات حزب حاکم به ردیف سوم و خود در ردیف دوم قرار گرفت.

"یونان مستقل" که یک حزب دست راستی اما مخالف سیاستهای ریاضت طلبانه است، با ۱۰ درصد چهارم، "حزب کمونیست" با ۹ درصد پنجم و "نتو نازی"ها ۷ درصد و تعداد دیگری از احزاب چپ و سبزه ها باقی رای ها را تصاحب کردند.

"ریچارد سیمور"، سوسیالیست انگلیسی در باره انتخابات یونان می گوید: "در نهایت بیشترین کرسیها را مدافعان سرمایه داری اشغال می کنند، اما به هیچوجه نباید اشتباه کرد: این یک تحول بزرگ برای یونان است و همچنین برای دستگاههای سیاسی اروپایی. این انتخابات نشان آنچنان تغییر و تحولی ریشه ای و غیر قابل پیشبینی در سیاست یونان است که تا حدی باورنکردنی می نماید."

پیروزی چشمگیر ائتلاف چپ رادیکال که ۵۲ درصد کرسیها را تصاحب کرد، در حالی شکل گرفت که "پازوک" و "دمکراسی نو" و همچنین اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین



المللی پول با باجگیری، تهدید و ایجاد هراس تلاش می کردند از این رخداد جلوگیری کنند.

مهمترین برجستگی و نقطه اشتراک انتخابات ۶ مه در یونان و انتخابات فرانسه و پیروزی "فرانسوا اولاند" را می توان نخست در واکنش منفی آنان به سیاستهای ریاضت اقتصادی دانست و در مرحله دوم، پیشرفت چشمگیر چپ و توان بهره گیری آنها از فرصت پیش آمده. یونان اکنون دارای بزرگترین نیروی چپ رادیکال دمکراتیک در اروپا است.

"وسیلیس فوسکاس" (Vassilis Fouskas)، استاد دانشگاه در رشته روابط بین المللی در "دانشگاه ریچموند" لندن و سر دبیر نشریه "بالکان" و خاور نزدیک" می گوید: "احتمال این که در آینده دو حزب "پازوک" و "دمکرات نو" تجزیه گردیده و از هم پاشیده شوند، وجود دارد. اما احتمال پیروزی برای راستها هم امری طبیعی است. پولاریزه شدن جامعه به دو نیروی چپ و راست، وضعیتی است که همواره در شرایط

سخت اجتماعی، اقتصادی و بحران سیاسی وجود داشته است. این همان موقعیتی است که برخی از کمونیستها "حاکمیت دوگانه" نامیده اند."

با این وجود وی معتقد است: "رای مردم یونان پتانسیل به چالش کشیدن و تغییر نقشه سیاسی و اجتماعی نه تنها یونان، بلکه اروپا را دارد."

"فوسکاس" می گوید: "پس از این انتخابات، "ترویکا" (Troika) یا سه اسب تازنده اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول اعلام کردند: "اگر برنامه های ریاضتی متوقف شود، هیچ پولی به یونان داده نخواهد نشد." پاسخ مردم یونان روشن است: "وقتی ما سخن می گوئیم، شما باید خفه شوید!"

اگرچه "ترویکا" با رای مردم "خفه" نخواهد شد، اما مجبور به بازنگری در سیاستهای خود خواهد شد.

رفراندوم علیه سارکوزی، مدافع

سرسخت نو - لیبرالیسم

انتخابات فرانسه که در جریان آن "نیکولا سارکوزی"، رئیس جمهور راست گرای وقت از رقیب سوسیالیست خود، "فرانسوا اولاند"، شکست خورد را می توان رفراندومی ضد این رئیس جمهور نو - لیبرال به شمار آورد. وی اولین رئیس الیزه در تاریخ جمهوری پنجم فرانسه است که در دور اول انتخابات به رقیب خود باخت و نتوانست ۳۱ درصد آرای که در دور اول انتخابات ۲۰۰۷ دست یافته بود را تجدید کند. رئیس جمهور برکنار شده، هر روز کمپین انتخاباتی خود را بیشتر به سمت راست متمایل کرده و حتی به فاشیستها هم روی آورد. وی برای کسب بیشتر آرا دست به نمایشهای مضحکی مانند جمع آوری مردم از گوشه و کنار و انتقال آنها با اتوبوس به مقابل "برج ایفل" و یا ایراد خطابه ها "وطن پرستانه" خطاب به اتحادیه ها مانند "بنر های سرخ خودتان را کنار بگذارید و به جای آن به فرانسه خدمت کنید" زد که بی نتیجه ماند.

مخالفت با سارکوزی تنها به دلیل شیوه زندگی اشرافی او نبود، بلکه بیشتر ریشه در سیاستهای ریاضت اقتصادی که وی و "مرکل" محور اصلی آن را تشکیل می دهند، داشت. همچنین حمایت از "فرانسوا اولاند" و پیروزی وی بیش از آن که به دلیل برنامه های آتی وی و تغییراتی رادیکال در آن باشد، از مخالفت با برنامه های "سارکوزی" سرچشمه گرفته است.

تحول مهم دیگری که در انتخابات فرانسه رخ داد، آرای غیر منتظره "مارین لوپن"، نامزد حزب راست افراطی بود که در دور اول ۶/۴ میلیون رای کسب کرد. این بالاترین تعداد آرا برای راست افراطی در تاریخ بود؛ حزبی که در واقع نتوانسته بود از اواخر دهه ۹۰، پیش از آن که فعالیتهای ضد فاشیستی آن را تحت فشار قرار دهد،

سازماندهی منسجمی داشته باشد. آرای بالای "لوپن" را می توان انعکاسی از ماهیت بحران سرمایه داری، سیاستهای نو - لیبرالیسم و روشهایی که دولتهای اروپایی پیشه کرده اند، دانست؛ همانطور که ظهور فاشیسم در آلمان با بحران ساختاری سرمایه داری زمینه سازی شد. از سوی دیگر، "سارکوزی" نیز برای تصاحب آرای راست افراطی، در به وجود آوردن جو مخالفت با مهاجران و در واقع مقصر شناساندن محروم ترین قشر جامعه که قربانیان سیاستهای نو - لیبرالی هستند، کوتاهی نکرد. وی با پیش کشیدن موضوعاتی از قبیل حجاب، گوشت حلال، کنترل مرزها و تکیه بر هویت فرانسوی، در نهایت حزب "لوپن" را تقویت کرد. اکنون این حزب دوباره فعال شده است، از این رو بدون ائتلاف وقت، فرانسه نیازمند سازماندهی برای فعالیتهای ضد فاشیستی است.

ماه آینده در انتخابات پارلمانی امکان پیروزی و به دست آوردن اکثریت در پارلمان توسط چپ نیز متصور است. در چنین حالتی، حزب سارکوزی (UPM) ضربه دیگری خواهد خورد. چنانچه "حزب سوسیالیست" بتواند اکثریت در پارلمان را به دست آورد، برای نخستین بار در ۴۳ سال تاریخ معاصر خواهد بود که اکثریت پارلمان و رئیس جمهور، نصیب سوسیالیستها می شود.

هنوز مشخص نیست که آقای "اولاند" تا چه حد می تواند در سیاست کنونی فرانسه در زمینه اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاست خارجی تغییراتی چشمگیر به وجود آورد و تا چه حد توانایی داشته باشد. اما احتمال دارد به برخی از قولهایی که در کمپین انتخاباتی داده است، از جمله دادن حق رای به مهاجران در انتخابات محلی، خروج فوری از افغانستان، حق ازدواج برای همجنس گرایان، مهد کودکهای بیشتر و مسایل مربوط به حقوق زنان، مالیات بیشتر بر ثروتمندان و کمکهای اجتماعی برای خانواده ها، ایجاد شغل در حوزه آموزش و پرورش و افزایش حداقل دستمزدها تا حدی اقداماتی صورت دهد.

با این حساب، "حزب سوسیالیست" بدون شک از سوی بازار مالی تحت فشار قرار خواهد گرفت. این امر نه تنها این حزب بلکه جبهه چپ را نیز در معرض آزمون بزرگ قرار خواهد داد. باید دید که آیا چپ می تواند نقش بزرگ و موثری در سازماندهی مقاومت در برابر سیاستهای ریاضت اقتصادی که "حزب سوسیالیست" نیز ناچار به پیاده کردن آن است، ایفا کند یا نه.

اکنون دوره ای مهم و پرتلاطم است. نیروهای انقلابی باید در سازماندهی، مبارزه و کار سریع و جدی عمل کنند.

مواد غذایی به عنوان یک کالا - قسمت پایانی

فرد مگدوف / مانتی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان

از آنجا که مواد خوراکی کالا است و نکته اصلی در سیستم کشاورزی و مواد غذایی، فروش و به دست آوردن سود هرچه بیشتر است، یک شبکه تبلیغاتی پیرامون مواد غذایی به ویژه سودآورترین بخش آن یعنی فرایند توزیع، شکل گرفته است. مواد غذایی با کالری بالا ولی ارزش غذایی پایین مانند غذاهای صبحانه ای سرشار از شکر برای تغذیه کودکان همواره تبلیغ و به بازار تزریق می شود. مواد غذایی از این نوع، معمولاً ارزان قیمت هستند و در فروشگاههایی که مواد غذایی با کیفیت مانند میوه و سبزیجات عرصه می شود، به فروش نمی رسد. همین مساله یکی از فاکتورهای رواج بیماری اضافه وزن در میان محرومان است.

نگرش تولید مواد غذایی به عنوان یک کالا، فشار بر جمعیت بالایی از مردم کشورهای فقیر که از نظر مواد غذایی در مضیقه هستند را افزایش داده و در مقابل، نقش صنعت سوختهای زیستی در ایجاد بحران بین تقاضای نامحدود انرژی و فشار به دلیل محدودیت منابع را، برجسته تر کرده است. تولید دانه های گیاهی لازم جهت به دست آوردن سوخت زیستی بود که دو شرکت بزرگ دانه و حبوبات غذایی و غیر غذایی، "دویان اندراس" و "آرچر دانیالس میدلند" در آمریکا را تشویق به نفوذ در احزاب جمهوریخواه و دمکرات ساخت. دو شرکت مزبور در مسیر جلب توجه احزاب سیاسی، به سرمایه گذاری هنگفتی مبادرت ورزیدند. قابل ذکر است که شرکت "آرچر دانیالی میدلند"، اصلی ترین پشتیبان صنعت تولید اتانول از بذر است.



مستقیم انسان، اشکال مصرفی و کاربردی دیگری هم دارند. آنها را به شکل های گوناگون از جمله نان، مواد غذایی یخ زده، ماکارونی، بستنی، چپس و... تبدیل و در معرض فروش گذاشته می شوند. بذر ذرت به طور معمول برای فراهم کردن نشاسته صنعتی و شکر که دارای ماده قندی بالایی است، کاربرد دارد. درصد تقریباً بالایی از غله و دانه های سبوس و سویای پرورش یافته در آمریکا، جهت تغذیه ماکیان و خوک و نیز گاوهایی که برای تهیه فرآورده های لبنی پرورش می یابند، استفاده می شود. البته از نقطه نظر زیست محیطی استفاده از علف و سبزیجات برای تغذیه گاوها مناسب تر است، زیرا علوفه باعث می شود که باکتریهای موجود در آن به انرژی مفید و پروتئین برای گاوها تبدیل شود.

تلاش برای کاهش وابستگی به نفت وارداتی از یکسو و دستیابی به منابع سوخت های مایع بدون ضرر برای محیط زیست از سوی دیگر سبب شده که محصولاتی مانند ذرت، سبوس، دانه روغنی رپس، نیشکر، دانه های روغنی نخل و جاتروپا (یک بذر غیر خوراکی برای تهیه سوخت زیستی)، مورد کشت قرار گرفته تا از آنها اتانول یا سوخت زیستی (۱) که غیر فسیلی است، تولید کنند. در آمریکا و اروپا، قوانین دولتی و سوبسیدها، تولیدکنندگان را به تولید محصولات غذایی و غیر غذایی جهت تولید سوخت های زیستی تشویق می کند. این موضوع یک بخش مهم از چرایی بازار فشرده و قیمت بالای غله و محصولات نفتی را توضیح می دهد. گزارش سازمان ملل پیرامون مواد غذایی و کشاورزی حاکی است که

تغذیه حیوانات مورد استفاده قرار می گیرد.

قیمت محصولات در بازار، شاخص تعیین نوع تولید برای کشاورزان است. به عنوان مثال هنگامی که قیمت اتانول در بازار افزایش می یابد، بخش عظیمی از زمینها به جای کشت ذرت و سبوس به کشت پنبه تخصیص می یابد. قیمت محصولات در بازار همچنین راهنمای بهره برداری نهایی محصولاتی است که نقش کاربردی گوناگونی دارند. به عنوان مثال، تولید سبوس جهت به دست آوردن روغن نباتی برای استفاده مردم، تغذیه حیوانات و یا تبدیل آن به سوخت غیر فسیلی صورت می گیرد. تولید مواد غذایی جهت ریشه کن کردن معضل گرسنگی جهانی، در محاسبات بالا جایی ندارد.

هنگامی که کشورهای در حال رشد تصمیم می گیرند تا معضل مواد غذایی را در کشورشان حل کنند، به طور مقدماتی کشاورزان را به تولید محصولات غذایی در حجم انبوه تشویق می کنند تا با کاهش قیمت مواد غذایی در بازار، قدرت خرید اقشار محروم جامعه را بالا برده و دستیابی آنان به مواد غذایی بیشتر تسهیل یابد. اما کاهش قیمت مواد غذایی در بازار می تواند شرایط معیشتی بسیاری از کشاورزان را نابسامان سازد، زیرا کشاورزان معمولاً جزو اقشار محروم جامعه هستند. بسیاری از کشاورزان زبمباوه ای به موازات تولید انبوه جهت کاهش قیمت آن در بازار، فقیرتر شدند. این موضوع، کشاورزان خرد که به طور کلی فرآوری کمتری دارند را با رنج مضاعف روبرو می سازد. آنها از یکسو به دلیل عدم امکانات قادر به تولید فراوان محصولات غذایی نیستند و از دیگر سو، در ازای فروش تولیدات خود

مبلغی جزئی دریافت خواهند کرد. رویکرد تشویق کشاورزان به افزایش میزان تولیدات جهت کاهش قیمت مواد غذایی، در سیستم کشاورزی سرمایه داری بیشتر به نفع کلان کشاورزان، به ویژه آنهایی می باشد که به امکانات پیشرفته مانند آبیاری بهینه و کود دسترسی دارند. بدین ترتیب، آنها قادرند میزان تولیدات خود را تا میزان بسیار زیادی افزایش دهند. تصرف زمینهای کشاورزی یکی دیگر از جنبه های تازه و مضر برخورد به مواد غذایی به عنوان کالا می باشد. ثروتمندان و صاحبان سرمایه های کلان با روند جهانی شدن سرمایه و خصوصی سازی هر چه بیشتر فعل و انفعالات اقتصادی، به خرید و یا اجاره زمینهای کشاورزی در آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی جهت تولید مواد غذایی و مواد اولیه سوخت زیستی برای سرمایه گذاری در کشورهای دیگر، مبادرت ورزیده اند. در این مسیر نه تنها محصولات کشاورزی، بلکه مواد اولیه کشاورزی مانند خاک نیز به عنوان کالا جهت احتکار و یا فروش به آنانی که بیشترین قیمت را پیشنهاد می کنند، تبدیل گشته است. سیستم سنتی کرایه و یا فروش زمین در بسیاری از کشورهای جنوبی جهان به دلیل فروش زمینها و یا اخذ قراردادهای طولانی مدت با صاحبان سرمایه و یا حاکمان و به طور کلی مقامهای بالای کشوری، در حال از بین رفتن است.

هدف اصلی در این روند یا به دست آوردن سرمایه هنگفت و یا تولید مواد اولیه محصولاتی است که می توان از آنها سوخت غیر فسیلی برای بازار کشورهای صنعتی تهیه کرد. این مساله سبب می شود که خرده کشاورزان ظرفیتهای اقتصادی و ارتباطات اجتماعی خود را از دست بدهند و اجتماعات دهقانان از هم پاشیده شود. بدین ترتیب، کشاورزان بیشتری مجبور می شوند تا در جستجوی کار به شهرها مهاجرت کنند. بیش از بیست میلیون اساس قراردادهای طولیل المدت به سرمایه گذاران خارجی و یا کشورهای دیگر واگذار گردیده است. در آفریقا، این حرکت چپاول زمین و یا استعمار نام گرفته است. کشورهایمانند عربستان سعودی، کره جنوبی، چین، هند، لیبی و مصر که قصد دارند منابع مواد غذایی خود را امن نگاه دارند، در صف اول تصرف زمینهای کشاورزی در سراسر جهان، به خصوص در آفریقای گرسنه قرار دارند.

بهترین و بالاترین سود در هر کالا را سیستم سرمایه داری در جایی به دست می آورد که بالاترین قیمت بدون در نظر گرفتن جنبه های اجتماعی، زیست محیطی و انسانی برایش پرداخت شود. این مساله تناقضی بدیهی به همراه می آورد که با یک مثال کوچک در رابطه با بذری در کوههای آند (در شیلی) قابل

مواد غذایی به عنوان یک کالا

قسمت پایانی

پروژه حذف احمدی نژاد،

با بزرگداشت فرودسی

آغاز شد

بقیه از صفحه ۸

جعفر پویه

فراسوی خبر ... چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت به نظر می رسد پروژه حذف احمدی نژاد، با کنار گذاشتن او از دسترسی به بعضی از تریبونهای رسمی و غیر رسمی حکومتی شروع شده است. لغو حضور احمدی نژاد در مراسم بزرگداشت فرودسی در توس، که روز گذشته (سه شنبه) رقم خورد، برای بسیاری از ناظران غیر منتظره بود.

خبرگزاری حکومتی فارس دیروز به نقل از مجتبا رجایی خراسانی، مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی نوشت که "برنامه امروز بزرگداشت فرودسی به طور کامل لغو شده است." او در این باره توضیح داد: "برنامه امروز، قرار بود با حضور محمود احمدی نژاد رئیس جمهور و سفرای کشورهای جهان اسلامی و جمعی از اعضای هیات دولت برگزار شود."

این ادعای رجایی خراسانی را گزارش خبرگزاری دولتی ایرنا رد می کند، زیرا می نویسد "مراسم بزرگداشت فرودسی در توس با حضور جمعی از سفرای کشورهای خارجی و رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برگزار شد."

در حالیکه خبرگزاری فارس و رییس سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی عدم حضور احمدی نژاد را لغو مراسم اعلام می کنند، خبرگزاری ایرنا "شرایط جوی و بارش باران" را دلیل عدم او در مراسم بزرگداشت گزارش می کند.

با این حساب دو منبع حکومتی دو دلیل غیر واقعی را علت لغو حضور احمدی نژاد در یک مراسم گزارش می دهند.

این درحالی است که تبلیغات وسیع مشابهی و دارو دسته امنیتی- نظامی پیرامون احمدی نژاد گرد مکتب ایرانی از یک طرف و سخنرانی و تعریف و تمجید احمدی نژاد از فرودسی و او را "منجی اسلام" معرفی کردن، موجب ناراحتی و نگرانی بسیاری از آخوندهای حکومتی شده است. هم زمان این روزها بحث آینده سیاسی احمدی نژاد به عنوان گماشته یاغی رهبر و ولی فقیه رژیم از سوی بسیاری از عوامل داخل رژیم نیز دنبال می شود.

به نظر می رسد با توجه به تمامی داده های بالا و همچنین ناتوانی عوامل داخلی حکومت از کنترل احمدی نژاد در مواقعی که پشت تریبون قرار می گیرد و بی پروایی او در حمله به رقبایش از این موضع، باعث شده است تا آنان را به این نتیجه برساند که او را اندک اندک از تریبون های عمومی حذف و تا حد ممکن تنش بین باندهای داخلی رژیم را کاهش دهند.

اینکه آیا احمدی نژاد به این شیوه حذف گردن خواهد گذاشت و این حرکت او را وادار به عقب نشینی در برابر رقبایش خواهد کرد یا نه؟ را باید در روزهای آینده شاهد بود.

توضیح است. بذر کیونوا، به دلیل توازن آمینو اسید دارای کیفیت غذایی بسیار بالایی است. کشاورزان از افزایش قیمت این بذر سود می برند ولی این افزایش قیمت همچنین سبب گران شدن آن برای مردم محلی به عنوان یک محصول غذایی بسیار قدیمی و مقوی نیز می شود. یکی دیگر از مشکلات کالایی شدن مواد غذایی، احتکار آن جهت کنترل آفت و خیز قیمت در بازار است. کالاهای خام مانند فلز و بذرهایی خوراکی نخستین هدف برای انانی است که بدون در نظر گرفتن ابزارهای مالی متضمن تعیین قیمت کالاها، قصد دارند قیمت کالاها را در بازار کنترل کنند. هیات مدیره بازرگانی شیکاگو متعلق به تجار شیکاگو که در سال ۱۸۴۸ تاسیس شد، یکی از بزرگترین انجمنهای تعیین کننده نرخ و ارزش مبادلات مواد غذایی است. انجمن مذکور و دیگر انجمنهای دادوستد مواد غذایی که به خرید و فروش مواد غذایی می پردازند و تمام پروسه از تولید تا بسته بندی و تکمیل آن را کنترل می کنند، همواره تلاش کرده اند تا بر سر مسیر این نوسانات قیمتی مانع ایجاد کنند. استفاده از این انجمنها توسط فروشندگان اولیه سبب می شد تا بتوانند از حریف خود در برابر بلهوسی رقبا حمایت کنند.

اما با گسترده شدن اقتصاد بازار، جهانی سازی سرمایه و اعمال سیاستهای نو-لیبرالیستی، مسیر احتکار همه تولیدات از جمله مواد غذایی و دیگر محصولات کشاورزی آسان تر گردیده است. با تصویب و اعلام قانون نو سازی بازار کالا، ساختار خصوصی سازی این بازار تکمیل شد و اجازه رشد احتکار انواع مواد غذایی صادر گردید. افزون بر این، سرمایه گذاری بر کالاها با پیشگامی "گلدمن ساکس" آغاز گردید و با دنبال کردن قیمت کالاها در بازار، شرط بندی بر کالاهای شخصی را رونق بخشید. میزان پول در این گونه سرمایه گذاریها از ۱۳ میلیارد در سال ۲۰۰۳ به ۳۱۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ افزایش یافت. بدین ترتیب است که محتکران امروز هفتاد درصد سود در بازار کالای مواد غذایی را به خود اختصاص داده اند. ده سال پیش، آنها به سختی قادر بودند سی درصد از بازار را کنترل

کنیم که شعار "مواد غذایی برای مردم و نه برای سود" تجلی یافته است.

پانویس

۱- سوخت زیستی (بیو فیول) یا سوخت غیر فسیلی، نوعی از سوخت است که از منابع انبوه زیست به دست می آید. این بدان معناست که ماهیت سوخت زیستی به گیاهانی برمی گردد که فقط چند ماه و یا چند سال از برداشت آنها می گذرد. اتانول، مایع، متانول، بیو دیزل و سوختهای دیزل گازی مانند هیدروژن و متان از انواع سوختهای زیستی هستند. آلودگیهای زیست محیطی ناشی از مصرف سوختهای فسیلی و همچنین محدود بودن ذخایر این نوع سوختها سبب شده است، انرژی حاصل از سوختهای زیستی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. سوخت دیزلی زیستی و اتانول زیستی از مهمترین سوختهای زیستی هستند که می توان از آنها در صنعت حمل و نقل استفاده کرد. سوخت دیزلی زیستی، جایگزین تجدید پذیری برای سوختهای دیزلی سنتی یا معدنی است که معمولاً از روغنهای گیاهی حاصل از محصولاتی مانند کلم روغنی و سویا به دست می آید. اتانول زیستی نیز نوعی سوخت جایگزین الکلی برای بنزین است که از محصولات نشاسته ای و قندی مانند گندم، ذرت، نیشکر و چغندر قند تولید می شود. این نوع سوخت در موتورهای معمولی با درصد کم و در موتورهای تغییر یافته با درصد بالاتر مورد استفاده قرار می گیرد. به طور کلی منابع اولیه سوختهای زیستی را ضایعات چوبی، تفاله های محصولات کشاورزی، نیشکر، غلات، روغن گیاهان و سبزیجات، پس ماندهای روغن (از قبیل چربی مرغ و روغن آشپزی استفاده شده در رستورانها)، روغن گیاهان تازه (از قبیل روغن دانه سویا) و محصولات غیرخوراکی (همچون روغن جلبکها) تشکیل می دهد. سوختهایی که از محصولات پس مانده مثل روغن آشپزخانه و یا اتانول گرفته شده، یا از علف و یا تراشه های چوب تولید می شود، بیشترین سازگاری را روی محیط زیست دارند.

کنند. با توجه به چنین میزان بالای سرمایه ای که در بازار مواد غذایی فعال است و تسلط اندیشه احتکار بر بازار، بی شک قیمت خواروبار همواره در حال افزایش خواهد بود. البته، این موضوع نمی تواند سبب شود که قیمت کالاها در بازار همواره روندی فزاینده داشته باشد، بلکه شرایط اقتصادی، موجودی مواد غذایی در جهان، شایعات و مدهای زودگذر آن را با نوساناتی همراه خواهد کرد. اما، احتکار عامل بسیار مهمی در شتاب بخشیدن به آفت و خیزهای قیمت مواد غذایی در بازار است. افراد بسیاری، برخی مواقع میلیونها نفر، همزمان با به اوج رسیدن قیمت مواد غذایی به گرداب گرسنگی کشیده شده و معیشت خرده کشاورزان و تولید کنندگان کوچک در زمان کاهش قیمتها، به تباهی کشانده می شود.

نتیجه ی در نظر گرفتن مواد غذایی که یک نیاز مبرم برای سلامت و ادامه حیات انسان است و در حال حاضر به اندازه کافی برای تغذیه همه انسانهای جهان تولید می شود به عنوان یک کالا، گرسنگی روزمره، سوو تغذیه، مرگ ناهنگام و قحطی می باشد. این معضله زمانی شدت می یابد که منابع غذایی مفید نادر شود و از دیگر سو، به قیمت بسیار بالایی در بازار به فروش برسد. نمونه های گوناگونی از انجمنهای کشاورزی و مردمی وجود دارند که به کشاورزان و تجار راه حلهای مختلفی جهت فروش مواد غذایی به جای بازار پیشنهاد می کنند. "انجمن دفاع از کشاورزی" یک نمونه از این انجمنهاست که به تجار اجازه می دهد، مواد غذایی و یا بخشی از تولید را در زمان جوانه زدن طی فصول مشخص، بر اساس جدول تنظیم شده مطابق با درآمد و میزان قدرت مالی خریداری کنند.

گرچه چنین ترتیبات و قراردادهایی بین کشاورزان و تجار از آنجایی که رویکرد مطلوبی نسبت به مواد غذایی را بازتاب می دهد دلگرم کننده است، اما تنها مسیری که دستیابی همه انسانها به میزان کافی مواد غذایی با کیفیت مطلوب را تضمین می کند، استقرار سیستمی است که مواد غذایی را به عنوان یکی از حقوق بارز انسانی و نه به عنوان یک کالا در نظر گیرد. تنها در چنین سیستمی می توانیم عنوان

خصوصی سازی متکی بر رانت و تحکیم استبداد (۳)

شهره صابری

«حمایت از تولید داخلی» با مصوبه واردات ۲۴ میلیارد دلاری کلید خورد

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۱۲ اردیبهشت

با گذشت یک ماه و ده روز از نام گذاری سال ۱۳۹۱ توسط خامنه ای که آن را سال «حمایت از تولید ملی» نامید، دولت وارداتی به رقم ۲۴ میلیارد دلار را به تصویب رسانید. روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، معاون اول گماشته ولی فقیه، در گفتگو با خبرگزاری حکومتی فارس از تصویب واردات ۲۰ قلم کالا به ارزش ۲۴ میلیارد دلار در سال جاری خبر داد.

لیست ۲۰ قلم کالای تصویب شده، نمایی از یک اقتصاد بیمار و بحرانی با مدیریت عده ای سرمایه دار دلال و چپاولگر است. گندم، گوشت قرمز، مرغ، برنج، روغن، شکر، کالاهای دامی و کشاورزی، دانه های روغنی، جو، ذرت، کود، سم و بذر و... از جمله کالاهایی است که بیش از گذشته وارد خواهد شد. بر اساس اطلاعات معاون احمدی نژاد، «کارخانجات روغنی نباتی ۹۰ درصد از مواد خام مورد نیاز، کارخانجات فولاد ۵۰ درصد شمش مورد نیاز، کارخانجات لاستیک نیز عمده مواد اولیه را از طریق واردات تامین می کنند.»

بر اساس داده های آماری کارشناسان اقتصادی رژیم، کمتر از ۳۰ درصد واحدهای تولید در ایران فعال هستند. تصویب این حجم واردات علاوه بر میزان انبوه وارداتی که به روال همیشگی چرخه اقتصاد را می گردانند، بی محتوا بودن شعار ولی فقیه و نامگذاری سال ۱۳۹۱ را نشان می دهد.

دولت احمدی نژاد با تصویب این میزان واردات ضربه بزرگی به باقیمانده تولیدات داخلی می زند. با توجه به این که واردکنندگان اصلی وابستگان، رانت خواران و پاپوران رژیم هستند، می توان حدس زد چه سودی هنگامی نصیب باندهای مافیایی شریک در قدرت خواهد شد. ظاهراً این تصمیم برای مقابله با گرانی گرفته شده است. در حالی که این یک فریب است. حل بحران تورم و گرانی با ورود کالا به نابودی تولیدات داخلی منجر خواهد شد.

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دستخوش تغییرات اساسی شد. از خصایل چند گانه اعراب شبه جزیره ای عربستان می توان روابط قبیله ای همراه با برده داری را بر شمرد که با ظهور اسلام و در پی آن پیدایش حکومت مقتدر و مرکز گرای اسلامی این روابط با هم درآمیخت. قانون بقای نسب حاکم بر جامعه ای اعراب، برده داری که به هیچ وجه خلاف قوانین اسلامی نیست، برتر انگاری عرب بر عجم سبب می شد که بی رحمانه ممالک دیگر مورد سود جویی قرار گیرند. از طرفی وجود خصوصیت قومی و قبیله ای در جامعه ای عربستان و لزوم شرکت سران قبایل در قدرت برای پیروزی محمد بر دیگر ممالک قدرت را در طبقه ای اشراف و قدرتمندان عرب پخش می کرد. این امر در نهایت موجب پدیدار شدن جنبشهای ضد استعماری فراوانی در ایران و دیگر ممالک مستعمره شد و نهایتاً موجب پاشیده شدن امپراتوری اسلامی شد. در دوران بعد از این فروپاشی نیز تسلط و استبداد شخص شاه و مالکیت شخصی شاه بر زمینهای زراعی و وسایل تولید مشهود است و اغلب راه تشویق و ترعیب رعایا و نظامیان حتی اشراف و زیر دستان شاه روش اقطاع و تیول و فسخ آن بوده است. این روش تا دوره ای اصلاحات ارضی بر ایران حاکم بود.

با ظهور سرمایه داری، ایران که در نظام امپریالیستی در رده ی کشور های پیرامونی و مورد استثمار و غارت محسوب می شد، بسیاری از شکلهای رشد یافته ی سیستمهای فکری و صنعتی را دریافت می کند و اندوخته های قبلی خود را در دوره ی گسترش امپریالیسم مورد بازبینی قرار می دهد. اما جایگاه ایران در نظام امپریالیستی و ویژگی رشد چندگانه ی ایران به دلیل واردات محصولات فکری و صنعتی مانع از رشد سرمایه داری داخلی می شود. روحیه ی شکل گرفته در دوران استبداد آسیای تا به امروز هم بر جامعه ایران حاکم است. اما خصوصی سازی در ایران که به منظور بهره کشی بیشتر و رشد طبقه ای حاکم بر ایران اجرا شده، همانطور که قابل مشاهده است تضاد طبقاتی با حکام ایران را تشدید کرده و حاکمیت را هرچه بیشتر به فنا نزدیک و جامعه ی ایران را به مسیری که ماتریالیسم تاریخی توصیف کرده نزدیکتر خواهد ساخت.

توانست خود را با شرایط به وجود آمده در دوره ی دوم فتودالیته هماهنگ کند و استثمار و تمرکزی که از دوره ی اول بیشتر شده بود، سبب انقلابهای اجتماعی شد.

تاریخ ایران سراسر صحنه ی خصلت های چندگانه است

با ظهور سلسله ی هخامنشیان در حدود ۵ قرن قبل از میلاد، حکومت مرکز گرا با تشکیلات بوروکراتیک قوی شکل گرفت و اصول پدر شاهی را کم و بیش از میان برداشت. در این دوران تمام زمینها و ابزار تولید در دست شاه و سیستم زراعتی تیول داری بود. این سیستم گرچه با برقراری حکومت اسکندر کمی رو به سستی نهاد، اما کم و بیش تا دوران اشکانیان پا برجا بود. در دوره ی اشکانیان طوایف هفت گانه ی بیابان گرد سلوکی بر ایران مسلط شده و قدرت مطلقه ی شاه بین سران این طوایف که فتودالیتهای بزرگ را تشکیل می دادند تقسیم شد و حاکمیت تبدیل به یک طبقه گردید. در این دوران سران طوایف دارای قدرت بوده و حتی با شاه نیز کشمکشهایی داشتند. شهربانان برای خود دارای نیروی نظامی بوده و در صورت ضرورت رعیت و نظامیان را با شاه متحد می کردند. سلسله ساسانیان توسط بابک فرزند مغی قدرتمند در معبد ناهید استخر به نام ساسان بر مخروبه های حکومت ملوک الطوایفی اشکانیان تشکیل شد. ساسانیان خود را وارث سلسله ی هخامنشیان می دانستند و سعی در ایجاد یک حکومت مرکز گرا داشتند. اما قدرت فتودالها و سران قبایل که از دوران حاکمیت اشکانیان به یادگار مانده بود به سلسله ی ساسانیان خصلتی دوگانه داد. از طرفی شاه در پی قدرت مطلقه بود و از طرفی هم قدرت و مداخله طبقات نزدیک به شاه تضاد و کشمکش را بین شاه و طبقه ی نجبا و اشراف سبب می شد. به علت جلوگیری از نزدیک شدن طبقات به یکدیگر و خصوصاً جلوگیری از نزدیک شدن نجبا به شاه، برای تنظیم فاصله ی طبقاتی همواره قوانین و مقرراتی جهت تحکیم فواصل طبقاتی وجود داشت و به آن عمل می شد.

در این دوران به علت تضاد طبقاتی، جنبشهای اجتماعی ظهور کرد. به عنوان مثال جنبش مزدک و مانی زائیده تضاد طبقاتی این دوران است. بعد از پیروزی اعراب بر ایران که یکی از علل آن را می توان تضاد طبقاتی در جامعه ایران ذکر کرد، سیستم

گرچه فلات ایران از حیث آب و هوا خصوصیات گوناگون و متنوع دارد، اما بیشتر مناطق ایران خشک و مشکل کم آبی و حتی بی آبی دارد. به این سبب در این مناطق همواره برای پیشبرد امر زراعت، زارعان برای مدیریت نهرها، قناتها، ساختن پلها و سدها و سایر امور کشاورزی و آبیاری نیاز به نظارت و پشتیبانی حکومت داشته اند. در دوران فتودالیته در ایران بر خلاف اروپا خانه های روستایی به علت کمبود آب به یکدیگر نزدیک تر ساخته شده و سکونت به علت کمبود آب در اطراف منابع آب متمرکز شده است. چنین مراکز سکونت به عنوان واحد کسب مالیات از جانب حکومت ارزیابی می شده است. در حالی که در اروپا (اروپای غربی) در دوره ی اول و دوم فتودالیته به علل مختلف از جمله حملات متعدد اقوام دیگر به اروپا (اسکاندیناویاییها، مجارها، ژرمنها، اقوام آفریقای و اعراب) و تخریب زمینهای کشاورزی جمعیت تقلیل یافته و در اطراف هر خانه ای با فواصل زیاد اراضی بایر، باغچه، مزرعه و حتی چراگاهها گسترده بود. (جامعه ی فتو دالی، مارک بلوخ، ترجمه بهزاد باشی ص ۱۱۴) پراکندگی محل سکونت روستاییان در اروپا نشان دهنده وجود منابع کافی برای کشاورزی است. حملات اقوام دیگر به اروپا باعث تخریب راهها و موانع برقراری ارتباط بین گروههای انسانی شده و ارتباط حکومت و ساکنان روستاها از همین قاعده تبعیت می کرد. به علت موانع راه و نامساعد بودن راههای ارتباطی کسی که در راس حکومت بود شخصاً نمی توانست بر امور نظارت کند و این امر از تمرکز قدرت می کاست. بحران پول رایج عمومی به دلیل کمبود آن یکی از عواملی بود که سبب تخفیف سلطه قدرت مرکزی می شد. کمبود ضرابخانه ها سبب به وجود آمدن ضرابخانه های محلی شده بود که سکه هایی نا هماهنگ با سکه های رسمی از نظر وزن و آلیاژ تولید می کردند. این امر به هرج و مرج پولی دامن می زد و در نتیجه قدرت سیاسی تقسیم و از تمرکز آن کاسته می شد. همچنین کمبود پول سبب کاهش توانایی ثروتمندان و اشراف برای گماردن افراد به کار و پرداخت مزد و در نتیجه کاهش انباشت می شد.

شرایط توصیف شده شرایط اجتماعی و آگاهی افراد را شکل داد و روحیات جامعه ی اروپایی را تکوین کرد. آگاهی شکل گرفته در این دوره

چالشهای معلمان در اردیبهشت ۱۳۹۱

فرنگیس بایقره

موازین و حقوق قانونی خویش در دهم بهمن ۸۸، درست یکماه و چند روز بعد

از وقایع ۶ دی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی، محاکمه و به اعدام محکوم شد. رای صادره از سوی شعبه ۱۵ بلافاصله در روندی غیر قانونی به جای دیوان عالی کشور به شعبه ۳۶ تجدید نظر استان نزد قاضی زرگر ارسال شد و حکم در مورد او عینا تایید می‌شود. عبدالرضا قنبری در دی ماه ۱۳۸۸ در دفتر دبیرستان مدرس در حصار امین پاکدشت توسط گروهی از ماموران وزارت اطلاعات بازداشت و به بند ۲۰۹ در زندان اوین منتقل شد. به دنبال شکنجه و اقرار گیری از وی، توسط شعبه ۱۵ بیدادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی صلواتی محاکمه و به اتهاماتی از جمله "ارتباط با گروههای معاند و رسانه های خارج از کشور و شرکت در اعتراضات ششم دی ماه ۱۳۸۸ (عاشورا)" به اعدام محکوم شد. بنا به گزارشها، همسر و فرزندان آقای قنبری که تحت فشارهای شدید روانی قرار دارند، خواهان حمایت بین المللی برای آزادی وی هستند. در حال حاضر کارزار جهانی آموزش، عفو بین الملل و بسیاری از اتحادیه های معلمان و فدراسیونهای کارگری جهانی برای لغو حکم اعدام آقای قنبری و آزادی این معلم در بند در جریان است. این کارزار تا کنون از سوی دهها هزار نفر و صدها سازمان کارگری و حقوق بشری مورد حمایت قرار گرفته است.

آزادی معلمان زندانی جرایم

غیرعمد

در حالی که تعدادی از معلمان بدون هیچ جرمی پس از انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری بازداشت و زندانی شدند، وزیر آموزش و پرورش با اشاره به تلاش وزارت متبوع خود مبنی بر آزادی معلمان زندانی دارای جرایم غیرعمد مدعی شد: "سال گذشته مشکل ۳۴ نفر از این افراد با پیگیری آموزش و پرورش حل شد."

حمیدرضا حاجی‌بابایی افزود: "این اقدام با همکاری ستاد دیه و همچنین کمکهای وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شود و امسال نیز در دستور کار قرار دارد."

در حال حاضر عبدالله مومنی، محمد داوری و علی پورسلیمان سه معلم زندانی در بند ۳۵۰ زندان اوین هستند. آنها سه سال است که صدای زنگ اول مهر را از پشت دیوارهای بلند اوین می شنوند.

در اواسط مهرماه ۱۳۸۸ نیز بیش از ده نفر از اعضای هیات مدیره کانون معلمان از جمله علی اکبر باغانی، دبیرکل و محمود بهشتی ننگرودی، سخنگوی این تشکل صنفی بازداشت شدند.

رسول بدایقی از دبیران اسلام شهر و عضو هیات مدیره کانون نیز یازدهم شهریور ۱۳۸۸ هنگام بازگشت به خانه توسط لباس شخصیها بازداشت شده بود.

حکم اعدام عبدالرضا قنبری

بنا به گزارش خبرگزاریها و نیز سازمانهای کارگری بین المللی و فدراسیون جهانی آموزش، حکم اعدام عبدالرضا قنبری، معلم زندانی آموزگار مدارس پاکدشت در جنوب شرقی تهران و مدرس دانشگاه، در دادگاه تجدید نظر مورد تایید قرار گرفته و درخواست عفو او از سوی کمیسیون عفو و بخشودگی دادگستری کل استان تهران رد شده است. بنا به گزارشهای مزبور، هم اکنون حکم اعدام این معلم مازندران به اجرای احکام دادگاه انقلاب ارسال شده است.

به گزارش هرا، قنبری دانش آموخته دوره دکتری ادبیات و زبان فارسی و دبیر آموزش و پرورش در شهرستان ورامین است. وی به اتهام شرکت در تظاهرات روز عاشورا و فیلم برداری از آن تجمعات و ارسال آن به گروههای سیاسی مخالف نظام بازداشت و در یک پروسه ناعادلانه به اعدام محکوم شد.

نامبرده بدون حق دسترسی به وکیل و اطلاع و یا امکان اطلاع از حداقلهایی از

روم لا بد جواب آزمایش او آمده و می فهمم که چه شده است."

سکینه حبیبی درباره وضعیت جسمی و روحی این زندانی عقیدتی گفت: "وقتی کسی چنین حکم اعدام داشته باشد، مسلما حال روحیش خوب نیست. بیشتر برای ما نگران است، می ترسد که بدون او برای ما اتفاقی بیفتد، آخر ما در تهران تنها هستیم و تمام فامیل در شهرستان هستند."

همسر این زندانی در باره درخواستش از سازمانهای بین المللی حقوق بشر گفت: "این سازمانها باید فعال تر باشند و از ما حمایت کنند. عبدالرضا قنبری فرهنگی است. حکم اعدام برای جنایتکار است نه برای معلمی که فقط درس داده و مولف چند کتاب برای دانشجویان بوده است. این حکم اصلا عادلانه نیست، آخر به چه جرمی به او حکم اعدام داده اند؟"

همسر عبدالرضا قنبری با ناراحتی از قطع تلفن زندان و وضعیت ملاقاتها گفت: "درباره ملاقات حضوری که ما امیدی نداریم. وقتی به کسی چنین حکمی بدهند، مگر می شود امید به مرخصیش داشت. اما ملاقاتی حضوری را هم چند ماه یکبار می دهند. الان مدتهاست که ملاقاتها فقط کابینی است که با ساعت مدرسه بچه ها هم یکسان نیست. روحیه بچه ها داغان است. کاش حداقل اجازه تلفن از زندان داشت، آنوقت بچه ها و مادرش می توانستند با او حرف بزنند. مادرش ۸۰ و اندی سال دارد و در ده ماه زندانی شدن پسرش فقط یکبار توانسته به ملاقات بیاید چون توان راه رفتن ندارد. پیرزن فقط گریه می کند. اگر می شد زنگ بزند، هم مادرش راحت می شد هم خودش. با تلفن حداقل حال یکدیگر را می پرسیدند."

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران

به مناسبت هفته ی معلم، اردیبهشت ۱۳۹۱، کانون صنفی معلمان ایران بیانیه ای را منتشر کرده است. در بخشهایی از این بیانیه آمده: "بی شک برگزاری روز و هفته ی معلم فرصتی است برای ارج گذاری خدمات و زحمات قشری که صاحب نظران آن را مهمترین عامل در میان عوامل تعلیم و تربیت می دانند. بازاندیشی درباره آن چه در این حوزه رخ داده و آن چه نیاز بوده است تا رخ دهد. چنان چه بخواهیم اندکی عمیق تر به این روز و هدف آن بپردازیم، لازم است لایه ی شعارها و مراسم رسمی - که بی تاثیری آنها در موقعیت اجتماعی معلمان سالهاست آشکار شده- را کنار زده، شرایط واقعی آموزش و پرورش، جایگاه معلمان در آن و منزلت اجتماعی آنان را موشکافانه مورد بررسی قرار دهیم و توجه مسوولان کشور را به این نکته ی بسیار مهم جلب نماییم که تجلیل از مفهوم انتزاعی معلم و غفلت از مصادیق این مفهوم، کاری بیهوده است. لازم است این پرسش نیز مطرح

شود که برای بزرگداشت راستین مهمترین عنصر تعلیم و تربیت کدام شیوه ها را به کار گرفته ایم؟" "آینده هر کشور را می توان از سیمای کنونی آموزش و پرورش آن دریافت. اگر چنین باشد متأسفیم که شواهد موجود چهره ای سخت پریشان از آموزش و پرورش را به تصویر می کشد: آشفتگی در به اجرا درآوردن برنامه هادی که بیشتر حکایت از روزمرگی و نزدیک بینی دارد تا دور اندیشی و آینده نگری

دگرگونیهای کارشناسی نشده و شتابزده با هدفهایی مغایر با اهداف پیش بینی شده در سند ملی اولیه آموزش و پرورش

جدا افتادگی آموزش و پرورش از تحولات فرهنگی و اجتماعی راستین جامعه ایرانی و جهانی و پی گیری اندیشه هایی بیگانه با این تحولات مانند آن چه در کتابهای درسی یا برخی برنامه های جنبی اعمال می شود

بازی با عدد سالهای دوره های آموزشی (۴،۵،۳ یا ۳،۳،۳ و ۳،۳،۳) و جابجایی آنها بدون توجه به اولیتهای سند ملی، بدون بستر سازی مناسب و بدون توجه به سرنوشت کودکان و نوجوانانی که بناست در این مقاطع، آموزش ببینند، تحت عنوان پرطمطراق تغییر ساختار نظام آموزشی و اجرای سند ملی آموزش و پرورش!

اتخاذ تصمیماتی عجولانه و بدون مبنای روشن و قانونی مانند صدور احکامی که برای افزایش حقوق معلمان تحت عنوان بدی آب و هوا، توسعه نایافتگی و... به ویژه در شهرستانها و در آستانه انتخابات مجلس صورت پذیرفت (که اکنون و پس از انتخابات، مزمنه های تعدیل آنها شنیده می شود) در حالی که پرداختهای معمول مانند حق التدریس دو ماه آخر سال ۹۰ تا کنون پرداخت نگردیده (که در نوع خود بی سابقه است) و پاداش پایان خدمت بازنشستگان که با تأخیر سالانه و در اقساط متعدد پرداخت می گردد. این تأخیرها در حالی است که رشد سریع نرخ تورم در شش ماهه ی دوم سال گذشته ارزش پول ملی را به میزان بسیار زیادی کاهش داده است.

نکته ی دیگر، افزایش تمرکز در مدیریت آموزش و پرورش و نادیده گرفتن نظرات آموزگاران و مدیران مدارس و حتی مدیران رده های میانی است که هرگونه آزادی عمل و ابتکار را از این بخش مهم سلب نموده است؛ ضمن این که برخلاف قانون شوراهای آموزش و پرورش مناطق، مصوب سال ۱۳۷۴ می باشد.

در این بیانیه همچنین آمده است: "نکته ی دیگری که می تواند نشان از ارج گذاری واقعی و احترام به اندیشه و آرای معلمان باشد، کاهش تمرکز در نظام آموزش و پرورش و افزایش

بازجویان و شکنجه

گران بر دستگاه

قضایی فرمان می رانند

منصور امان

فراسوی خبر... ۲۵ اردیبهشت تلاش ماموران امنیتی برای باجگیری از یک وکیل دادگستری با استفاده از اهرمهای قضایی، شاهد تازه ای از تبدیل قوه قضاییه جمهوری اسلامی به زیر مجموعه سپاه پاسداران و ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی ارائه کرده است.

شهامت مدنی آقای محمد علی دادخواه، وکیل برجسته دادگستری در افشای فشارهایی که تحت آن قرار گرفته، نه فقط نور بیشتری بر کارکرد پروسه دادرسی، دادگاه ها و قضات به مثابه پیچ و مهره های یک دستگاه در هم تنیده می افکند، بلکه فریادی است که پژواک آن بر پوک و بی محتوای بودن ظرفی که آیت الله صادق لاریجانی به ریاست آن گمارده شده، شهادت می دهد. آقای دادخواه که پیشتر یک دادگاه نمایی او را به ۹ سال زندان، ده سال محرومیت از کار و شلاق و جریمه نقدی محکوم ساخته، فاش کرده که وزارت اطلاعات وی را برای انتخاب بین اعترافات دروغ علیه خود و دیگران یا اجرای حکم مزبور زیر فشار قرار داده است.

این وکیل شناخته شده ی زندانیان سیاسی و دگراندیشان اسیر، پیرامون آنچه که دستگاه امنیتی قصد پراکندن آن از زبان وی را دارد به اتهام محبوب وزارت اطلاعات یعنی، "جاسوسی برای بیگانگان در مقابل گرفتن پول" اشاره کرده است؛ یک ترفند رایج و رسوا شده ی ماموران آقای خامنه ای که برای زیر سووال بردن شرافت اخلاقی و حرفه ای قربانیان در جامعه و همچنین، فراهم کردن زمینه اخذیهای بیشتر از آنها به کار گرفته می شود.

رسوایی تازه دستگاه سرکوب حکومت نشان می دهد که بازجویان و شکنجه گران مستقر در زندانها و سیاهچالهای آن نه فقط در نقش محاکم رسمی، نوع و مدت مجازات متهمین را تعیین می کنند، بلکه در باره چگونگی اجرای احکام نیز بر اساس سلیقه و تمایل خود تصمیم می گیرند.

رژیم ولایت فقیه با حذف حلقه های واسطه و تشریفاتی قضایی که تنها کارکرد آنها در گذشته نیز به پوشش سازی برای تاخت و تاز آسوده نهادهای امنیتی محدود می شد، به ماهیت و ساختار تروریستی خود که در قلمرو بی قانونی - هر قانونی - نشو و نما می کند، صراحت بیشتری داده است.

باز هم چشم انداز بن

بست هسته ای

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۱۸ اردیبهشت خامنه ای با تاکید بر "اهمیت آرای بالای مردم" در انتخابات فرمایشی مجلس ارتجاع، تصور می کرد نمایش اعتماد به نظام تحت رهبری وی می تواند فشارهای غرب بر سر مساله اتمی را کاهش دهد. روشن است که جدال مفتضحانه درونی برای کسب صندلی در مجلس و انزجار مردم از این نمایش فکاهی نمی توانست حیثیتی برای رژیم کسب و آن را از زیر تیغ فشار تحریمها بیرون بکشد. بدون توجه به این بازیها، طرفهای رژیم با پیامهای خود به جمهوری اسلامی برای دست برداشتن از خیالپردازی در باره "وقت کشی" اخطار داده اند.

تنها چند روز پیش از فرارسیدن زمان مذاکرات آژانس بین المللی انرژی هسته ای در روزهای ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت (۱۴ و ۱۵ مه) در وین، پنج عضو دائم شورای امنیت با صدور بیانیه ای در وین بر "ضرورت" همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین المللی انرژی اتمی تاکید کردند. یوکا امانو، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز تاکید کرد که به همه مسایل حل نشده پرداخته می شود اما "اولویت در مذاکرات آینده آژانس با ایران، دسترسی بازرسان به سایت نظامی پارچین است". پیشتر، نماینده جمهوری اسلامی در آژانس گفته بود، موضوع پارچین خامنه یافته و "بخشی از تاریخ" شده است. همچنین، گیدو وستروله، وزیر امور خارجه آلمان تصریح کرده، "ما ساده نیستیم، صبرمان هم بی حد و مرز نیست" و می افزاید که هیچگونه "بازی با زمان" تحمل نخواهد شد.

از سوی دیگر، احتمال داده می شود، آمریکا و متحدانش در مذاکرات بغداد که در ماه خرداد انجام می شود، خواهان پایان غنی سازی اورانیوم و تعطیلی تاسیسات "فردو" شوند. علی اصغر سلطانی، نماینده جمهوری اسلامی در آژانس در این باره بر خط قرمز بودن تعلیق غنی سازی اورانیوم در مذاکرات هسته ای تاکید کرده و هیچ دلیلی برای تعطیل کردن تاسیسات فردو را موجه نمی داند.

بنابراین، وقتی علی اکبر صالحی می گوید، "از جانب ما همه کاری انجام خواهد شد تا روابط مانند گذشته در مسیر خود قرار گیرد و در جهت منافع همه طرفها باشد" و یا "ما آمادگی داریم تمامی مشکلات را به صورت جدی و بدون هیچ پیش شرطی مورد بحث و گفتگو قرار دهیم"، می شود دریافت که رژیم به همان "ادامه بحث و گفتگو" دل خوش کرده است و از این رو چشم انداز بی نتیجه این "گفتگو" از هم اکنون پیداست؛ بن بست که حرکت در آن می تواند بهای سنگینی داشته باشد.

چالشهای معلمان در

اردیبهشت ۱۳۹۱

بقیه از صفحه ۱۱

مشارکت معلمان در امور جاری آن است. مشارکت در تدوین برنامه های آموزشی، کتابهای درسی، انتخاب مدیران و مسوولان رده بالاتر و تقویت برنامه مدرسه محوری، نمونه هایی از این دست می باشند. در حال حاضر نه تنها این حق طبیعی و مسلم معلمان برای مشارکت نادیده گرفته می شود، بلکه مدیران و مسوولان با نگاهی یکسویه و از بالا به پایین، کارکنان اداری و آموزشی را تنها مکلف به اجرای بی چون و چرای فرمانها در قالب بخشنامه می دانند. همین نوع نگاه است که شکل گیری نهادهای صنفی مستقل برای آگاهی بخشی و دفاع از حقوق معلمان را عملی مجرمانه تلقی نموده و فعالیت صنفی را با نگاهی سیاسی، عملی ضد امنیت ملی جلوه می دهد و با فعالان برخوردهای شدید می نماید، بی توجه به سالها تلاش آنها برای آموزش فرزندان این سرزمین، سرنوشت خانواده شان و بدون درک این واقعیت که چنین روشهایی انگیزه معلمان برای مشارکت واقعی در تحقق اهداف آموزش و پرورش را نابود می سازد.

در پایان بیانیه یادی از معلمان زندانی شده و اشاره گردیده است: "رسول بدافی، محمد داوری، عبدالله مومنی، علی پورسلیمان و... که بعضی چند سال و برخی چندین ماه است که در زندان به سر می برند. بدافی و داوری اکنون بیش از دو سال و نیم است که بدون حتی یک روز مرخصی در زندان به سر می برند. نوروز اسمال امیدها بر این بود که همگی این عزیزان، دستکم روزهای عید را در کنار خانواده بگذرانند، افسوس که این چنین نشد. جای خالی آنان در کنار خانواده و آشنایان، اندوه بزرگی است بر قلب همه ی دوستداران شان."

افزایش حقوق معلمان جنبه تبلیغاتی داشت

از سه ماه پیش افزایش حقوق معلمان آغاز شد، افزایشی که به اعتقاد عضو کانون صنفی معلمان با در نظر گرفتن اظهارات نماینده مردم مریوان مبنی بر این که وزارت آموزش و پرورش می خواهد پولی را که به حساب معلمان ریخته است پس بگیرد به نظرمی رسد یک اقدام تبلیغاتی بود.

به گزارش روز شنبه ۳۰ اردیبهشت اینلنا، مهدی بهلولی در مورد افزایش حقوق معلمان در شهرستانها که در چند ماه گذشته صورت گرفت گفت: «افزایش حقوق معلمان از دو سه ماه قبل از عید نوروز آغاز شد به این شکل که در دی ماه در طول مدت حدود بیست روز سه حکم کارگزینی متفاوت برای معلمان در شهرستانها صادر شد. در این بیست روز

چند بار مبالغی به حقوق معلمان اضافه شد اما در نهایت به صورت میانگین ۱۰۰ هزار تومان به حقوق معلمان در شهرستانها افزوده شد.»

بهلولی تصریح کرد: برخی از معلمان و از جمله بنده بر این نظر هستیم که افزایش حقوق معلمان شهرستانها یک اقدام تبلیغاتی بوده است.

حرکت اعتراضی معلمان

به گزارش خبرنگار خبرگزاری حکومتی فارس، تعدادی از معلمان شرکتی وزارت آموزش و پرورش روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت برای چندمین بار در اعتراض به عدم تعیین تکلیف وضعیت خود مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

این گزارش حاکیست، تجمع کنندگان با سردادن شعارهایی خواستار حمایت و پیگیری نمایندگان مجلس در خصوص وضعیت معلمان شرکتی آموزش و پرورش شدند.

به علت تجمع معلمان ترافیک سنگینی در اطراف درب ورودی شرقی مجلس ایجاد شد.

به یاد فرزاد کمانگر

در پایان یادی از فرزاد کمانگر معلم جوان کامیاران می کنم که در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ به همراه شیرین علم هولی، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان به ناگهان در حکومت بیداد اسلامی اعدام شدند، یاد همگی آنان را با شعر حسن حسام گرامی می داریم.

این شهبان

در شعر جاودانه ی خود

سیاوش شاعر

از آرش و کمانش گفت

وز بی کرانه توانش گفت

پرداخت قصه ای از حماسه

تا اوج عاشقی

تا انتهای حادثه راند

تا گم شدن میان دریا را،

بشناسد

رفت و ندید آرش ما را

آه...

که مثل "شیرین"،

شیرین بود

و در چهار شاخه گل رست

"فرزاد" بود نام کمانگر

که ترکش کمانش

از آرش کمانگیر رعنا تر

فرزاد پاکزاد زمان بود

در بند دیوزاد زندانی

ناگه میان باران رفت

و روح روشن باران شد!

غبار از رخ گلها

شست

و در سحرگاهی سوزان

همراه چهار دلبر دیگر

چونان درخت نورس پر گل،

در زمهریر باد

پر پر شد

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران

نامه نگاری به گردانندگان رژیم، تجمع اعتراضی، اعتصاب، راهپیمایی، تحصن، بستن راهها و... شیوه‌هایی بود که کارگران در مبارزه خود از آن استفاده کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم گرچه در مقابل حرکت‌های کارگری با احتیاط برخورد می‌کردند، اما در حرکت‌هایی که جنبش کارگری گام‌هایی بزرگ به جلو بر می‌داشت با سرکوب دامن‌شانه مواجه می‌شد. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بارها باتوم و گاز اشک‌آور به حرکت‌های اعتراضی کارگران یورش بردند که منجر به زخمی شدن تعدادی از کارگران شد. مأموران وزارت اطلاعات بارها به خانه‌های کارگران یورش برده و آنان را دستگیر و یا با تماس‌های تفتنی کارگران را تهدید به دستگیری کردند. اما این سرکوبگری در عزم کارگران برای تحقق خواسته‌های بر حق خود خلی ایجاد نکرد و بر عکس منجر به همبستگی هرچه بیشتر کارگران شد. برخی از شعارها و خواسته‌های کارگران که گاه با صدای بلند فریاد می‌زدند و گاه بر روی پلاکاردها به نمایش می‌گذاشتند چنین بود:

- * کار، حقوق، اعتراض، حق مسلم ماست
- * کارگر گرسنه منتظر جواب است
- * تشکل، اعتصاب حق مسلم ماست
- * کارگران جهان اتحاد اتحاد
- * معیشت، زندگی حق مسلم ماست
- * کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد
- * قرارداد موقت دیگر کارش تمام است
- * ما کار می‌خواهیم
- * زندگی انسانی حق مسلم ماست
- * کارگر کارگر اتحاد اتحاد
- * قرارداد موقت ملفی باید گردد
- * شرکت پیمان‌کاری، نابود باید گردد
- * مزدور سرمایه‌دار حیا کن، کارگر رو رها کن
- * تغییر قانون کار، نابودی کارگر است
- * وزیر کار حیا کن، قانون کار رو رها کن
- * مرگ بر نظام سرمایه‌دار
- * تغییر قانون کار، وال استریت ایران
- * مجلس به این بی‌غیرتی، هرگز ندیده ملتی
- * بسیجی حیا کن، شرکت نفت را رها کن

مبارزه برای خواسته‌های حداقل کارگران و مزدبگیران جزیی از مبارزه مردم ایران برای نابودی نظام استبدادی-مذهبی ولایت فقیه و تحقق آزادی، دموکراسی، عدالت و جدایی دین از دولت است. تشکلهای مستقل کارگری طی بیانیه‌های مختلف خواسته‌های مبرم کارگران و مزدبگیران ایران را اعلام کرده‌اند. این خواسته‌ها که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به طور کامل از آن پشتیبانی می‌کند، به قرار زیر است:

بقیه در صفحه ۱۴

ماه) یک چهارم زیر خط فقر و نیمی از خط مرگ است.

صندوق بین‌المللی پول در گزارش مربوط به چشم‌انداز اقتصادی جهان، نرخ تورم در ایران برای سال ۲۰۱۱ میلادی را ۲۲/۵ درصد برآورد کرده و رتبه سوم بالاترین نرخ تورم پس از بلاروس و ونزوئلا را از آن ایران دانسته است. پیش‌بینی می‌شود که نرخ تورم برای سال جاری از ۴۰ درصد بالاتر برود.

کارگران و مزدبگیران ایران از یک طرف تحت ستم و سرکوب رژیم حاکم قرار دارند و از طرف دیگر باید هزینه سیاست‌های جمهوری اسلامی برای پیوستن به اردوی جهانی سازی نو-لیبرال را بپردازند. برای رژیم ایران زندگی کارگران و زحمتکش‌های ایران کوچکترین ارزشی ندارد. این رژیم با افزایش هزینه‌هایی که به امنیت نظام مربوط می‌شود، با صرف میلیاردها دلار در سوریه، لبنان، غزه، عراق، آفریقا و آمریکای لاتین، زندگی مردم ایران را به تباهی کشیده است.

در سال گذشته بازم نقش سپاه و بسیج در اقتصاد افزایش پیدا کرد. قرارگاه بازسازی خاتم الانبیاء و بنیاد تعاون سپاه به طور مستقیم و یا از طریق صدها شرکت اقماری در مهمترین پروژه‌های کشور مشارکت دارند.

بنا به اعتراف کارگزاران رژیم در سال گذشته ۱۰۰ هزار کارگر در بیش از یک هزار واحد تولیدی اخراج شده‌اند.

در چنین شرایط فاجعه‌باری است که خامنه‌ای سال ۱۳۹۱ را سال «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» اعلام می‌کند. یکی از نتایج زهرآکین این نامگذاری بیکارسازی چند هزار کارگر تنها در ماه اول سال بود. پیش‌بینی می‌شود که در سال جاری هزاران واحد تولیدی دیگر به تعطیلی کشیده شود و دهها هزار کارگر نیز به اردوی عظیم بیکاران اضافه شوند.

در مقابل چنین شرایط فاجعه‌باری، کارگران، زحمتکش‌ها و مزدبگیران کشور ما در سال گذشته برای نجات از استبداد، جهل، فقر، فحشاء، بی‌خانمانی و بی‌حقوقی به طور گسترده و به شکل‌های گوناگون دست به اعتراض زده‌اند.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بیان برخی حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در سال ۱۳۹۰ را منتشر کرده است*. بر اساس این بیان در سال گذشته بیش از ۳۵۰ حرکت اعتراضی کارگران وجود داشته که بی‌تردید شمار واقعی آن بسیار بیشتر است.

نیروهای کار را به تباهی کشاند. فشار و تبعیض جنسیتی بر کارگران زن و اعمال محرومیت بر فرزندان آنان و کودکان کار به طور تصاعدی افزایش پیدا کرد.

یکی از نمایندگان مجلس رژیم اعلام می‌کند که نرخ بیکاری زنان دو برابر نرخ بیکاری مردان است و اضافه می‌کند که، زنان در بسیاری از واحدهای بزرگ و قالبی‌های گاهی دو سوم دستمزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می‌کنند، اما به دلیل ترس از دست دادن شغل از شکایت صرف‌نظر می‌کنند.

شرایط فاجعه‌بار زندگی و معیشت توده‌های محروم و ستمدیده که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، آن‌چنان آشکار است که رسانه‌های دولتی ناچارند گوشه کوچکی از آن را هر روز بازتاب دهند. رسانه‌های حکومتی اعلام می‌کنند که در ایران هفت و نیم ملیون نفر حاشیه‌نشین وجود دارد.

اجرای مرحله اول «هدفمند کردن یارانه‌ها» و در حقیقت حذف یارانه‌ها، نقدینگی و نرخ تورم را افزایش داده است. کارگران و زحمتکش‌های ایران که هیچ بهره‌ای از افزایش قیمت نفت خام نبردند، به شدت از بحران مالی در جهان زیان دیده‌اند. افزایش قیمت‌ها سفره کارگران را خالی‌تر کرد. خصوصی‌سازیها و فربه کردن نهادهای نظامی و امنیتی و نیز حذف یارانه‌ها، چشم‌انداز زندگی نیروهای کار در سال پیش رو را چندین بار فاجعه‌بارتر خواهد کرد.

در سال گذشته رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اشتغال‌زا سیر نزولی داشته و در عوض رانت خواری و اقتصاد دلالی و سوداگری روز به روز رشد کرده است. شاخص نقدینگی به عنوان مهم‌ترین شاخص اقتصادی که بلاواسطه و به طور مستقیم بر افزایش نرخ تورم تاثیر می‌گذارد، از حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به ۲۵۰ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۱۳۹۰ رسید. همزمان با این حجم عظیم نقدینگی و فقر همگانی، بلوک جدیدی از سرمایه‌داری مالی شکل گرفته است. این سرمایه‌داری انگلی تحت حمایت دولت احمدی‌نژاد با دلالی، سفته‌بازی، بورس بازی و کنترل بازار ارز و طلا و... خسارت جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد کرده و تورم و گرانی را دامن زده است.

کاهش نرخ رشد، فقدان سرمایه‌گذاری موثر در تولید صنعتی، افزایش سرسام‌آور نقدینگی و حجم پول، ورشکست شدن شرکت‌های صنعتی و افزایش نرخ تورم منجر به سقوط زندگی اکثریت مردم ایران شده است. حداقل دستمزد برای سال ۱۳۹۱ (۳۸۹ هزار تومان در

اول ماه مه، روز جهانی کارگران را به تمام نیروهای کار شادباش می‌گوییم و برای مبارزه کارگران، مزدبگیران و زحمتکش‌ها علیه استثمار، استبداد و عقب‌ماندگی موفقیت‌های بزرگ آرزو می‌کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق همبستگی خود را با مبارزه نیروهای کار که سازندگان اصلی جهانی انسانی و عاری از تمامی اشکال استبداد، ستم، جهل، تبعیض و استثمار هستند، اعلام می‌کند.

ما ضمن همبستگی با کارگران، مزدبگیران، معلمان و پرستاران ایران که علیه شرایط فلاکت‌بار خود مبارزه می‌کنند، سرکوبی و دستگیری اعضای سندیکاها، تشکلهای مستقل کارگری و صدور احکام زندان برای فعالان نیروهای کار را محکوم می‌کنیم.

در سال گذشته جهان شاهد تحولات شگرفی بود. انقلابها و جنبشهای ضد دیکتاتوری در خاورمیانه و شمال آفریقا که با عنوان «بهار عرب» نامیده می‌شوند، «جنبش برآشفنگان» در اروپا و جنبش «اشغال وال استریت» در آمریکا، سیمای جهان ما را دگرگون کرده است. در این جنبشها، خیزشها و انقلابها که هنوز جریان دارند، کارگران و زحمتکش‌ها در ابعاد کلان شرکت داشته و به ژرفش این تحولات یاری رسانده‌اند. مبارزه علیه دیکتاتوری و برای دمکراتیزه کردن جامعه همراه با پیکار گسترده علیه فقر، بیکاری، تبعیض و بی‌عدالتی و علیه تهاجم مستبدان، چپاولگران و انحصارات امپریالیستی به سطح زندگی و معیشت مردم روندهایی بود که در سال گذشته در سراسر جهان علیرغم راه‌پرفراز و نشیب و چالشهای مهم، جریان داشت.

هزینه اصلی جنگ، نظامیگری، انباشت سلاحهای مخرب، تروریسم، بنیادگرایی و جهانی شدن بربریت به ناحق از کار و رنج نیروهای کار پرداخت می‌شود و علیه همین شرایط ناعادلانه است که مردم محروم و ستمدیده سراسر جهان به مبارزه خود ابعاد جدیدی داده‌اند.

سال گذشته برای کارگران، مزدبگیران و زحمتکش‌های ایران سال درد، رنج، بیکاری، فقر، بی‌خانمانی و در یک کلام زندگی فاجعه‌بار بود.

نپرداختن دستمزدها برای ماههای طولانی، خصوصی‌شدنهای گسترده همراه با اخراجهای دسته‌جمعی، افزایش بی‌سابقه نقدینگی و به دنبال آن رشد سرسام‌آور نرخ تورم و در نتیجه کاهش قدرت خرید، گسترش شرکت‌های چپاولگر بیمانکاری، زندگی

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران

در آستانه اول ماه مه
دبیر خانه سازمان چریکهای فدایی خلق
ایران منتشر می کند.

جنبش کارگری در سالی که گذشت

دوشنبه ۲۲ فروردین، ادامه
اعتصاب کارگران کارخانه
ریسندگی کاشان
سه شنبه ۲۳ فروردین، تجمع
کارگران کشت و صنعت
کارون، شوشتر و هفت تپه در
مقابل مجلس
سه شنبه ۲۳ فروردین، تجمع
پرستاران بیمارستانهای امام
علی و الغدیر در اندیمشک
دست

شنبه ۲۷ فروردین، تجمع
کارگران نساجی قزوین در
مقابل دفتر احمدی نژاد و
پس از آن در پارک پاسور
یکشنبه ۲۸ فروردین، تجمع
کارگران و کارکنان شرکت
نازخ قزوین در مقابل مجلس
شنبه ۲۷ فروردین، هشتمین
روز اعتصاب گسترده کارگران
شاغل در بخشهای مختلف
مجتمع پتروشیمی بندر شهر
یکشنبه ۲۸ فروردین،
اعتصاب و تجمع کارگران
پتروشیمی امیرکبیر با خانواده
های خود و تجمع کارگران
پتروشیمی فجر
یکشنبه ۲۸ فروردین، تجمع
کارگران شرکت ذوب و
فلزات شهر ابهر در مقابل
فرمانداری

دوشنبه ۲۹ فروردین، دومین
روز تجمع کارگران و
کارکنان شرکت نازخ قزوین
در مقابل مجلس
دوشنبه ۲۹ فروردین، تجمع و
راهپیمایی کارگران شرکت
مخابراتی راه دور ایران
(ITI)
یکشنبه ۲۹ فروردین،
کارگران پتروشیمی بندر
شهر بعد از یازده روز اعتصاب
به توافقی کتبی با مدیریت
شرکت دست یافتند و به
اعتصاب خود پایان دادند.

اردیبهشت ۱۳۹۰

شنبه ۳ اردیبهشت، اعتصاب
و راهپیمایی کارگران شرکت
سنگ آهن مرکزی بافق.
کارگران صبح روز بعد در
مقابل ساختمان فرمانداری
باقی تجمع اعتراضی کردند
که با دخالت پلیس پراکنده
شدند.

بقیه در صفحه ۱۵

چند توضیح:

*بیان کنونی منعکس
بخشی از حرکتهای اعتراضی
کارگران و مزدبگیران ایران
در سال ۱۳۹۰ را منعکس می
کند. مشروح اخبار مربوط به
این حرکتها در ۱۲ شماره
نبرد خلق که در سال ۱۳۹۰
منتشر شده با ذکر منبع آمده
است.

* تردیدی نیست که همه ی
اخبار مربوط به جنبش
کارگری در رسانه های
جمعی پوشش داده نمی شود
و ما نیز همه خبرهایی که در
این حوزه منتشر شده را ثبت
نکرده ایم. بدین لحاظ این
بیان تنها بخشی از واقعیت
مربوط به جنبش کارگران و
مزدبگیران را دربرمی گیرد.

*این بیان شامل ۳۵۰
حرکت اعتراضی از جانب
کارگران و مزدبگیران است.
اگر یک حرکت اعتراضی چند
روز ادامه داشته است، هر روز
آن شمارش شده است.

فروردین ۱۳۹۰

سه شنبه ۲ فروردین، ادامه
اعتراض و اعتصاب کارگران
پالایشگاههای عسلویه
شنبه ۱۳ فروردین، تجمع
کارگران اخراجی دو شرکت
ساختمان نصب و فراب در
آبادان
یکشنبه ۱۴ فروردین، تجمع
کارگران ریسندگی وبافندگی
کاشان
سه شنبه ۱۶ فروردین، تجمع
کارگران کارخانه لاستیک
سازی البرز (کیان تایر)
پنجشنبه ۱۸ فروردین، تجمع
کارکنان حراست طرحهای
ساختمانی منطقه ویژه
اقتصادی شهر

شنبه ۲۰ فروردین، تجمع
کارگران شاغل در بخشهای
مختلف مجتمع پتروشیمی
بندر شهر
شنبه ۲۰ فروردین، اعتصاب
کارگران کارخانه کاغذ سازی
پارس

خواهیم که برای برچیدن بساط ننگین نظام ولایت
فقیه متحد و متشکل شوند.

کارگران ایران می توانند و باید پشتاز مبارزه علیه
حکومت استبدادی حاکم بر ایران، پشتاز مبارزه
علیه جنگ و تجاوزگری نظامی و پشتاز مبارزه
برای تحقق دموکراسی، عدالت، جدایی دین از
دولت باشند؛ بدین لحاظ ما از تمامی کارگران،
کارکنان و مزدبگیران شاغل در مراکز دولتی و
خصوصی و از تمامی مدافعان آزادی و توسعه
پایدار می خواهیم که برای رهایی از شرایط
اسارتبار کنونی متحد و متشکل شوند.

زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۱ (۲۹ آوریل ۲۰۱۲)

*توضیح کوتاه در مورد تاریخچه اول ماه مه

در سال ۱۸۵۶ کارگران استرالیا در اعتراض به
شرایط دشوار کار و برای هشت ساعت کار روزانه
حرکت اعتراضی خود را آغاز کردند و پس از
مبارزه متحد و سراسری پیروز شدند. پس از این
حرکت متحدانه آنان تصمیم گرفتند که هر سال
در یک روز معین دست از کار کشیده و همبستگی
خود را در مقابل سرمایه داران و حامیان آنان
نشان دهند.

در سال ۱۸۸۶ کارگران نساجی شیکاگو در آمریکا
طی یک تظاهرات بزرگ در روز اول ماه خواست
۸ ساعت کار روزانه را مطرح کردند. این تظاهرات
به شدت سرکوب و به خون کشیده شد. کارگران
آمریکا تا سال ۱۸۸۹ هر ساله در چنین روزی
دست از کار می کشیدند و با تظاهرات خیابانی
قدرت خود را در مقابل نیروهای مدافع چهل،
استعمار و بردگی نشان می دادند.

در سال ۱۸۸۹ کنگره انترناسیونال احزاب کارگری
و سوسیالیستی روز اول ماه مه را روز همبستگی
جهانی کارگران اعلام کرد. از آن زمان تاکنون
کارگران و زحمتکشان جهان در شرایط متفاوت
روز اول ماه دست از کار می کشند و با همبستگی
خواسته های بر حق خود را مطرح می کنند.

در ایران برای اولین بار و به ابتکار «شورای
مرکزی فدراسیون سندیکاهای کارگری» در سال
۱۲۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) جشن اول ماه
مه به شکل نیمه مخفی در واحد های تولیدی
برگزار شد و یک سال بعد به ابتکار همین تشکل
مراسم اول ماه مه در تهران به شکل علنی برگزار
شد.

* بیان ۳۵۰ حرکت اعتراضی کارگران در سال
۱۳۹۰ در آدرس زیر:

http://www.iran-nabard.com/n322/karegari02_322.htm

* کلیه اخبار کارگری در سال گذشته در سایت
ایران نبرد و در آدرس زیر:

http://www.iran-nabard.com/karegari_rouydad/index_karegari.htm

۱_ حق ایجاد تشکلهای مستقل برای نیروهای کار
یدی و فکری (کارگران صنعتی، کشاورزی، معادن
و معلمان، پرستاران و کارگران بخش خدمات و ...)
بدون هرگونه تعهد و پایبندی به اصل ولایت فقیه
و بدون دخالت دولت و مدیریت. انحلال کلیه
نهادهای دست ساز دولتی در محیطهای کار و
زندگی، به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی
کارگران و عموم مردم ایران

۲_ حق اعتصاب، تجمع و تظاهرات و آزادی بدون
حد و مرز اندیشه، بیان و رسانه ها.

۳_ لغو تمامی اشکال تبعیض جنسیتی و مذهبی در
حقوق کار

۴_ منع کامل و فوری کار کودکان
۵_ آزادی کلیه سندیکالیستها و فعالان کارگری و
تمامی زندانیان سیاسی و توقف تعقیبهای قضایی و
لغو احکام ظالمانه قضایی در مورد کارگران و
مزدبگیران و لغو حکم اعدام

۶_ تأمین امنیت شغلی برای نیروهای کار، لغو
قراردادهای موقت و قراردادهای شرکتی
پیمانکاری و سفید امضا و برچیده شدن فرمهای
جدید قرارداد کار

۷_ توقف کامل اخراج و بیکارسازی و پایان دادن
به اخراج کارگران مهاجر

۸_ ایجاد سیستم بیمه همگانی و تامین اجتماعی
برای همه نیروهای کار

۹_ تعیین حداقل دستمزد متناسب با افزایش نرخ
تورم و تأیید آن توسط نمایندگان واقعی کارگران و
تشکلهای مستقل کارگری. حداقل حقوق به
میزانی که کفاف یک زندگی شرافتمندانه و انسانی
برای یک خانوار چهار نفره را تأمین نماید.

۱۰_ پرداخت فوری دستمزدهای معوقه به طور
کامل

۱۱_ ساعات کار کارگران در شبانه روز نباید از ۸
ساعت تجاوز کند. دو روز تعطیلی و ۴۰ ساعت کار
در هفته باید به عنوان حقوق کار به رسمیت
شناخته شود

۱۲_ تأمین زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی
برای بازنشستگان

۱۳_ تعطیل رسمی اول ماه مه به عنوان روز
جهانی کارگران و لغو هرگونه ممنوعیت و
محدودیت برای برگزاری مراسم این روز

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن
قدردانی از اتحادیه ها، سندیکاها و سازمانهای
جهانی کارگری و نیروهای سیاسی که طی سال
گذشته از جنبش طبقه کارگر ایران و خواسته های
آنان حمایت کردند، از تمامی نهادهای کارگری در
سراسر جهان درخواست می کند که به مبارزه
برحق نیروهای کار در ایران برای کسب حقوق
اولیه شان یاری رسانند.

ما از شورای حقوق بشر سازمان ملل و از سازمان
جهانی کار می خواهیم که به جمهوری اسلامی
برای به رسمیت شناختن حقوق حقه کارگران
بیش از پیش فشار وارد نماید.

ما رژیم ولایت فقیه را مانع عمده در مقابل
خواسته ها و نیازهای کارگران و زحمتکشان می
دانیم و از تمامی کارگران، کارکنان و مزدبگیران و
از تمامی مدافعان آزادی و توسعه پایدار می

جنبش کارگری در سالی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۴

شنبه ۳ اردیبهشت، تجمع کارگران شاغل در کارخانه های نساجی و مخابرات قائمشهر
یکشنبه ۴ اردیبهشت، تجمع کارگران شرکت ذوب آهن اصفهان در مقابل مجلس
یکشنبه ۴ اردیبهشت، تجمع کارگران ایران تایر در برابر دفتر احمدی نژاد
یکشنبه ۴ اردیبهشت، تجمع کارگران اخراجی معدن آق دره تکاب در مقابل فرمانداری این شهرستان
دوشنبه ۵ اردیبهشت، تجمع کارگران شرکت چینی سازی البرز در مقابل مجلس
دوشنبه ۵ اردیبهشت، تجمع کارگران کارخانه های «چینی حمید و رنگ کیمیا» در مقابل فرمانداری قم
دوشنبه ۵ اردیبهشت، تجمع کارگران کارخانه لینیات «خوش گواران» در مقابل فرمانداری قم
سه شنبه ۶ اردیبهشت، اعتصاب کارگران کارخانه لینیات پاستوریزه پاک پی در استان چهارمحال و بختیاری
پنجشنبه ۸ اردیبهشت، تجمع کارگران شاغل در بخشهای مختلف شهر مسجد سلیمان و لالی در مقابل فرمانداری این شهر
پنجشنبه ۸ اردیبهشت، ادامه تجمع، تحصن و راهپیمایی کارگران مخابرات راه دور شیراز در مقابل استانداری فارس و اداره صنایع استان
پنجشنبه ۸ و جمعه ۹ اردیبهشت، مراسم و فعالیت های تبلیغی در سطح شهرک صنعتی و نقاط مختلف شهر بوکان به مناسبت روز جهانی کارگر، جمعه ۹ اردیبهشت، گروه های کوهنوردی کارگران تهران در منطقه «دارآباد» روز کارگر را جشن گرفتند.
یکشنبه ۱۱ اردیبهشت، تظاهرات کارگران و مردم معترض در شهر اهواز به مناسبت روز جهانی طبقه کارگر در نقاط مختلف شهر به ویژه در مناطق «درویشی، سوار و خشایار»
یکشنبه ۱۱ اردیبهشت، برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در شهر کرد که منجر به بازداشت تعدادی از کارگران گردید.
یکشنبه ۱۱ اردیبهشت، گرامیداشت روز کارگر در یکی از شرکت های خودروسازی یکشنبه ۱۱ اردیبهشت، تجمع کارگران کارخانه تولید قطعات لاستیکی در تهران
دوشنبه ۱۲ اردیبهشت، راهپیمایی کارگران کارخانه پارس متال از محل کارخانه در کیلومتر ۷ جاده مخصوص تا سه راه بهنوش و سپس تا مترو چیتگر. سپس راهپیمایی از ایستگاه مترو شادمان در خیابان آزادی تا وزارت کار
سه شنبه ۱۳ اردیبهشت، کارگران کارخانه های مختلف شیراز از جمله

کارگران کارخانه لاستیک سازی دنا، مخابرات راه دور، مجتمع گوشت، کابل سازی، زمزم شیراز و کارگران شهرداری، همزمان با روز جهانی کارگر، در مقابل استانداری استان دست به تظاهرات زدند.
چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت، تجمع اعتراضی کارگران اخراج شده در مقابل درب اصلی پالایشگاه آبادان
جمعه ۱۶ اردیبهشت، خانواده های کارگران تهران با همکاری هیات کوهنوردی کارگران استان در گلگت خانوادگی در منطقه «برغان» کرج گرد هم آمدند و به مناسبت روز جهانی کارگر در کنار هم روز خود را گرمی داشتند.
یکشنبه ۱۸ اردیبهشت، تجمع کارکنان تعاونی مسکن اداره برق تهران در مقابل مجلس
سه شنبه ۲۰ اردیبهشت، دهمین روز اعتصاب کارگران شرکت پرهون طرح، وابسته به نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج
سه شنبه ۲۰ اردیبهشت، تجمع کارگران مجتمع گوشت فارس در مقابل استانداری
چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت، ادامه اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان در مقابل فرمانداری این شهر
چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت، شروع اعتصاب چهار روزه کارگران کارخانه گندله سازی و همایت مجتمع سنگ آهن گل گهر سیرجان و تجمع همراه با خانواده هایشان،
پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت، تجمع کارگران شهرداری برازجان مقابل ساختمان شهرداری
پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت، تجمع کارگران اخراجی معدن طلای آق دره تکاب
پنج شنبه ۲۹ اردیبهشت، تجمع کارگران شرکت نفت آبادان در کنار اروند رود
شنبه ۳۱ اردیبهشت، تجمع مجدد کارگران شرکت نفت آبادان در کنار اروند رود که موجب درگیری مستقیم کارگران و نیروهای انتظامی شد
شنبه ۳۱ اردیبهشت، تجمع کارگران سازمان پارکها مربوط به شهرداری اهواز در مقابل ساختمان شهرداری مرکزی این شهر واقع در میدان راه آهن اهواز
شنبه ۳۱ اردیبهشت، اعتصاب کارگران کوره های اجر پزی منطقه ساروقامیش بوکان
شنبه ۳۱ اردیبهشت، تجمع جمعی از ملوانان در مقابل استانداری بوشهر
شنبه ۳۱ اردیبهشت، تجمع کارگران کارخانه تولید قطعات لاستیکی در خیابان وزرا در تهران

خرداد ۱۳۹۰

سه شنبه ۳ خرداد، تجمع کارگران شرکت ریسندگی کاشان در مقابل فرمانداری این شهر
شنبه ۷ خرداد، تجمع کارگران پیمانکاری شرکت سیمان دورود
شنبه ۷ خرداد، ادامه اعتصاب کارگران تعدادی از کوره پزخانه های منطقه ساروقامیش بوکان
یکشنبه ۸ خرداد، اعتصاب کارگران پارس متال
سه شنبه ۱۰ خرداد، اعتصاب یک ساعته کارگران صابون سازی خرمشهر
سه شنبه ۱۰ خرداد، پایان اعتصاب یک روزه کارگران ساسان
چهارشنبه ۱۱ خرداد، شروع اعتصاب یک هفته ای کارگران فازهای ۱ الی ۱۰ پارس جنوبی در بخشهای برق و مکانیک.
جمعه ۱۳ خرداد، تجمع کارگران موقت شهرداری شوش در مقابل شهرداری این شهر
شنبه ۲۱ خرداد، تجمع پرسنل و کارگران مخابرات راه دور شیراز در خیابان بریجستون این شهر در مقابل شرکت آی تی آی (مخابرات راه دور فارس)
سه شنبه ۲۴ خرداد، اعتصاب کارگران شرکت های سانا سهندآذر، ناودیس راه و آب نیرو در پروژه های سد داریان پاره

تیر ۱۳۹۰

یکشنبه ۵ تیر، دومین روز تجمع کارگران مجتمع گوشت فارس مقابل چهار کشاورزی در تهران
یکشنبه ۵ تیر، دومین روز تحصن و تجمع کارگران کارخانه آزمایش مرودشت در مقابل کارخانه آزمایش مرودشت
دوشنبه ۶ تیر، شروع اعتصاب کارگران کارخانه نوپوش در شهر صنعتی رشت
چهارشنبه ۸ تیر، تجمع کارگران سازمان تامین اجتماعی از شهرستان پاکدشت در مقابل مجلس
دوشنبه ۱۳ تیر، تجمع کارگران شهرداری خرمشهر که از واحد های مختلف به ویژه از واحدهای خدمات شهری، فضای سبز و... در مقابل فرمانداری این شهر
یکشنبه ۱۹ تیر، سیزدهمین روز اعتصاب کارکنان شرکت چاپ و انتشارات وابسته به وزارت ارشاد
دوشنبه ۲۰ تیر، جلوگیری از ورود کارگران اعتصابی کارخانه نوپوش در شهر صنعتی رشت به کارخانه
سه شنبه ۲۱ تیر، پایان اعتصاب ۲۵ روزه و موفق کارگران شرکت فولاد سازان واقع در شهرک صنعتی صفادشت کرج،
چهارشنبه ۲۲ تیر، تجمع کارگران نساجی مازندران در مقابل فرمانداری قائمشهر
پنج شنبه ۲۵ تیر، پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران کارخانه نوپوش در شهر صنعتی رشت

مرداد ۱۳۹۰

چهارشنبه ۲۹ تیر، تجمع کارگران منطقه آزاد تجاری اروند در مقابل دفتر مرکزی منطقه آزاد تجاری اروند
شنبه اول مرداد، تجمع کارگران کارخانه سیلان اردبیل مقابل کارخانه سیلان پارچه واقع در شهرک صنعتی شماره دو اردبیل
یکشنبه ۲ مرداد، تجمع کارگران مخابرات راه دور شیراز در مقابل مجلس
سه شنبه ۴ مرداد، تجمع کارگران نساجی مازندران مقابل استانداری مازندران
دوشنبه ۱۰ مرداد، کارکنان شرکت آردل مقابل شعبه مرکزی بانک تجارت واقع در تقاطع خیابانهای موسوی- طالقانی دست به تجمع زدند.
سه شنبه ۱۱ مرداد، تجمع کارگران منطقه صنعتی مورچه خورت مقابل اداره کار استان اصفهان
سه شنبه ۱۱ مرداد، تجمع نمایندگان انجمن صنفی کارگران نی بر شرکت های کشت و صنعت کارون، شوشتر و هفت تپه مقابل مجلس
سه شنبه ۱۱ مرداد، تجمع کارگران ساختمانی سنندج مقابل شعبه ۲ بیمه تامین اجتماعی واقع در چهار راه انقلاب (سیروس سابق) شهر سنندج
سه شنبه ۱۱ مرداد، هفتمین روز اعتصاب کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز
جمعه ۱۴ مرداد، دهمین روز اعتصاب کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز و دستگیری تعدادی از اعتصاب کنندگان و تهدید به اخراج آنها
یکشنبه ۱۶ مرداد، تجمع کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در مقابل استانداری
یکشنبه ۱۶ مرداد، تجمع پرستاران مجتمع بیمارستانی خمینی در محوطه فضای باز بیمارستان
چهارشنبه ۱۹ مرداد، ادامه اعتصاب کارگران کارخانه ساسان که منجر به درگیری کارگران با مدیران کارخانه و پلیس امنیت پایگاه پنجم شد.
پنجشنبه ۲۰ مرداد، سومین روز تجمع نمایندگان کارگران فولاد میبد یزد در مقابل فرمانداری میبد
شنبه ۲۲ مرداد، تجمع کارگران مجتمع گوشت در مقابل استانداری فارس در شهر شیراز
یکشنبه ۲۳ مرداد، چهارمین تجمع ندادی از معلمان شرکتی آموزش و پرورش مقابل مجلس
چهارشنبه ۲۶ مرداد، دومین روز تجمع کارمندان حق التدریسی آموزشکده های فنی کشور مقابل مجلس
شنبه ۵ شهریور، اعتصاب کارگران شرکت پیمانکار کیسون، طرف قرارداد با مترو اهواز
یکشنبه ۶ شهریور، ادامه اعتصاب کارگران شرکت پیمانکار کیسون در
بقیه در صفحه ۱۶

جنبش کارگری در سالی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۵

محل دیو جنب فرودگاه اهواز
دوشنبه ۷ شهریور، تجمع کارگران
کارخانه کاغذ پارس مقابل فرمانداری
شهرستان شوش در خوزستان
سه شنبه ۸ شهریور، تجمع کارگران
شرکتی شهرداری ارومیه در مقابل
شهرداری
چهارشنبه ۹ شهریور، ادامه اعتصاب
کارگران متروی اهواز
چهارشنبه ۹ شهریور، تجمع بیکاران
شهرستان اندیمشک در مقابل اداره کار
این شهر
چهارشنبه ۹ شهریور، اعتصاب کارگران
سد مخزنی ژاوه واقع در استان
کردستان
جمعه ۱۱ شهریور، تحصن معلمان حق
التدریسی برای چندمین روز در مقابل
معاونت منابع انسانی ریاست جمهوری
دوشنبه ۱۴ شهریور، ششمین روز
اعتصاب کارگران سد مخزنی ژاوه واقع
در استان کردستان
دوشنبه ۱۴ شهریور، تجمع کارگران
کارخانه ذوب فلزات اهر مقابل
استانداری زنجان
دوشنبه ۱۴ شهریور، اعتصاب کارگران
بخشهای مختلف تولیدی در شرکت
قطعات توربین شهپار
سه شنبه ۱۵ شهریور، تجمع کارگران
کارخانه آرد و نشاسته یاسوج،
چهارشنبه ۱۶ شهریور، تجمع گروهی از
کارگران ایران خودرو دیزل در برابر
ساختمان دیوان عدالت اداری
شنبه ۱۹ شهریور، تجمع جمعی از
کارگران مجتمع گوشت فارس واقع در
مرودشت در مقابل استانداری و اداره
جهاد کشاورزی شیراز
یکشنبه ۲۰ شهریور، دو هفته از
اعتصاب کارگران متروی اهواز گذشت.
دوشنبه ۲۱ شهریور، تجمع کارگران
نساجی یافت بلوچ
سه شنبه ۲۲ شهریور، دومین روز
اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری
جزیره قشم مقابل فرمانداری این جزیره
پنجشنبه ۲۴ شهریور، ادامه اعتصاب
کارگران سد مخزنی ژاوه واقع در استان
کردستان
پنجشنبه ۲۴ شهریور، اعتصاب کارگران
متروی اهواز وارد بیستمین روز خود شد.
شنبه ۲۶ شهریور، تجمع کارگران
مجتمع گوشت فارس در مقابل دفتر
امام جمعه شیراز و پس از آن راهپیمایی
به سمت استانداری فارس
یکشنبه ۲۷ شهریور، اعتصاب ۷ روزه
تعدادی از کارگران شرکت حفاری و
اکتشاف انرژی گستر پارس (پدکس) که
منجر به اخراج آنها شد.
یکشنبه ۲۷ شهریور، هزاران کارگر
شرکت واحد اتوبوسرانی با اعضای
طوماری خطاب به وزیر کار رژیم

اعتراض و مخالفت خود را نسبت به
اصلاحیه قانون کار اعلام کردند.
چهارشنبه ۳۰ شهریور، تجمع کارگران
شرکت سایبر، پیمانکار قطارشهری کرج
در میدان امام حسین

مهر ۱۳۹۰

یکشنبه ۳ مهر، آغاز مجدد اعتصاب
بزرگ کارگران مجتمع پتروشیمی بندر
امام و تجمع در مقابل دفتر مرکزی این
شرکت. کارگران سایر مجتمعهای
پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی از
جمله اروند، امیرکبیر و تندگویان نیز
روز ۳ مهر اعتصاب خود را همزمان با
کارگران پتروشیمی بندرامام شروع
کردند.
یکشنبه ۳ مهر، تجمع حدود هزار نفر از
معلمان شرکتی مقابل مجلس
دوشنبه ۴ مهر، تجمع کارگران شرکت
آونگان اراک در مقابل مجلس
دوشنبه ۴ مهر، اعتصاب کارگران
شرکت فلاک (مجری طرح لوله کشی
قطره بارانی مزارع کشاورزی) واقع در
شهرستان کامیاران،
چهارشنبه ۶ مهر، ۶۵۰۰ کارگر
پیمانکاری مجتمع پتروشیمی بندر امام
چهارمین روز اعتصاب خود را پشت سر
گذاشتند.
پنجشنبه ۷ مهر، تجمع کارگران
بازنشسته کارخانه های شماره ۲ و ۳
طبرستان، تجمعی وگونی بافی در خانه
کارگر
شنبه ۹ مهر، اعتصاب کارگران
سدسازی شرکت تابلیه در گتوند
شنبه ۱۶ مهر، تجمع کارگران لوله
سازی اهواز مقابل استانداری خوزستان
در اهواز
یکشنبه ۱۷ مهر، کارگران شرکتهای
پیمانکاری پتروشیمی بندر امام پس از
۱۴ روز اعتصاب تصمیم به بازگشت بر
سرکارهای خود گرفتند. در این میان
کارگران شرکت پیمانکاری خوارزمی
ساعتی پس از پایان اعتصاب از سوی
کارگران سایر شرکتهای پیمانکاری
برای بازگشت به کار با همدیگر به
توافق رسیدند.
دوشنبه ۱۸ مهر، تجمع کارگران شرکت
نازخ و فرنخ مقابل مجلس
سه شنبه ۱۹ مهر، تجمع کارگران
شرکت جهاد سازندگی واقع در ۵
کیلومتری آبادان مقابل دادگستری در
شهر آبادان
سه شنبه ۱۹ مهر، تجمع کارگران
کارخانه آجرپزی «شل» مقابل
ساختمان استانداری در سنجند
پنجشنبه ۲۱ مهر، ادامه اعتصاب
کارگران شرکت پیمانکاری پتروسینا در
پتروشیمی آبادان
یکشنبه ۲۴ مهر، تجمع مجدد کارگران
نساجی قائمشهر واقع در استان
مازندران مقابل فرمانداری قائمشهر و
استانداری مازندران
سه شنبه ۲۶ مهر، تجمع تعدادی از
پرستاران بیمارستان ولیعصر در مجتمع
بیمارستانی خمینی،

سه شنبه ۲۶ مهر، تجمع تعدادی از
کارکنان رسمی بازنشسته شرکت
مخابرات استان تهران مقابل ساختمان
اصلی وزارت ارتباطات و فناوری
اطلاعات
شنبه ۳۰ مهر، تجمع تعدادی از کارگران
لوله سازی اهواز مقابل فرمانداری اهواز

آبان ۱۳۹۰

سه شنبه ۳ آبان، تجمع کارکنان
قراردادی شرکت «راه ابریشم»، از زیر
مجموعه های وزارت راه و شهرسازی
سه شنبه ۳ آبان، تجمع کارگران
کارخانه موتور سیکلت سازی واقع در
شهرک صنعتی سمنان
سه شنبه ۳ آبان، تجمع تعدادی از
کارکنان شرکت کشتی سازی اروند
مقابل فرمانداری خرمشهر
چهارشنبه ۴ آبان، تجمعات اعتراضی
کارگران لوله سازی خوزستان در مقابل
استانداری این استان وارد سومین هفته
خود شد.
چهارشنبه ۴ آبان، اعتصاب و تجمع
کارگران فضای سبز شهرداری خرمشهر
چهارشنبه ۴ آبان، تجمع جمعی از
کارگران کارخانه نی بُر کشت صنعت
کارون مقابل درب ورودی کارخانه
شنبه ۷ آبان، ادامه تجمعات اعتراضی
کارگران لوله سازی خوزستان که از روز
شنبه ۱۶ مهر آغاز شد
یکشنبه ۸ آبان، ادامه تجمع و اعتصاب
جمعی از کارگران کارخانه نی بُر کشت
صنعت کارون مقابل درب ورودی
کارخانه
دوشنبه ۹ آبان، اعتصاب کارگران
بازارچه پرویزخان در مرز کردستان
ایران و عراق
دوشنبه ۹ آبان، تجمع بیش از ۵۰۰
کارگر شرکت نیشکر هفت تپه کارون
ابتدا مقابل مجلس و سپس مقابل
ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه
اجتماعی
چهارشنبه ۱۱ آبان، پنجمین روز تجمع
کارگران کشت و صنعت کارون در
محوطه وزارت کار
جمعه ۱۳ آبان، تحصن کارگران باز
نشسته بافت بلوچ ایرانشهر در مسجد
این شهر
شنبه ۱۴ آبان، تجمع کارگران خطوط
راه آهن استان مرکزی مقابل ساختمان
اداری راه آهن اراک اجتماع کردند
یکشنبه ۱۵ آبان، تجمع کارگران
پتروشیمی امیر کبیر در منطقه ویژه
اقتصادی بندر ماهشهر
دو شنبه ۱۶ آبان، اعتصاب کارگران
شرکتهای پیمانکاری پتروشیمی امیر
کبیر در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر
دوشنبه ۱۶ آبان، ادامه تحصن کارگران
بازنشسته بافت بلوچ ایرانشهر در
مسجد این شهر
سه شنبه ۱۷ آبان، کارگران کارخانه لوله
سازی خوزستان در مقابل این کارخانه
پنجشنبه ۱۹ آبان، تجمع تعدادی از
مأموران آمارگیر شرکت کننده در طرح
سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال
۹۰ در استان قم مقابل استانداری قم

جمعه ۲۰ آبان، کارگران پتروشیمی
اروند با اعتصاب خود به اعتصاب
کارگران پتروشیمی امیرکبیر پیوستند.
شنبه ۲۱ آبان، تجمع کارکنان شرکت
مخابراتی تالیا مقابل دفتر این شرکت
یکشنبه ۲۲ آبان، تجمع بیش از ۳۵۰
تن از کارگران صنایع مخابراتی راه دور
(ITI) شیراز مقابل استانداری شیراز
یکشنبه ۲۲ آبان، تجمع کارگران موزه
میراث روستایی گیلان در مقابل اداره
کل میراث فرهنگی، صنایع دستی
و گردشگری استان
دوشنبه ۲۳ آبان، ادامه اعتصاب کارگران
پتروشیمی اروند و کارگران پتروشیمی
امیرکبیر
دوشنبه ۲۳ آبان، تجمع کارگران هتل
آزادی مقابل این هتل
سه شنبه ۲۴ آبان، اعتصاب کارگران
شرکت پرهون طرح در نیروگاه سیکل
ترکیبی سنجند
یکشنبه ۲۹ آبان، تجمع بیش از دو هزار
کارگر در مقابل مجلس در اعتراض به
تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار

آذر ۱۳۹۰

سه شنبه اول آذر، اعتصاب کارگران
ریسندگی پریس در شهر سنجند
چهارشنبه ۲ آذر، تجمع کارمندان ستاد
بسیج اقتصادی کل کشور جلوی
ساختمان وزارت صنعت، معدن و
تجارت
سه شنبه ۲۲ آذر، اعتصاب رانندگان و
کارگران مشغول به کار در آهن
فروشیهای واقع در کمربندی بهشت
محمدی سنجند
سه شنبه ۲۲ آذر، تجمع کارگران
بازنشسته شرکت فولاد اصفهان در
مقابل مجلس
سه شنبه ۲۲ آذر، تجمع کارگران
شرکت سامیکو صنعت همدان مقابل
خانه کارگر استان
سه شنبه ۲۲ آذر، تجمع کارگران
ریسندگی خاور رشت مقابل استانداری
گیلان
شنبه ۲۶ آذر، تجمع اعتراض آمیز
کارگران شرکت مخابراتی راه دور
(ITI) شیراز
دوشنبه ۲۸ آذر، تجمع اعتراض آمیز
کارگران شرکت مخابراتی راه دور
(ITI) شیراز همراه با بستن خیابان

دی ۱۳۹۰

پنجشنبه اول دی، اعتصاب کارگران
شرکت لوله نورد صفا
پنجشنبه اول دی، اعتصاب کارگران
شرکت پیمانکاری جهاد توسعه سد آزاد
شنبه ۳ دی، دومین روز اعتصاب
کارگران شرکت پیمانکاری جهاد توسعه
سد آزاد
شنبه ۳ دی، ادامه اعتصاب کارگران
شرکت لوله نورد صفا
یکشنبه ۴ دی، تجمع تعدادی از
آمارگیران طرح نفوس و مسکن مقابل
فرمانداری تهران

بقیه در صفحه ۱۷

جنبش کارگری در سالی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۶

دوشنبه ۵ دی، ادامه اعتصاب کارگران شرکت پیمانکاری جهاد توسعه سد آزاد سه شنبه ۶ دی، تجمع کارگران ریسندگی شرکت خاور رشت مقابل استانداری گیلان

شنبه ۱۰ دی، تجمع کارگران صنایع فلزی شماره یک (شرکت مصنوعات زرین تهران) در خیابان مجاور این کارخانه در منطقه شادآباد (بازار آهن)

دوشنبه ۱۲ دی، سومین روز تجمع و اعتصاب کارگران صنایع فلزی شماره یک

دوشنبه ۱۲ دی، تجمع کارگران کارخانه مخابرات راه دور شیراز مقابل

استانداری
دوشنبه ۱۲ دی، تجمع کارگران کارخانه ریسندگی بانفدگی قدس اصفهان مقابل استانداری

دوشنبه ۱۲ دی، تجمع کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل در محل این کارخانه سه شنبه ۱۳ دی، تجمع کارگران کشت و صنعت شمال مقابل فرمانداری میانرود

شنبه ۱۷ دی، تجمع بازنشستگان ذوب آهن اصفهان مقابل کانون بازنشستگی ذوب آهن

شنبه ۱۷ دی، تجمع و ایجاد راه بندان و تحمض اعتراضی کارگران نساجی مازندران مقابل فرمانداری قائم شهر

شنبه ۱۷ دی، تجمع جمعی از اعضای شرکت تعاونی مسکن شهرداری بجنورد مقابل استانداری خراسان شمالی
شنبه ۱۷ دی، اعتصاب کارگران ذوب فولاد ملایر

شنبه ۱۷ دی، اعتصاب دو روزه کارگران مسکن مهر کامیاران

یکشنبه ۱۸ دی، تجمع کارگران شرکت کاین صنعت مقابل اداره کار شهرستان دهگلان

دوشنبه ۱۹ بهمن، تجمع کارگران شرکت واگن سازی پارس اراک

دوشنبه ۱۹ دی، کارگران معادن شن و ماسه منطقه شرق اصفهان مقابل اداره کار و امور اجتماعی استان اصفهان

سه شنبه ۲۰ دی، تجمع کارگران شرکت واگن سازی پارس اراک مقابل مجلس

چهارشنبه ۲۱ دی، تجمع کارگران شرکت قطعه سازی کرج مقابل مجلس پنجشنبه ۲۲ دی، تجمع کارگران کارخانه ویتانا در مقابل کارخانه

یکشنبه ۲۵ دی، اعتصاب و تجمع جمعی از کارگران نی بُر کشت و صنعت کارون شوشتر مقابل درب ورودی کارخانه

بهمن ۱۳۹۰

یکشنبه ۹ بهمن، تجمع کارگران کارخانه شیشه ایمنی طوس در مشهد مقابل استانداری خراسان

پنجشنبه ۱۳ بهمن، اعتصاب برخی لوکوموتورآنها و مهمانداران قطارها در مسیره‌های تهران-مشهد، تهران-اهواز و تهران-ساری

دوشنبه ۱۷ بهمن، اعتصاب کارگران متروی مهرآباد

دوشنبه ۱۷ بهمن، تجمع کارگران قراردادی نواحی و مناطق مختلف

شهرداری رشت مقابل استانداری گیلان سه شنبه ۱۸ بهمن، تجمع جمعی از بهداشت کاران زن در اصفهان مقابل

مجلس
دوشنبه ۲۳ بهمن، تجمع کارگران شهرداری تبریز مقابل ساختمان فرمانداری تبریز

دوشنبه ۲۴ بهمن، تجمع کارگران صنایع فلزی شماره ۱ و ۲

دوشنبه ۲۴ بهمن، راهپیمایی کارگران کارخانه چینی اسپیدار از شهر صنعتی کاوه به سمت شهر ساوه

شنبه ۲۹ بهمن، تجمع تعدادی از پرستاران بیمارستان فوق تخصصی قلب تهران

شنبه ۲۹ بهمن، تجمع کارگران شرکتی سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان مقابل معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری

شنبه ۲۹ بهمن، آغاز پنجمین هفته تجمع کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان مقابل استانداری خوزستان

شنبه ۲۹ بهمن، تجمع کارگران نساجی مازندران مقابل استانداری مازندران

شنبه ۲۹ بهمن، تجمع کارگران شرکت مهندسی و ساخت پسته‌های فشار قوی و صنعتی -سایتا- داخل ساختمان شرکت

واقع در خیابان خرمشهر در تهران
شنبه ۲۹ بهمن، اعتصاب تعدادی از کارگران جوشکار شرکت نقش و نمای محیط شهر سنج

اسفند ۱۳۹۰

دوشنبه ۱ اسفند، تجمع کارگران اخراجی قرارگاه خاتم در مقابل درب این قرارگاه

دوشنبه ۱ اسفند، تجمع ۱۵۰ کارگر کارخانه پارسیلون خرم آباد

دوشنبه ۱ اسفند، اعتصاب کارگران حفاری خط ۳ مترو تهران

دوشنبه ۱ اسفند، تجمع تعدادی از اعضای کانون بازنشستگی کشوری

(معلمان و کارکنان اداره راه آهن) مقابل دفتر ریاست جمهوری

سه شنبه ۲ اسفند، دومین روز اعتصاب کارگران حفاری خط ۳ مترو تهران

سه شنبه ۲ اسفند، راهپیمایی کارگران چینی اسپیدار از شهر صنعتی کاوه به سمت شهر ساوه و تجمع در فرمانداری ساوه

سه شنبه ۲ اسفند، تجمع کارگران شرکت تعاونی اعتبار شهرداری منطقه ۸ اهواز مقابل درب استانداری خوزستان

چهارشنبه ۳ اسفند، تجمع کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز مقابل

استانداری

چهارشنبه ۳ اسفند، تجمع کارمندان مرکز اطلاعات تلفنی ۱۱۸ کرمان در محوطه مرکز مخابرات

شنبه ۶ اسفند، تجمع کارکنان شرکت خدماتی هواپیمایی کشور مقابل وزارت راه و شهرسازی

شنبه ۶ اسفند، اعتصاب رانندگان سرویسهای مدارس استثنایی در جنوب تهران

شنبه ۶ اسفند، اعتصاب دو ساعته کارگران نورد لوله صفا

یکشنبه ۷ اسفند، تکرار اعتصاب دو ساعته کارگران نورد لوله صفا واقع در آزاد راه ساوه-تهران

سه شنبه ۹ اسفند، تجمع کارگران صنایع مخابراتی راه دور شیراز مقابل استانداری شیراز

سه شنبه ۹ اسفند، تجمع نمایندگان کارگران صنایع مخابراتی راه دور شیراز مقابل وزارت صنایع

سه شنبه ۹ اسفند، تجمع نمایندگان کارگران صنایع مخابراتی راه دور شیراز مقابل وزارت صنایع

چهارشنبه ۱۰ اسفند، ادامه تجمع نمایندگان کارگران صنایع مخابراتی راه دور شیراز مقابل وزارت صنایع

دوشنبه ۱۵ اسفند، تجمع جمعی از اعضای تعاونی مسکن کانون بازنشستگان صنعت نفت

چهارشنبه ۱۷ اسفند، تجمع کارگران ذوب آهن اسدآباد در مقابل استانداری همدان

چهارشنبه ۱۷ اسفند، تجمع تعدادی از بازنشستگان تحت پوشش تأمین اجتماعی مقابل وزارت کار

پنجشنبه ۱۸ اسفند، تجمع جمعی از مربیان پیش دبستانی شهرستان زنجان مقابل استانداری

یکشنبه ۲۱ اسفند، اعتصاب ۲۰۰۰ تن از کارگران فصلی کشت و صنعت نی بر شوشتر

دوشنبه ۲۲ اسفند، ادامه اعتصاب ۲۰۰۰ تن از کارگران فصلی کشت و صنعت نی بر شوشتر

چهارشنبه ۲۴ اسفند، اعتصاب کلیه کارگران و پرسنل شاغل در پروژه سد گاوشان کامیاران

چهارشنبه ۲۴ اسفند، تجمع تعدادی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز مقابل درب ورودی ساختمان استانداری خوزستان

چهارشنبه ۲۴ اسفند، تجمع بازنشستگان صندوق هواپیمایی هما مقابل ساختمان اداره مرکزی هما

چهارشنبه ۲۴ اسفند، اعتصاب غذای تعدادی از کارکنان نیروگاه رامین

شنبه ۲۷ اسفند، اعتصاب تعدادی از کارگران خدماتی بیمارستان بعثت سنج

دوشنبه ۲۷ اسفند، اعتصاب کارکنان چریکهای فدایی خلق ایران

جمعه ۲۵ فروردین ۱۳۹۱ - ۱۳ آوریل ۲۰۱۲

اخبار کارگران و مزدبگیران ایران را می توانید در آدرسهای زیر مطالعه کنید

http://www.iran-nabard.com/karegari_rouydad/index_karegari.htm

<http://www.jonge-khabar.com/>

حکومت باعث می شود تا رژیم هر از چندی با کشاندن دامن درگیری و بحران به خارج از مرزها، با هیاهو و جنجال خود را پیروز میدان نشان داده تا اندکی بر امواج برآمده از نارضایتیهای فایق آید؛ چیزی که هر چند شاید اندکی عمر رژیم ضد مردمی آخوندهای جانی را افزایش دهد، اما نمی تواند مشکلات اساسی آن را حل و کابوس ملامهای حاکم بر کشور را کاهش دهد.

مذاکرات اتمی در

بغداد از قبل محکوم

به شکست است

جعفر پویه

فراسوی خبر ... آدینه ۲۹ اردیبهشت روز چهارشنبه منابع خبری رژیم اعلام کردند، فردا سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره کننده ارشد رژیم در گفتگوهای اتمی، "مسایل مهمی" را با مردم در میان خواهد گذاشت. روز گذشته (پنج شنبه)، سعید جلیلی در "همایش ملی اقتصاد مقاومتی" در دانشگاه علم و صنعت طی یک سخنرانی به مقامهای غربی در مورد آنچه او "اشتباه محاسباتی" خواند، هشدار داد. جلیلی در این سخنرانی گفت: "امروز اگر ایران این پیشرفتها را در اختیار دارد و با عزت در گفتگوها شرکت کرده و از حقوق ملت ایران دفاع می کند، به خاطر این مقاومت بوده است و از حقوقش کوتاه نمی آید."

او درحالی به مقامهای غربی اعلام می کند که از برنامه ساخت بمب اتمی کوتاه نخواهد آمد که ماه گذشته دیپلماتهای ۵+۱ در مذاکرات انجام شده در استانبول، جهتگیری رژیم را "رضایت بخش" ارزیابی کرده بودند. به دلیل همین اعلام رضایت آنان بود که مقامهای رژیم یکصدا می خواستند که غرب قبل از مذاکرات بعدی که در بغداد برگزار می شود، تحریمها را لغو کند.

اما اکنون با توجه مذاکرات نمایندگان رژیم با آژانس بین المللی اتمی که هفته جاری در وین برگزار شد و بیشتر حول فعالیتهای مشکوک اتمی رژیم در پارچین و بازدید آژانس از آن گفتگو شد و توافقی در برنداشت، می توان گفت که پیشاپیش مذاکره در بغداد بیهوده و محکوم به شکست است، زیرا جلیلی روز گذشته اعلام کرد که "امروز مسیری که مردم برای پیشرفت انتخاب کردند، مسیر غیر قابل برگشت است."

با این حساب، جان کلام مذاکرات که بیشترین تحریمهای و قطعنامه های سازمان ملل را همراه داشته، همان غنی سازی بدون اطلاع آژانس و پنهانکاری و دروغگویی رژیم است که به گفته جلیلی "مسیر غیر قابل بازگشتی است."

فقط این سووال باقی می ماند، پس چرا رژیم این همه تلاش می کند تا غرب را به پای میز مذاکره بکشاند و بعد از مدتی برو و بیه، آنان را سنگ روی یخ کند؟

فشار تحریمهای گسترده از یک طرف و ورشکستگی اقتصادی و شکاف در راس حکومت باعث می شود تا رژیم هر از چندی با کشاندن دامن درگیری و بحران به خارج از مرزها، با هیاهو و جنجال خود را پیروز میدان نشان داده تا اندکی بر امواج برآمده از نارضایتیهای فایق آید؛ چیزی که هر چند شاید اندکی عمر رژیم ضد مردمی آخوندهای جانی را افزایش دهد، اما نمی تواند مشکلات اساسی آن را حل و کابوس ملامهای حاکم بر کشور را کاهش دهد.

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در اردیبهشت ۱۳۹۱

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

محدودیت‌های اعمال شده از سوی حکومت اسلامی ایران، در نزدیکی مرز حاج عمران شهرستان پیرانشهر دست به اعتصاب زدند.

* به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، حدود ۱۰۰ تن از معلولان روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت، به علت عدم شارژ کارت مربوط به پرداخت هزینه ایاب و ذهاب آنان، مقابل مجلس حضور یافته و اقدام به تحصن کردند.

* کارگران شرکت لوله سازی خوزستان در ادامه اعتراضات متوالی خود روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت، مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی آمیز تشکیل دادند. به نوشته مردمسالاری، تمام حرف این کارگران کار کرده و حقوق نگرفته، این است؛ اول: راه اندازی شرکت لوله سازی خوزستان دوم: تأیید بازنشتگی کارگران، سوم: پرداخت حقوق ۳۴ ماه عقب افتاده شان.

* به گزارش روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت سایت قانون، حدود ۲ هزار تن از کارگران نی‌ر شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر که از کار بیکار شدند دست به تجمع اعتراض زدند. این گزارش یادآور می شود، کارگران «نی‌ر» کشت و صنعت کارون شوشتر در اواخر فروردین ماه سال جاری نیز در اعتراض به عدم محاسبه سنوات بیمه ای و افزایش نیافتن دستمزد خود در سالهای گذشته، دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کرده بودند.

* به گزارش روز سه شنبه ۱۹ اردیبهشت کانون مدافعان حقوق کارگر، کارگران مجتمع های پتروشیمی ماهشهر به بخشی از خواسته های خود رسیده و کارفرما موافقت کرده که بخشی از خواسته های کارگران را به اجرا در آورد. مطابق این موافقت، کلیه کارکنان مجتمعهای پتروشیمی ماهشهر که بیش از ده سال سابقه کار دارند به صورت رسمی استخدام خواهند شد و از حالت قراردادی بیرون خواهند آمد و دست شرکت‌های پیمانکاری در این زمینه کوتاه خواهد شد.

* به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کارگران شرکت ساختمانی صلب استیل واقع در جاده کامیاران - سنجند روز بقیه در صفحه ۱۹

* کارگران شرکت یاسان اراک در روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، در محل این شرکت واقع در قطب صنعتی شماره یک اراک در اعتراض به عدم پرداخت حقوق بیکاریشان تجمع کردند.

* به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران کشتارگاه کشت و صنعت مهیاد به دلیل عدم افزایش حقوق از طرف کارفرما روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت دست به اعتصاب زده اند.

* روز شنبه ۱۶ اردیبهشت، کارگران نساجی مازندران با خانواده هایشان مقابل استانداری مازندران تجمع کردند. به گزارش مازندونمه، این تجمع که به طور پی در پی در حال برگزاری است و در سال جدید نیز چند بار در فرمانداری قائم شهر و جلوی استانداری مازندران برگزار شده است، به دلیل ۲۰ ماه حقوق و مطالبات انباشته شده جمعی از کارگران نساجی صورت می گیرد.



* به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۸۰۰ تن از پرسنل رسمی بیمارستان شهید لبلافی نژاد روز شنبه ۱۶ اردیبهشت، طی طوماری به مدیرعامل تأمین اجتماعی اعتراض خود را مبنی بر درج اخبار واگذاری این بیمارستان به دانشگاه شهید بهشتی اعلام نمودند.

* روز شنبه ۱۶ اردیبهشت، بازنشنگان کارخانه فولاد اصفهان مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان تاکنون نامه هایی برای پیگیری مشکلاتشان به کمیسیون تلفیق نوشته اند ولی این کمیسیون هیچ ترتیب اثری به نامه ها و گزارشات آنان نداده است.

* به گزارش گُردیا، جمعی از کولبران مناطق مرزی کردستان، روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت، در اعتراض به فشار و

خواسته این کارگران راه اندازی مجدد کارخانه لوله سازی است.

* به گزارش روز پنجشنبه ۷ اردیبهشت ایران کارگر، جمعی از کارگران شرکتهای اقماری شرکت ذوب آهن مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. کارگران شرکتهای آذر نسوز و مهندسی قائم سپاهان پس از پاسخ استاندار اصفهان و وعده وی برای رسیدگی به اعتراض آنها به تجمع خود پایان دادند.

* پس از تجمعهای بی نتیجه کارگران اخراجی شهاب خودرو در مقابل نهاد ریاست جمهوری و وزارت رفاه کار و تأمین اجتماعی، این کارگران در روز شنبه ۹ اردیبهشت برای دومین بار در خیابان آزادی مقابل وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی تجمع کردند.

* به گزارش ایلنا از مجموع ۶۵۰ کارگر شهاب خودرو که پس از پایان تعطیلات، با عدم تمدید قرارداد کاریشان اخراج شده بودند، در حدود ۲۰۰ نفر در این تجمع حضور داشتند.

* روز شنبه ۲ اردیبهشت، بیش از ۱۵۰ کارگر قراردادی نساجی مازندران در مقابل فرمانداری قائم شهر تجمع کرده و خواستار پاسخگویی وضعیت شغلی خود در مقابل بی توجهی کارفرما و مسئولان استان شدند. به گزارش ایلنا، این سومین بار در سال جاری است که کارگران قراردادی نساجی مازندران در مقابل فرمانداری شهرستان قائم شهر تجمع نمودند. این تجمع اعتراضی آمیز در حالی شکل گرفته که سوابق کاری کارگران در این کارخانه از دو تا ۱۶ سال است.

* کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان به سبب محقق نشدن وعده مسئولان برای حل مشکلات کارخانه روز یکشنبه ۳ اردیبهشت در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، کارخانه لوله سازی خوزستان، حدود ۴۰۰ کارگر رسمی و قراردادی دارد که قریب به پنج سال است با مشکلات این شرکت دست و پنجه نرم می کنند و حقوق آنها چندین ماه است که پرداخت نشده است.

* به گزارش ایران کارگر، روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، ۲۵۰۰ کارگر اخراجی در مقابل اداره کار شهرستان شاهین شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. یکی از فعالان کارگری در اصفهان گفت: هزار تن از این کارگران، اخراج شده شرکت «حایر»، تولید کننده لوازم برقی خانگی مانند تلویزیون، یخچال و... بوده و حدود ۱۵۰۰ تن از این کارگران اخراجی شرکتهای هستند.

* جمعی از کارکنان شرکت خدمات مهندسی خط و اینیبه فنی راه آهن (تراورس) در اعتراض به جابه جایی اجباری کارکنان به شرکتی خصوصی، روز دوشنبه ۴ اردیبهشت دست از کار کشیده و مقابل فرمانداری طبس تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس علت اصلی اعتراض و تجمع این کارکنان و کارگران که حدود ۶ تا ۸ سال سابقه کار در شرکت تراورس دارند، عدم تمدید قراردادهای کار، انتقال و جابه جایی اجباری حدود ۲۲۰ تن از کارکنان و کارگران شرکت نیمه دولتی تراورس به شرکت خصوصی فراسازان راه و ساختمان سمنان از ابتدای اردیبهشت امسال است.

* کارگران لوله سازی خوزستان روز دوشنبه ۴ اردیبهشت در مقابل استانداری خوزستان اجتماع کردند. به گزارش ایلنا

سیاستی که زندگی پرستاران را تباه می کند

شهره صابری

«استثمار جسم دولت بورژوازی است و استبداد روح آن» (باکونین)

به اجرا در نیامده است اجرای قانون ارتقاء بهره وری یا کاهش ساعات کار در مورد پرستاران باعث می شود که با استخدام ۲۳ هزار نیروی جدید جبران کمبود نیروی کار صورت نگیرد، اما بیمارستانها هیچ اقدامی در این مورد که باعث افزایش بهره وری و سلامت جسمی و روانی پرستاران می شود انجام نداده اند. او می گوید، هیچ متولی برای رسیدگی به پرستاران بخش خصوصی وجود ندارد. در نیمه ی دوم سال گذشته هم ۳۵ درصد حقوق کارکنان در حوزه ی وزارت بهداشت در حوزه ی سلامت افزایش یافت. اما این افزایش حقوق در بخش خصوصی انجام نشده و اختلاف فاحشی بین در آمد پرستاران بخش خصوصی و بخش دولتی به وجود آمده است و حالا پرستاران بخش خصوصی یک سوم پرستاران بخش دولتی حقوق می گیرند.

مسعود نیازی تاکید می کند که، به هیچ وجه وضعیت پرستاران بخش خصوصی از پرستاران بخش دولتی بهتر نیست و در ضمن آنها نمی توانند کارشان را ترک کنند زیرا سن برای استخدام زیاد شده و در گیر مشکلات معیشت هستند و قادر به ترک کارشان نیستند. همچنین پرستاران بخش خصوصی اغلب به طور پیمانی و قرار دادی کار می کنند و نسبت به توانایی کسب درآمد و اداره ی اوضاع معیشتی خود اطمینان ندارند. ۱۰ سال قبل وضع بخش خصوصی بهتر از بخش دولتی بود و به تدریج درآمد بخش دولتی افزایش پیدا کرد و بخش خصوصی با بحران کمبود نیرو مواجه شد و امروز فارغ التحصیلان بیشتر ترجیح می دهند در بخش دولتی کار کنند تا بخش خصوصی، به علاوه پرستاران به دلیل کمبود نیرو در بیمارستانها و مراکز بهداشتی چند شغله هستند و این از کیفیت کار پرستاران کاسته و به آنها صدمه وارد می کند.

همان طور که در ابتدا نوشتیم، مدافعان استراتژی اقتصاد رقابتی مدعی هستند که راه را برای رقابت، شکوفایی استعدادها و تحرک جامعه باز کرده اند. اما در سیستم عقب مانده ی سرمایه داری ایران علیرغم رنگ و لعابها و دروغ پردازیهای اقتصاد دانان مدافع حکومت، این سیستم دستاوردی برای زحمتکشان و مزد بگیران غیر از بهره کشی شدید تر از قبل، آسیبهای روحی و جسمی، تنگدستی مضاعف و در نهایت از خود بیگانگی و کار مضاعف برای رشد انگلوار سرمایه داران در بر نداشته است. بهره کشی مضاعف در رشد سرمایه داری در انباشت سود و حجیم شدن طبقه ی سرمایه دار بسیار دارای اهمیت است و وعده های پوشالی بورژوازی وابسته به حکومت و عدم وجود متولی برای نظارت بر عملکرد بخش خصوصی از سیاستهای طبقه ایست که منافعیشان با به کار بستن این سیاستها تامین می شود.

اعتراض خود را به گوش مسئولان برسانند.

برخی از مهمترین

حرکتهای اعتراضی

کارگران و مزدبگیران در

اردیبهشت ۱۳۹۱

بقیه از صفحه ۱۸

پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت در پی عدم پرداخت ۴ ماه حقوق از طرف شرکت مذکور دست از کار کشیدند.

*کارگران کارخانه پارس سرام در اعتراض به قطع اضافه کاری و سایر مزایای جانبی در روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت، در داخل کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، ۱۷ روز است ۴۵۰ تن از کارگران کارخانه پارس سرام فرچک در اعتراض به قطع اضافه کاری شان دست از کار کشیده اند و در طول این مدت با تجمع در داخل کارخانه خواستار محاسبه اضافه کاری خود هستند.

*تعدادی از اعضای تعاونی مسکن اداره برق تهران روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت، برای پیگیری مطالباتشان مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، تجمع کنندگان خواستار واگذاری زمینهایشان که قرار بود در هشتگرد به آنها داده شود، بودند. این چهارمین تجمع اعتراضی اعضای تعاونی مسکن اداره برق تهران است.

*به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر کیوسک داران تبریز در اعتراض به عملکرد سازمان میادین شهری شهرداری تبریز، روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت، دست به اعتصاب زده و با بستن کیوسکهای روزنامه فروشی از فروختن روزنامه های سراسری و محلی خودداری کردند و در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری تبریز در میدان ساعت تجمع کردند.

چند خبر از برگزاری اول ماه مه

مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت توسط تعدادی از کارگران و فعالان کارگری در اطراف شهرستان پاوه برگزار شد.

مراسم روز کارگر، اول ماه مه، در اطراف شهر کامیاران در روز جمعه ۸ اردیبهشت، با حضور فعالان کارگری، اعضای کمیته هماهنگی و خانواده های آنان برگزار گردید.

به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، کارگران شوستر به دلیل عدم صدور مجوز راهپیمایی برای روز کارگر، مجبور شدند تا با برگزاری تجمعی در خانه کارگر شوستر صدای

با فراخوان کمیته برگزار کننده روز جهانی کارگر ۲۰۱۲ سندج، روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت(اول ماه مه) کارگران در شهر سندج دست به تجمع زدند. این تجمع با حضور ماموران امنیتی و نیروهای انتظامی و لباس شخصی به تشنج کشیده شد. ماموران نیروی انتظامی و لباس شخصی با گاز فلفل و باتوم به تجمع کنندگان حمله کردند.

مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر از سوی تعدادی از کارگران ساختمانی در روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت، در شهر تهران منطقه لواسان برگزار شد. روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت، زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج مراسمی را به منظور بزرگداشت روز جهانی کارگر در سالن دوازده برپا کردند.

مراسم روز جهانی کارگر در شهر سقز در روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت برگزار شد. تعدادی از فعالان کارگری این شهر مراسم را در میدان کارگران ساختمانی واقع در وسط شهر سقز در خیابان فخررازی مشهور به رودخانه ولی خان که در بازار اصلی شهر می باشد برگزار کردند.

در پی تصمیم و برنامه ریزی گروههای کوهنوردی کارگران استان تهران در ۱۵ اسفند سال گذشته برای انجام شش برنامه مشترک در سال ۱۳۹۱، این گروهها برنامه گلگشت خود را به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در روز جمعه ۱۵ اردیبهشت در منطقه برغان شهر کرج برگزار کردند. در این گلگشت حدود دویست تن از کارگران کارخانه های ایران تایر، سایپا، ایران خودرو دیزل، پارس خودرو، صنایع نیروگاهی و شرکت مپنا همراه خانواده هایشان حضور داشتند.

روز جمعه ۸ اردیبهشت، به مناسبت روز جهانی کارگر مراسمی با حضور بیش از یک صد تن از کارگران، فعالان کارگری و خانواده های آنان و همچنین اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، در یکی از مناطق کیلان برگزار گردید.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

رویدادهای هنر اردیبهشت ماه

بقیه از صفحه ۲۰

عباس بختیاری نماینده کمیته دفاع از سینماگران ایران در فرانسه و سخنران اصلی دهمین جشنواره جهانی سازمان عفو بین الملل در نخستین روز و پیش از نمایش فیلم "این فیلم نیست"، ساخته دو کارگردان برجسته ایرانی، جعفر پناهی و مجتبی میرتھماسب با ارایه گزارش کاملی در ارتباط با سرکوب سینماگران به ویژه در دو سال گذشته از نهادهای مدافع حقوق بشر، هم صنفان و سینماگران سایر کشورها که در سالن اصلی جشنواره حضور داشتند، خواستار محکومیت حکومت ایران و حمایت از خانواده سینما در ایران شد.

سازمان عفو بین الملل نیز به حمایت از سینماگران، تومارهایی جهت امضا در اختیار تماشاگران قرار داده بود.

آقای بختیاری در دومین روز جشنواره در کنفرانس مطبوعاتی با ارایه گزارش مفصلی از وضعیت دردناک زنان در سینمای ایران، خواستار محکومیت مسوولان سینمایی ایران در مجامع بین المللی شد.

در پایان کنفرانس مطبوعاتی آقای "ارتور مورنو"، رییس فستیوال، تماشاگران به پاس مقاومت زنان سینمای ایران دقایقی برای هنرمندان ایرانی دست زدند.

سومین روز این جشنواره نیز به عملکرد سرکوبگرانه دولت ایران در سه دهه گذشته در برخورد با هنرمندان ایرانی در دیگر حوزه های هنری و هم چنین سرکوب و کشتار نویسندگان در سه دهه گذشته اختصاص یافت.

جشنواره بین المللی سینمای

تبعید و نمایش فیلم سینمایی "نمک زمین"

جشنواره بین المللی سینمای تبعید در سوئد در گرامیداشت اول ماه مه (روز کارگر) و در همبستگی بین المللی با کارگران جهان، اقدام به نمایش فیلم "نمک زمین" ساخته "هربرت بیرمن"، یکی از شاهکارهای کارگری تاریخ سینما کرد.

فیلم سینمایی "نمک زمین"، درامی تصویری درباره اعتصاب کارگران مکزیک معدن در آمریکا برای احقاق حقوق خود است. این فیلم اثری به یادماندنی درباره نگرش مردسالارانه کارگران مرد به زنان کارگر و نیز تبعیض جنسیتی نسبت به آنها در مشارکت در سازماندهی مبارزه و اعتصاب است. همزمان این فیلم به مبارزه زنان علیه فرودستی در مبارزه طبقاتی و دستیابی به برابری سیاسی-اجتماعی و برابری در کار خانگی و

برابری در روابط جنسی می پردازد؛ فیلمی که در زمان ساخت آن -در آغاز دهه پنجاه میلادی- پیشگام طرح اندیشه های بالنده جنبش رهایی زنان در سطح توده ای شد.

فیلم "نمک زمین"، محصول همکاری هنرمندان مترقی هالیوود با اتحادیه کارگران ذوب فلزات و اتحادیه زنان پیشرو آمریکا است.

کارتلها و سرمایه داران آمریکا همراه با دستگاه نظارت و سانسور دولت از پخش این فیلم جلوگیری کردند و در سوی دیگر، صاحبان معادن، کارگران شرکت کننده در فیلم را از کاراخراج کردند. افزون براین، گروه سازنده فیلم، به ویژه کارگردان آن، "هربرت بیرمن"، نه تنها از کار کردن در پهنه سینما ممنوع شدند و در لیست سیاه قرار گرفتند، بلکه به جرم داشتن عقاید چپ و رادیکال تحت پیگرد پلیس امنیتی آمریکا قرار گرفته و در کمیسیون تفتیش عقاید "مک کارتی" به محاکمه کشیده شدند.

موسیقی

ارتجاع حاکم و محافل وابسته به آن، ترانه ای انتقادی شاهین نجفی، خواننده ی رب ساکن آلمان، را مصداق "ارتداد" خواندند. منابع گوناگون حکومت، فتوای آیت الله صافی گلپایگانی که برای "جسارت کنندگان به امام نقی" حکم "ارتداد" صادر کرده است را منتشر کردند. شاهین نجفی، خواننده ترانه رب "نقی" در گفتگویی در این باره با "دویچه وله" می گوید: "موضوعاتی که ما به آن می پرداختیم، مسایل روز ایران، یعنی، مسایل اجتماعی، مسایل سیاسی، فقر، اعتیاد، زن ستیزی، اشاره به حقوق زنان، و در نهایت حقوق انسانی هر انسان و... بوده. در واقع، آن چه در ایران دارد اتفاق می افتد."



را توضیح دهم، ولی مطمئناً تدابیری در نظر گرفته ایم. به هرحال ما در کشوری هستیم که از این جهت خلیه سیستماتیک است. ما به کسانی که باید، گفتیم و آنها که باید، در جریان قرار گرفتند."

"دورن دورن" در هایدپارک لندن

به مناسبت آغاز مراسم جهانی المپیک در هاید پارک، لندن، روز ۲۷ جولای همزمان با مراسم افتتاحیه، کنسرتی برگزار می شود. در این کنسرت، "دورن دورن"، گروه پاپ انگلیسی، "اسنو پاترول" از ایرلند شمالی، "استریو فونیکس" از ولز و "پائولو ناتینی" از اسکاتلند برنامه اجرا می کنند. "دورن دورن"، یک گروه انگلیسی پاپ دهه ۸۰ میلادی است که در همان دوران در ایران نیاز میان جوانان طرفداران زیادی داشت. این گروه که از سال ۱۹۷۸ آغاز به کار کرد و در دهه ۱۹۸۰ میلادی به اوج خود رسید، کنسرت فوق را یکی از برجسته ترین فعالیتهای دهه اخیر خود می داند.

موسیقی یکی از فیلمهای جیمز باند به نام A view to kill با همکاری این گروه موسیقی ساخته شده است.

کتاب

"سکولار نیستیم که ممیزی نداشته باشیم"

در پی اعتراض ناشران و نویسندگان، به سانسور، سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسایل مطرح شده درباره مشکلات ممیزی کتاب را "فضای سازی برخی از افراد" عنوان کرد و گفت: "شرکت نکردن یک ناشر خاص در نمایشگاه، مساله اصلی حوزه کتاب نیست." وی افزود: "ما یک کشور سکولار نیستیم که ممیزی نداشته باشیم."

"نمایشگاه مضحکه جمهوری اسلامی"

بیست و پنجمین دوره "نمایشگاه کتاب" تهران، در ماه اردیبهشت در حالی برگزار شد که از حضور چند ناشر از جمله "نشر چشمه" جلوگیری به عمل آمد، غرضه آثار آیت الله بهشتی، برای سومین سال بیای، در نمایشگاه غایب بود و بر اساس گزارشها، غرضه سه ناشر خارج، و شش غرضه ایرانی از جمله "دفتر شعر جوان" به دلیل تخلفاتی نظیر فروش یوستر، در طول برگزاری نمایشگاه، یلمب شد. همچنین بیش از ۱۶۰ نویسنده، شاعر، مترجم و روزنامه نگار در نامه ای سرگشاده به محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به "وضعیت نشر" و "افت تیراژ کتاب" در ایران اعتراض کرده و خواهان برطرف کردن تعلیق فعالیت چند ناشر و فراهم آوردن

امکان حضور همه ناشران، در نمایشگاه کتاب امسال شده بودند.

در نخستین روزهای برگزاری نمایشگاه، ۱۲۰ عنوان کتاب در بخش ناشران خارج، جمع آوری شده بود.

بیشتر، بهمن دری، معاون امور فرهنگی، وزیر ارشاد و رییس نمایشگاه کتاب تهران، گفته بود، با غرضه هایی که "دارای کتابهای مبلغ وهابیت، تعرض به مذهب شیعه، و کتابهای حاوی نقشه جعلی خلیج فارس" باشند، برخورد می شود. محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز ادعا کرد که حضور ۷۷ کشور در نمایشگاه کتاب نشان دهنده بی ثمر بودن تحریمها است و این که "آنها نمی توانند اشاعه انقلاب اسلامی را در دنیا متوقف کنند."

در روزهای برگزاری این نمایشگاه مضحک، داربستهای بخش شمالی، گنبد و مناره های مصلاای تهران که نمایشگاه در محل آن، برگزار می شد، فروریخت.

نقاشی

عفو بین الملل حکم

کاریکاتوریست ایرانی را محکوم کرد



محمود شکراییه، کاریکاتوریست نشریه "نامه امیر" به خاطر ترسیم کاریکاتور احمد لطفی آشتیانی، نماینده اصولگرایی مجلس، هشتم از اراک، به تحمل ۲۵ ضربه شلاق محکوم شده است.

سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای این حکم را نمونه دیگری از "حمله به رحمانه" مقامات حکومت ایران، به آزادی بیان عنوان کرده و از آنها خواسته است، "به جای محکوم کردن افراد بیشتری به مجازات شلاق، این حکم را از قوانین خود حذف کنند."

در همین زمینه، سازمان "گزارشگران بدون مرز" افزایش فشار و سرکوب خبرنگاران، در ایران را محکوم کرد.

برخی از سایتهای خبری ایران نیز به صورت مشترک به صدور حکم شلاق آقای شکراییه اعتراض کرده و خواستار تجدید نظر در آن شدند.

همچنین، مانا نیستانی، کاریکاتوریست مطرح ایرانی، همکارانش را دعوت کرد که برای اعلام همبستگی با محمود شکراییه، کاریکاتور احمد لطفی آشتیانی را به تصویر بکشند. کاریکاتوریستهای ایرانی در سرتاسر جهان با کشیدن کاریکاتورهایی از نماینده اراک، به حمایت از محمود شکراییه پرداختند.

سایت اصولگرایی "عصر ایران" در گزارشی با عنوان "در اراک چه خبر است؟" یرسیده: "واقعا بر چه مبنایی،

بقیه در صفحه ۲۲

عفو ملوکانه یک مُتهم به فساد مالی؛ دستهایی که یکدیگر را می شویند

منصور امان

بقیه از صفحه ۲۱

پولین شوشانی، آرمینه هاوان، درو آرزویان، صادق عارف و فرید سجادی را به نمایش گذاشت.

"درو آرزویان"، طراح، نقاش و مجسمه سازی که با نام "دارزو" شناخته می شود، تازه ترین سری از آثار نقاشی خود که آمیزه ای از رنگ و روغن و اکریلیک روی بوم است را با عنوان "زن تنها" در کنار یک تندیس سنگی و یک نگاره سیمی به نمایش گذاشته است.

وی در مورد سری کارهای "زن تنها" می گوید: "علیرغم رنگهای شفاف مثل قرمز و زرد در این نقاشیها، هدفم نمایش اندوه و تنهایی بوده، یعنی خواسته ام در مورد زندگی صحبت کرده باشم و این که چگونه با وجود وقایع گوناگون و رنگارنگی که در اطراف ما جریان دارد، همه ما تنها هستیم و این زندهای تنها، نمادی از تنهایی انسانها هستند."

شعر

آدرین ریچ، شاعر جنبش فمینیستی

جنبش رهاییبخش زنان یکی از قدرتمندترین و پایدارترین صداهای خود، "آدرین ریچ" را از دست داد. وی شهرت خود را به عنوان شاعری که به جنبش فمینیستی بیانی ادبی داد، به دست آورد. وی همچنین یک تیوری پرداز سیاسی، رادیکال در سراسر زندگی بود. او زندگی و هنرش را به مبارزه برای عدالت اجتماعی و فعالیت ضد جنگ، استثمار و همه اشکال نابرابری اختصاص داده بود.

او بیش از ۳۰ جلد شعر و نثر که در ۶ دهه نوشته را از خود به یادگار گذاشته است. "کارآدرین ریچ" یکی از به یادماندنی ترین و مهمترین نویسنده چپ آمریکایی بود که در بیش از نیم قرن، فعالان از او الهام می گرفتند. او میراثی غنی از خود به جای گذاشته است که الهام بخش نسلهای آینده نیز خواهد بود.



دادگاهی به خود اجازه چنین مجازاتی داده است؟"

نقاشیهایی از چشم انداز روح

نمایشگاهی به نام "عریان، بازتابی در چشم انداز روح" در "گالری مارکت استریت" در شهر ساحلی "ونیس" در حومه لس آنجلس به مدت سه هفته در اواخر ماه آوریل آثار نقاشی هنرمند ایرانی، "فرید کیا"، ساکن لوس آنجلس را به نمایش گذاشت.



این آثار نقاشی که در ابعادی عظیم بر دیوارهای "گالری" آویخته شده، در نگاه اول خوف آور و ترسناک به نظر می رسد، اما نقاش از طریق هنر چهره نگاری (پرتره) توانسته است جلوه هایی از روح و روان انسانها را با استفاده از رنگ، اشکال و خطوط مورب، منحنی و تو در تو به تصویر بکشد و با نمایاندن سیما و حرکات ویژه چهره افراد بر روی بوم، تماشاگر را به درون احساسات بشری هدایت کند.

فرید کیا می گوید: "در این سری تازه از کارهایم می خواستم فقط یک حس خاص را در هر یک از این موضوعها نشان دهم." نکته جالب، تضاد غربی است که بین نقاشیهای روحی، روانی فرید کیا "و محیط اطراف آن یا جامعه سرد و بی احساس شهر لس آنجلس وجود دارد؛ شاید این نقاشیها به ما نشان می دهد که چگونه هر روز نسبت به دردها و رنجهای دیگران بی تفاوت تر می شویم."

امیدها و رویاها' نمایشگاه نقاشان ایرانی در هالیوود

گالری "پالی نورا" با برپایی یک نمایشگاه سیار از آثار گروهی از نقاشان ایرانی ساکن لس آنجلس، نخستین نمایش خود را با عنوان "امیدها و رویاها" روز یکشنبه ۶ مه از شهر هالیوود آغاز کرد.

این نمایشگاه برای یک شب نمونه هایی از آثار شش نقاش و مجسمه ساز ایرانی، نورا گبای،

شُرکا تلاش می کردند، این سبب گنبدیده را در بُشقاب آیت الله شاهرودی جا سازی کنند، گماشته های سرکش وی تاکید می کردند که آیت الله شاهرودی به اشاره خود او آقای ملک زاده را جاه و مقام بخشیده است.

با این وجود، دُشواری کار "مقام مُعظم" در ماستمالی مساله فقط مانور حریفان اش روی آن نبود، آقای شاهرودی نیز که به تازگی با مقام ریاست شواری حل اختلاف "قوا" زینت یافته، علاقه زیادی به قدرشناسی از طریق کشیدن این بار به تنهایی نداشت. او از صُدر حکم برای آقای ملک زاده به وسیله افکندن توپ به زمین قوه قضاییه دفاع کرد. یک مسوول دفتر وی توضیح داد: "آیت الله شاهرودی خبر دارند که پرونده ملک زاده به انجام رسیده و تقریباً دیگر اتهامی مُتوجه وی نیست."

آیت الله لاریجانی نیز به نوبه خود این دسته گل بویناک را به آدرس "رهبر" باز پُست کرد و نخست خود با ایما و اشاره و بعد تر به صراحت از زبان کارمند اش، آقای دولت آبادی، دادستان تهران تاکید کرد: "ملک زاده مورد رافت اسلامی و عفو مقام معظم رهبری قرار گرفت."

پاسکاری پادو های آیت الله خامنه ای با وی، تابلو راهنمایی است که سرچشمه فساد دولتی در جمهوری اسلامی را نشان می دهد. تنها "مصلحتی" که آقای خامنه ای در "عفو" آقای ملک زاده می تواند داشته باشد، منافع مُشترک و نامشروعی است که با وی دارد. پرونده مزبور، یک مثال زنده از حرص و انرزی تبهکارانه ی "رهبر" در دفاع از این منافع را ارایه کرده است.

فراسوی خبر... ۱۹ اردیبهشت با افشای دستور آیت الله خامنه ای به قوه قضاییه برای بایگانی پرونده فساد مالی یک مسوول ارشد دولتی، علت موضعگیری تند و غیرمُنظره وی در ۱۰ اردیبهشت علیه فساد و "دزدی" آشکار شده است.

رهبر جمهوری اسلامی که بی درنگ پس از پرده بیرون افتادن دزدی سه میلیارد دلاری زیردستان و دست نشانگان اش سرآسیمه خواستار "کش ندادن به موضوع" و جارو کردن آن زبر فرش شده بود، روز ۱۰ اردیبهشت ناگهان در نقش پهلوان ضد فساد بر صحنه پدیدار گردید و خواهان "مواجهه با دزدی از کیسه ملت" شد و مُرتکبین را نیز "خاین" نامید.

یک روز بعد، با سُخنایی که آیت الله ها شاهرودی و لاریجانی ناچار به گفتن شدند، روشن گردید که آقای خامنه ای در گرد و خاک لفظی که به پا کرد، قصد پنهان کردن چه موضوعی را داشت.

ابتدا دفتر آیت الله شاهرودی انتصاب آقای مُحمد شریف ملک زاده، یکی از اعضای بُلندپایه دولت نظامی - امنیتی و مُتهم به فساد مالی را در پُست "مُشاور اجرایی" تأیید کرد. همزمان، رییس قوه قضاییه نیز خبر داد که آقای ملک زاده "به دلیل مصلحتی مورد رافت نظام" و "عفو از تعقیب" قرار گرفته است.

با توجُّه به اتهامات سنگینی که رُقبای فراکسیون نظامی - امنیتی دولت مُتوجه آقای ملک زاده و از این رهگذر، "جریان انحرافی" کرده بودند، پاتک گرایش مزبور پس از عقب نشینی حریفان غیرمُنظره نمی توانست باشد. در حالی که آقای خامنه ای و

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی
مقاومت ایرانیونانی: تا خروج از
لیست آمریکا، انتقال
ساکنان لیبرتی به کشور
ثالث عملی نیست

مقاومت ایران از ملل متحد می‌خواهد لیبرتی را کمپ پناهندگی اعلام کند و کمیساریای عالی پناهندگان مسئولیت آن را به عهده بگیرد. عراق از انتقال اموال گروه پنجم و خودروهای خدماتی و بنگالها و خودروهای ویژه معلولان خوداری می‌کند.

روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت (۱۶مه)، فرمانده عراقی مسئول انتقال ساکنان اشرف به لیبرتی و نماینده دولت عراق، در حضور نمایندگان یونانی، بار دیگر به نمایندگان اشرف تأکید کرد حاضر به انتقال سه خودرو و شش بنگال ویژه بیماران پاراپولوزی، شش تانکر آب و فاضلاب و سوخت متعلق به گروه پنجم، و دیگر اموال متعلق به این گروه، به غیر از مواد غذایی، به کمپ لیبرتی نیست. او گفت مواد غذایی نیز باید خارج از کانتینرها و در کف تریلرها ریخته شود. نمایندگان یونانی گفتند از این پس دولت عراق اجازه نمی‌دهد ساکنان اموال خود را با کانتینرهای خودشان جابه‌جا کنند و هیچ کانتینتری حق خروج از اشرف را ندارد.

قبل از انتقال گروه پنجم، مقامهای عراقی با انتقال شش تانکر موافقت کرده بودند و در یک اقدام راهزانه، آنها را از میان راه لیبرتی برگرداندند. فرمانده عراقی همچنین در حضور نمایندگان یونانی قول داده بود بلافاصله پس از انتقال گروه پنجم ۲۵ تریلی در روز ۱۸ اردیبهشت (۷ مه) به اشرف باز خواهند گشت که بقیه اموال این گروه را به لیبرتی منتقل کنند.

نماینده دولت عراق همچنین از برگرداندن دو کانتینر اجناس مانند وسایل برقی و الکترونیکی، کامپیوتر، چاپگر، ماشین کپی، آمپلی فایر، بشقابهای ماهواره و به داخل اشرف مخالفت کرد. این دو کانتینر از سه هفته پیش برای انتقال به لیبرتی به محل بارگیری منتقل شده است، اما نیروهای عراقی از انتقال آنها سر باز زده اند. برخی از اقلام در دمای بیش از ۴۰ درجه خراب شده‌اند و برخی دیگر به سرعت رفته‌اند.

فرمانده عراقی در پاسخ به اعتراض ساکنان در مورد بازگرداندن تجار عراقی از ورودی اشرف گفت هیچکس برای خرید اموال نمی‌تواند وارد اشرف شود مگر موافقت فرمانده کل قوا را از دفتر نخست وزیر به‌طور مکتوب داشته باشد و هنوز هیچ توافقی در کمیته نخست وزیری در مورد فروش اموال صورت نگرفته است.

در رابطه با ایستگاه ژنراتورهای متعلق به ساکنان که بیش از یک ماه است ساکنان

از ورود به آن منع می‌شوند، نماینده دولت عراق گفت اگرچه شما مدارک مربوط به مالکیت این محل و ژنراتورها را در اختیار دارید ولی اداره برق دیالی می‌گوید این ایستگاه متعلق به آن است. بنابراین شما نمی‌توانید از این ایستگاه استفاده کنید. این در حالیست که با توجه به شروع فصل گرما، ساکنان به شدت نیازمند روشن کردن ژنراتورها برای راه اندازی دستگاههای خنک کننده هستند.

در حالیکه بیش از یک سال است سوخت وارد اشرف نشده، نماینده دولت عراق درخواست ساکنان برای ورود سوخت برای راه اندازی ژنراتورهای انبارهای غذایی و محلهای مجروحان و بیماران را رد کرد و گفت اشرف نیازی به سوخت ندارد.

متأسفانه نمایندگان یونانی چشم خود را بر روی تمامی اقدامهای غیرقانونی و ضد انسانی دولت عراق که به‌وضوح نقض نامه های مورخ ۷ دیماه ۱۳۹۰ (۲۸ دسامبر ۲۰۱۱)، ۲۶ بهمن ۱۳۹۰ (۱۵ فوریه ۲۰۱۲)، ۲۶ اسفند ۱۳۹۰ (۱۶ مارس ۲۰۱۲) و ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱ (۲۱ آوریل ۲۰۱۲) نماینده ویژه و مفاد یادداشت تفاهم دولت عراق و سازمان ملل متحد است، بسته بودند و هیچ اعتراضی به این رفتار نکردند. این هیات در حالیکه تأکید می‌کرد تا وقتی نام سازمان مجاهدین خلق در لیست سازمانهای تروریستی است هیچ کشوری حاضر به بازاسکان ساکنان لیبرتی نیست، می‌خواست در مورد حرکت گروه ششم با ساکنان گفتگو کند. اما نمایندگان ساکنان گفتند تا توافقات مربوط به انتقال گروه پنجم به‌طور کامل انجام نشود حاضر به گفتگو حول انتقال گروه ششم نیستند.

در یک تحول دیگر، صادق محمد کاظم، نماینده دولت عراق در لیبرتی، که به خاطر شرکت در قتل عام ساکنان اشرف در مرداد ۸۸ (ژوئیه ۲۰۰۹) و فروردین ۹۰ (آوریل ۲۰۱۱) از جانب دادگاه اسپانیا احضار شده است به نمایندگان یونانی گفته است اجازه نخواهد داد حتی یک متر از توریهای که ساکنان از دو ماه پیش برای درست کردن سایبان خریده‌اند، وارد کمپ شود.

با توجه به اینکه هم اکنون چهارمین ماه حضور مجاهدین در کمپ لیبرتی سپری می‌شود و در حالیکه ابتدایی ترین استانداردهای به‌رسمیت شناخته شده انساندوستانه و حقوق بشری در این کمپ وجود ندارد و با توجه به اینکه هیچ چشم‌انداز نزدیکی برای انتقال ساکنان به کشورهای ثالث وجود ندارد، مقاومت ایران از ملل متحد می‌خواهد کمپ لیبرتی را به عنوان کمپ پناهندگی اعلام کند و کمیساریای عالی پناهندگان مسئولیت آن را به عهده بگیرد و به دولت عراق اجازه ندهد تحت عنوان محل موقت ترانزیت، به‌درخواست رژیم ایران محدودیتهای ضد انسانی و سرکوبگرانه را علیه ساکنان به اجرا در آورد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت
ایران
۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۱ (۱۷مه ۲۰۱۲)بیانیه نماینده ساکنان
اشرف

در جلسه دادگاه استیناف فدرال ایالات متحده آمریکا در واشینگتن دی سی که روز ۸ مه ۲۰۱۲ برای رسیدگی فوری (مندیمس) به دادخواست سازمان مجاهدین خلق ایران راجع به عدم تصمیم‌گیری وزارتخارجیه درخصوص لیست گذاری مجاهدین تشکیل شد، وکیل دولت اظهار داشت آمریکا امکان بازرسی کمپ اشرف را نداشته است. وی مدعی شد ارتش آمریکا اجازه پیدا نکرده تا خلع سلاح کامل ساکنان اشرف را تأیید کند.

با ابراز تاسف از این اظهارات غیر دقیق وکیل دولت، خاطر نشان می‌کنم که فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده (ستکام) در ماه مه ۲۰۰۳ رسماً اعلام کرد سازمان مجاهدین خلق ایران همه سلاحهای خود را به ارتش آمریکا تحویل داده است.

متقابلاً ژنرال ریموند اودیرو در یک کنفرانس ویدئویی از بغداد در تاریخ ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳ اعلام کرد که سازمان مجاهدین خلق ایران «کاملاً خلع سلاح شده و ما همه سلاحهای کوچک و وسایل سنگین را تحویل گرفته ایم» هم چنین افسران آمریکایی که در اشرف خدمت کرده‌اند، بارها و بارها تأیید کرده‌اند که آنها به تمامی نقاط اشرف دسترسی داشته‌اند.

اکنون ساکنان اشرف از وزارتخارجیه و ارتش آمریکا می‌خواهند که بلادرنگ و در هر ساعت شبانه روز با تجهیزات کامل و کافی به اشرف بیایند و همه جای آن را مجدداً بازرسی کنند.

اگر این تقاضا پذیرفته نشود، به وضوح نشان می‌دهد که اظهارات وکیل وزارت خارجیه در داگاه، یک بهانه جویی بی ارزش بیش نیست که همزمان با مذاکرات اتمی با رژیم آخوندی، هدفی جز استمالت از رژیم آخوندها و تلاش عبث برای امداد رسانی به این رژیم - به زیان صلح و آزادی و امنیت منطقه و مردم ایران- ندارد.

ساکنان اشرف ابراز آمادگی می‌کنند که با هزینه خودشان، امکانات رفاهی و استقرار نیروهای آمریکایی در اشرف را به هر تعداد که باشند در طول مدت بازرسی تأمین کنند.

امیدوارم وزارت خارجیه به فوریت اظهارات غلط وکیل خود را تصحیح کند، یا این که دعوت ما را برای بازرسی فوری از اشرف بپذیرد و اجازه ندهد این اظهارات توسط رژیم آخوندی یا نیروهای عراقی، برای ارتکاب جنایت علیه بشریت و رفتار ضد انسانی علیه ساکنان اشرف، مورد بهره برداری قرار گیرد.

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱ (۹ می ۲۰۱۲)

با احترام
مهدی براعی

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای

فدایی

خلق ایران

سردبیر: زینت میرهائمی

هیات دبیران: منصور امان،

جعفر پویه، لیلا جدیدی، زینت

میرهائمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی،

منصور امان، زینت میرهائمی،

آناهیتا اردوان، جعفر پویه،

مهدی سامح

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان‌کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب‌نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می‌دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی‌کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می‌شود، بیان‌کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان‌کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو
اروپا معادل ۲۴ یورو
آمریکا و کانادا ۳۶

یورو استرالیا ۴۰ یورو
تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین‌المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه

جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار

رویدادهای روز ایران و جهان،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (راديو)

پیشگام

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 323 21 May. 2012 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

شهدای فدایی خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوری - امیر پرویز پویان - نادر شایگان شام اسبی - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - حبیب برداران خسروشاهی - مریم شاهی - خسرو تره گل - حسین سلاخی - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موچالی - رفعت معماران بناب - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - اسماعیل هادیان - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمدرضا محمدیان باباعلی (کاک رشید) - حمید امیر میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر ویسی - جعفر قنبرنژاد - مهنوش آذریون - شاپور جلیلی - جواد باقری، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

بر اساس داده های آماری، یارانه های نقدی که به خانوارها داده می شود توانایی جبران افزایش قیمتها را ندارد. در حالی بهای مواد خوراکی و کالاهای حاملهای انرژی با شتاب بالا می رود که میزان پرداختی یارانه ها و حتا تداوم آن هیچ چشم اندازی ندارد. وضعیت بحران اقتصادی و دزدی باندهای حکومتی به ناپایداری یارانه های نقدی کمک می کند. بر همین منظر طرح هدفمندی یارانه ها به افزوده شدن ثروت عده ای محدود و فقیرتر شدن جمعیت کثیری از مردم منتهی می شود. شکاف طبقاتی به سود طبقه حاکمه و رانت خوران افزایش خواهد یافت.

سرنوشت یارانه های حذف شده

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... آدینه اول اردیبهشت بعد از گذشت یک سال و چند ماه از اجرائی شدن حذف یارانه ها با نام هدفمندی یارانه ها، سرنوشت یارانه های حذف شده مشخص نیست. حذف یارانه ها که یک منبع درآمد کلان برای دولت است یکی از مسایل مورد مشاخره مجلس و دولت است. مقفود شدن درآمد بخشی از فروش نفت خام که در هیچ سندی ثبت نشده را باید به مساله درآمد دولت از طریق حذف یارانه ها اضافه کرد.

عدم واریز پول حاصل از فروش نفت به خزانه کشور و نیز عدم ثبت مبلغ آن از جمله افشاگریهای مجلسیان در رابطه با دولت است.

بر اساس ادعاهای احمدی نژاد قرار بود درآمد حاصل از حذف یارانه ها به حساب مردم . به رشد تولید اختصاص یابد.

از همان ابتدا معلوم بود که تقسیم پول حاصل از حذف سوسپیداها بین مردم از دغدغه های پاسدار احمدی نژاد نبوده است. داده های آماری بعد از اجرائی شدن طرح فوق، از فقر، بیکاری، گرانی و افزایش تورم حکایت می کند. بهای کالاهای اولیه زندگی و نیز کالاهای حاملهای انرژی در این مدت سیر صعودی داشته است. این افزایش هیچ خوانایی با مبلغ کمی که به طور صدقه به مردم داده می شود ندارد. عدم تعادل در نرخ تورم و درآمد مردم، وضعیت معاشی مردم را خرابتر کرده است.

در گزارش بانک مرکزی که روز چهارشنبه ۳۰ فروردین در رسانه ها منتشر شد، خبر از کاهش سطح زندگی مردم طی یک سال گذشته می دهد. بانک مرکزی اعلام کرد که «یارانه های نقدی اثر چندانی در مخارج واقعی این خانوارها نداشته و فقط اثر تورم هزینه ای جاری خانوارها را خنثی می کند.»

مجاهد خلق منصور رادپور در زندان گوهردشت به شهادت رسید

به شرایط دهشتناک زندان دست به اعتصاب غذا زد. دژخیمان که از او کینه عمیقی به دل داشتند، برای در هم شکستن و گرفتن اعترافات اجباری، بارها او را تحت شکنجه قرار دادند. اما او در مقابل دژخیمان سرخم نکرد.

شهید مجاهد خلق در اثر شکنجه و شرایط سخت زندان از بیماریهای مختلف از جمله ناراحتی کلیه، خونریزی معده و ناراحتیهای ریوی و شکستگی کتف و دنده ها رنج می برد. دژخیمان نه تنها از رسیدگی درمانی به او خودداری می کردند، بلکه آشکارا به او و دیگر زندانیان می گفتند ما شما را اینجا آورده ایم که زجرکشتان کنیم. طی چند هفته گذشته، در حالیکه وضعیت جسمی وی به شدت بحرانی شده بود و به رغم تهوع و دردهای شدید داخلی مزدوران نه تنها اجازه انتقال وی را به بیمارستان ندادند بلکه از بستری کردن وی در بهداری زندان نیز خودداری کردند. سرانجام او در روز اول خرداد در حالیکه سراسر بدنش، سیاه شده بود، به شهادت رسید. مقاومت ایران شهادت این مجاهد صدیق را به خانواده وی، سازمان مجاهدین خلق و مردم ایران تسلیت می گوید و عموم مراجع بین المللی و ارگانهای حقوق بشری، به ویژه کمیسر عالی حقوق بشر و گزارشگر ویژه حقوق بشر در باره ایران را به اعزام یک هیات حقیقت یاب برای رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی و به خصوص نحوه شهادت منصور رادپور فرا می خواند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت
ایران
۲ خرداد ۱۳۹۱ (۲۲ مه
۲۰۱۲)

زندانی سیاسی مجاهد خلق، منصور رادپور، ۴۴ساله، پدر دو فرزند، پس از تحمل ۵سال حبس در زندانهای قرون وسطایی آخوندها و ایستادگی در مقابل فشارهای ضد انسانی دژخیمان و بازجویان و شکنجه گران، روزدوشنبه اول خرداد، در سالن ۱۲ بند ۴ زندان گوهردشت جان بر سر آرمان آزادی مردم ایران نهاد و به شهادت رسید. منصور رادپور از هواداران باسابقه سازمان مجاهدین خلق ایران بود. وی که نقاش ساختمان بود، در بهمن ۸۵ به اشرف سفر کرد و چند ماه بعد در روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۶ به خاطر فیلمبرداری از حرکت اعتراضی کارگران در جاده چالوس - کرج دستگیر و به خانه های امن وزارت اطلاعات منتقل شد و تحت آزار و شکنجه قرار گرفت.

بیدادگاه رژیم آخوندی او را در یک محاکمه نمایشی چند دقیقه ای، به جرم تبلیغ علیه نظام و هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران، به سه سال حبس محکوم کرد. عوامل اطلاعات رژیم، بار دیگر با پرونده سازی دوران حبس او را به هشت سال افزایش دادند.

منصور رادپور در تمامی ۵ سال گذشته در بدترین شرایط و در مخوفترین زندانها از جمله خانه های امن وزارت اطلاعات، بند اطلاعات سپاه در گوهردشت، بند یک گوهردشت موسوم به زندان آخر خطی ها، سلولهای انفرادی این بند، موسوم به سگدونی، سالن ۱۲ بند ۴ گوهردشت که قتلگاه زندانیان سیاسی خوانده می شود و زندانیان در آن دچار مرگ تدریجی هستند، به سر برد. او طی سالیان بارها در یورشهای مزدوران رژیم به بندهای زندانیان مقاوم مورد ضرب و جرح و تحقیر و توهین قرار گرفت و از نیازهای ابتدایی روزمره محروم بود.

منصور رادپور، همواره پیشقدم دفاع از دیگر زندانیان بود و بارها در اعتراض

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم